




دکتر محمد بیستونی


بسم الله الرحمن الرحیم

# سیمای مهدی در قرآن

نویسنده:

محمد بیستونی

ناشر چاپی:

بیان جوان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

# سیمای مهدی در قرآن کریم (جلد ۲)

## مشخصات کتاب

سرشناسه : بیستونی، محمد، ۱۳۳۷ –

عنوان و نام پدیدآور : سیمای مهدی در قرآن= Vision of Mahdi in Qur'an/تالیف محمد بیستونی ؛ گروه تحقیق محمدعلی بیستونی، طاهره نوری‌خانی، جواد غریب‌زاده.

مشخصات نشر : قم: بیان جوان، ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری : [۲۸۲] ص.

شابک : ۹۶۴-۸۳۹۹-۸۲-۴

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتاب حاضر قبلا توسط همین انتشارات در سال ۱۳۸۳ به صورت جلدی نیز منتشر شده است.

یادداشت : کتابنامه: ص [۲۶۹] – ۲۸۲؛ همچنین به صورت زیرنویس

موضوع : محمدبن‌حسن عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق.-- جنبه‌های قرآنی.

موضوع : مهدویت -- جنبه‌های قرآنی.

شناسه افزوده : نوری‌خانی، طاهره

شناسه افزوده : غریب‌زاده، جواد

رده بندی کنگره : BP۱۰۴/م۸۶ ب۹ ۱۳۸۵

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۵۹

شماره کتابشناسی ملی : م۸۵-۴۷۱۹۱

## فهـــرســت مطــالــب



(۲۰۶) (())

فهرست مطالب

عنوان صفحه

«» (۲۰۷)

فهرست مطالب

عنوان صفحه


(۲۰۸) «»

فهرست مطالب

عنوان صفحه


«» (۲۰۹)

فهرست مطالب

عنوان صفحه

دعاهایی که‌به‌واسطه‌خواندن‌آن‌می‌توان‌حضرت‌حجّت علیه‌السلام رادرخواب‌یا بیداری‌دید ●●●۱۷۸

استغاثـــــه بـــه حضـــــرت علیه‌السلام ●●● ۱۸۹

در جمع بین حکایات و قصه‌های گذشته و بین روایتی که در تکذیب مدّعی مشاهــده

آن‌جناب علیه‌السلام ، درغیبت‌کبری رسیده‌است ●●●۱۹۳

## اَلْاِهْداء

اِلی سَیِّدِنا وَ نَبِیِّنا مُحَمَّدٍ

رَسُولِ اللّهِ وَ خاتَمِ النَّبِیّینَ وَ اِلی مَوْلانا

وَ مَوْلَی الْمُوَحِّدینَ عَلِیٍّ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَ اِلی بِضْعَةِ

الْمُصْطَفی وَ بَهْجَةِ قَلْبِهِ سَیِّدَةِ نِساءِ الْعالَمینَ وَ اِلی سَیِّدَیْ

شَبابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ، السِبْطَیْنِ، الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ وَ اِلَی الاَئِمَّةِ التِّسْعَةِ

الْمَعْصُومینَ الْمُکَرَّمینَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَیْنِ سِیَّما بَقِیَّةِ اللّهِ فِی الاَرَضینَ وَ وارِثِ عُلُومِ

الاَنْبیاءِ وَ الْمُرْسَلینَ ، الْمُعَدِّ لِقَطْعِ دابِرِ الظَّلَمَةِ وَ الْمُدَّخِرِ لاِحْیاءِ الْفَرائِضِ وَ مَعالِمِ الدّینِ ،

الْحُجَّةِبْنِ‌الْحَسَنِ صاحِبِ الْعَصْرِ وَ الزَّمانِ عَجَّلَ اللّهُ تَعالی فَرَجَهُ الشَّریفَ فَیا مُعِزَّ

الاَوْلِیاءِوَیامُذِلَّ‌الاَعْداءِاَیُّهَاالسَّبَبُ‌الْمُتَّصِلُ‌بَیْنَ‌الاَرْضِ‌وَالسَّماءِقَدْمَسَّنا

(۴)

وَ اَهْلَنَا الضُّـــرَّ فی غَیْبَتِـــکَ وَ فِراقِـــکَ وَ جِئْنا بِبِضاعَـةٍ

مُزْجاةٍ مِنْ وِلائِکَ وَ مَحَبَّتِکَ فَاَوْفِ لَنَا الْکَیْلَ مِنْ مَنِّکَ وَ

فَضْلِکَ وَ تَصَدَّقْ عَلَیْنا بِنَظْرَةِ رَحْمَةٍ مِنْکَ

اِنّا نَریکَ مِنَ الْمُحْسِنینَ

(۵)

فلسفه غیبت طولانی (۱)

سؤال دیگری که در زمینه عقیده شیعه درباره مهدی علیه‌السلام پیش می‌آید ، موضوع غیبت طولانی او است که پس از قبول امکان عمر طولانی مطرح می‌شود و آن این‌که : چرا مهدی ظهور نمی‌کند با این که فساد و ظلم به قدر کافی وجود دارد ؟ چرا با قیام خود جهان را در مسیر عدل و داد قرار نمی‌دهد ؟ آخر تا کی باید نشست و شاهد صحنه‌های ظلم و خونریزی و بیدادگری مشتی تبهکار و از خدا بی‌خبر باشیم ؟ چرا این قدر غیبتش به طول انجامیده ؟ او در حقیقت انتظار چه چیزی را ، دیگر می‌کشد ؟

۱-این مطالب از کتاب حکومت جهانی مهدی (عج)، تألیف حضرت آیة اللّه مکارم شیرازی، استفاده شده است .

(۶)

و بالاخره سرّ این غیبت طولانی چیست ؟

ولی بایـد توجّه داشت گرچه این سؤال معمولاً از شیعه در مسأله غیبت می‌شود ، امّا با کمی دقّت متوجّه خواهیم شد که دیگران هم از آن سهمی دارند ؛ یعنی ، به شکل دیگر متوجّه سایر معتقدان به ظهور یک بزرگ جهانی که روزی باید قیام کند و جهان را پر از عدل و داد سازد ، می‌گردد ؛ هرچند عقیده شیعه را درباره طول عمر و غیبت قبول نداشته باشند .

زیرا جای این پرسش از آنها باقی است که چرا آن مصلح بزرگ تاکنون متولّـد نشـده و اگر شـده است چرا قیام نمی‌کنـد و دنیای

تشنه را با جام عدالت و دادگری خویش سیراب نمی‌سازد ؟ بنابرایـن ، اشتباه بزرگی است اگر این ایراد را تنها متوجّه شیعه بدانیم . (۷)

و به تعبیر دیگر ، شکّ نیست که مسأله طول عمر (بحث گذشـته) و مسأله فلسفه وجود امام در زمان غیبت (بحث آینده) از سؤالاتی است که تنها متوجّه شیعه می گردد ، امّا متأسّفانه تأخیر ظهور او مطلبی است که همه معتقدان به ظهور آن مصلح جهانی باید به آن بیندیشند که چرا با آمادگی جهان ، آن ظهور بزرگ به وقوع نمی‌پیـونــــدد ؟ (دقّت کنید)

به هر حال ، این سؤال یک پاسخ کوتاه دارد و یک پاسخ مشروح ؛ پاسخ کوتاه آن این است که برای تحقّق یک انقلاب همه جانبه در سطح جهان تنها وجود یک رهبر شایسته انقلابی کافی نیست بلکه آمادگی عمومی نیز لازم است ؛ و هنوز متأسّفانـه دنیـا آمـاده پذیرش چنان حکومتی نشده است و به محض آمادگی ، قیام او قطعـــــــــی اســــت ! (۸)

امّا تـــوضیـــح این سخن:

اولاً : بایـد توجّه داشت که ـ همـان‌گونه که سابقـا اشـاره شـد ـ برنـامه قیـام مهـدی ، هماننـد برنـامه قیـام همه پیامبران الهی ، از راه بهره‌گیری از وسائل و اسباب طبیعی انجام می گیرد و هیچ‌گاه اعجاز اساس آن را تشـکیل نمی‌دهد ؛ معجزات جنبه استثنایی دارند و در روند برنامه‌های اصلاحی رهبر آسمانی ـ جز در موارد استثنایی ـ دخالت نخواهند داشت .

به همین دلیـل ، همه انبیـاء از سـلاح روز ، تربیت افراد لایـق ، مشورت‌هـای لازم ، طرح نقشه‌های مؤثّر ، تاکتیک‌های نظامی حساب شده و خلاصه ، فراهم ساختن هرگونه امکان مادّی و معنوی برای پیشبرد هدفشان استفاده می کردند و در انتظار این نمی‌نشستند که هر روز معجزه‌ای واقع شود و دشمن یک گام عقب‌نشینی کند ، یا (۹)

دوستــان در پرتــو اعجــاز هــر روز در مسیــر تکـامـل گـامـی بـه پیـش بگذارنـد .

بنابراین ، اجرای طرح حکومت حقّ و عدالت در سطح جهانی نیز باید با استفاده از وسـایـل مـادّی و معنـوی لازم ـ جـز در مـوارد استثنـایــی ـ تحقّــق پذیــرد .

به تعبیر دیگر ، مهدی علیه‌السـلام آئین و مذهب جدیدی با خود نمی‌آورد بلکه او طرح‌های انقلابی اجرا نشده الهی را به مورد اجرا می گـذارد . رسالت او تنها ابلاغ و انـذار و تعلیم و تربیت و توصـیه و تـذکّر نیست . رسالت او اجرای همه اصولی است که به ظلم و ستم و تبعیض در سایه حکومت علم و ایمان پایان می‌بخشد و مسلّما اجرای این طرح بدون آمادگی یا آمادگی‌ها ممکن نیست .

ثانیا ، با توجّه به اصل اساسـی بالا روشن می‌شود که چرا می گوییم هنوز وجود این‌آمادگی مسلّم‌نیست؛ چه این‌که، حدّاقل چند نوع آمادگی برای این کار لازم است: (۱۰)

### ۱ ـ آمادگی پذیرش (آمادگی روانی)

مردم جهان باید به‌قدرکافی تلخی این‌وضع نابسامان و بی‌عدالتی‌هارا درک کنند.

مردم جهان باید نارسائی و ضعف قوانین بشری را برای‌اجرای عدالت‌اجتماعی لمس کنند .

مردم جهـان بایـد این حقیقت را بیابنـد که تنهـا در سـایه اصول و پیونـدهای مـادّی و ضـمانت اجرایی موجود و مقرّرات خودساخته انسان‌ها مشکل جهان حلّ نمی‌شود ؛ بلکه مشکـلات هـر روز متراکـم‌تـر و به گونـه کـلاف سردرگمـی پیچیده‌تر می گردد .

مردم جهان باید احساس کنند که بحران‌های کنونی زاییده نظامات کنونی است ؛ و این نظامات از حلّ بحران‌ها سرانجام عاجزند .

مردم‌جهان‌بایددرک کنند که‌برای وصول‌به‌این هدف‌بزرگ، اصول‌ونظاماتی تازه

(۱۱) «

لازم‌است که متّکی‌به ارزش‌های‌انسانی وایمان و عواطف‌بشری و اخلاق باشد، نه‌تنها اصول‌خشک و بی‌روح و نارسایی مادّی .

مردم جهان باید به این حدّ از رشد اجتماعی برسند که بفهمند پیشرفت تکنولوژی الزاما به مفهوم پیشرفت بشریّت و تأمین خوشبختی انسان‌ها نیست ؛ بلکه تکنولوژی پیشرفته تنها در صورتی ضامن نیکبختی و سعادت است که زیر چتر یک سلسله اصول‌معنوی و انسانی‌استقراریابدوالاّ ـ همان‌گونه که‌بارهادیده‌ایم ـ بلاآفرین خواهد بود و مایه ویرانگری است .

مردم جهان باید دریابند صنایع اگر به صورت بتی درآیند بر حجم مشکلات کنونی افزوده خواهد شد و به ابعاد ویرانی و ضایعات جنگ‌ها وسعت می‌بخشد ؛ بلکه باید به شکل ابزاری درآیند تحت کنترل انسان‌های شایسته .

(۱۲) «

بالاخره مردم جهان باید تشنه شوند و تا تشنه نشوند به سراغ چشمه‌های آب نمی‌روند .

و به‌تعبیر دیگر، تا در مردم جهان تقاضایی نباشد ، عرضه هر نوع برنامه اصلاحی، مفید و مؤثّر نخواهد بود ؛ که قانون «عرضه و تقاضا» بیش از آنچه در مسائل اقتصادی موردتوجّه است در مسائل اجتماعی باید مورد توجّه قرار گیرد .

این سؤال پیش می‌آید که این حالت عطش و تقاضا را چه عاملی باید ایجاد کند ؟

در پاسخ می گوییم : قسمتی از آن را گذشت زمان و بدون آن ممکن نیست ، امّا قسمت دیگری بستگی به تعلیم و تربیت دارد ؛ باید با رستاخیز فکری که از طرف اندیشمندان باایمان و آگاهان مسئول جامعه به وجود می‌آید ، عملی گردد .

(۱۳) «

آنها باید با برنامه‌های انسان‌سازی خود ، حدّاقلّ این آگاهی را به مردم جهان بدهند که با این اصول و قوانین و روش‌هایی که در دست دارند مشکلات اساسی حلّ نخواهد شد ؛ و به هر حال ، این نیز نیازمند به زمان است .

## ۲ ـ تکامل فرهنگی و صنعتی

از سوی دیگر گردآوری تمام مردم جهان در زیر یک پرچم ، کوتاه ساختن دست زورمندان و قلدران در همه جا گستردن تعلیم و تربیت در آخرین حدّ امکان در همه سطوح، تفهیم کامل این‌مسأله که اختلاف زبان و نژاد و منطقه جغرافیایی و مانند آنها، دلیل بر این نیست که مردم جهان نتوانند همانند برادران ، در یک خانواده زندگی کنند؛ و در صلح و برادری و عدالت زیست نمایند .

(۱۴) «

و فراهم ساختن یک اقتصاد سالم و کافی برای همه انسان‌ها ، نیاز به رشد فرهنگی و بالا رفتن سطح دانش بشری از یک سو و تکامل وسائل صنعتی از سوی دیگردارد؛ وسائلی که بتواندپیوند سریع‌و نزدیک و دائمی‌میان‌تمام‌نقاط‌جهان برقرار سازد ، که آن هم بدون گذشت زمان ممکن نیست .

چگونه ممکن است یک حکومت به وضع همه جهان رسیدگی کند اگر ارتباطات به کندی صورت گیرد ؟

چگونه می‌توان باوسائلی که فرستادن یک‌پیام با آن به نقاط دورافتاده جهان یک یا چند سال وقت لازم دارد دنیا را اداره کرد ؟

از پاره‌ای از روایات که شکل زندگی مردم جهان را در عصر قیام مهدی علیه‌السلام ترسیم می‌کند ـ و بعدا به خواست خدا مشروحا پیرامون آن بحث خواهد شد ـ استفاده

(۱۵)

می‌شود که پیشرفت تکنولوژی و صنعت مخصوصا صنایع حمل و نقل و ارتباطی در آن عصر چنان خواهد بود که قارّه‌های بزرگ جهان عملاً به صورت چند شهر نزدیک به هم درمی‌آیند ؛ و شرق و غرب حتّی حکم یک خانه را پیدا می کند ؛ مشکل زمان و مکان به کلّی حلّ خواهد شد .

البتّه ممکن است قسمتی از این امور در پرتو یک جهش و انقلاب صنعتی در آن عصر صورت گیرد ، ولی بالاخره یک نوع آمادگی علمی به عنوان زمینه باید در آستانه چنان عصری باشد .

## ۳ ـ پرورش یک نیروی ضربتی انقلابی

سرانجام لازم است گروهی هرچند در اقلّیت باشند در این جهان پرورش یابند

(۱۶)

که هسته اصلی ارتش انقلابی آن مصلح بزرگ را تشکیل دهند .

باید در میان این جهنّم سوزان ، گل‌هایی بروید تا مقدّمه گلستانی گردد ؛ باید در این شوره‌زار نهال‌هایی تربیت شوند تا پیام‌آور بهار برای دگران باشند .

باید افرادی فوق‌العاده آگاه ، شجاع ، دلسوز ؛ فداکار و جانباز برای این کار تربیت شوند هرچند نسل‌هایی برای این منظور یکی پس از دیگری بگذرند تا ذخایر اصلی آشکار گردد و عناصر اصلی انقلاب فراهم شود و این نیز زمان می‌خواهد .

امّا این که چه کسی باید عهده‌دار پرورش این گونه افراد گردد ؟

باید به خاطر داشته باشیم که این برعهده همان رهبر بزرگ است که به طور مستقیم

(۱۷)

یا غیرمستقیم دست به چنین برنامه‌ای بزند (شرح بیشتر پیرامون این موضوع به خواست خدا در بحث آینده خواهد آمد) .

در روایات‌اسلامی یکی‌ازعلل طولانی‌شدن غیبت‌امام علیه‌السلام مسأله‌امتحان‌و آزمون عمومی‌مردم؛ و انتخاب اصلح ذکر شده که ممکن است اشاره به همین موضوع باشد .

توضیح اینکه : آزمون‌های انسانی الهی ، همچون آزمون‌های به خاطر آگاهی بیشتر به حال آزمون شدگان نیست ، بلکه به معنی پرورش استعدادها و آشکار ساختن شایستگی‌ها و جداشدن صفوف از یکدیگر است .

و به تعبیر دیگر ، هدف آنها تربیت و تکامل یا ایجاد آمادگی است ؛ زیرا احاطه علمی خداوند نسبت به همه چیز هرگونه هدف آگاهی‌طلبی را از آزمون‌های الهی سلب می کند .

(۱۸)

از مجموع این بحث روشن شد که چرا غیبت مهدی باید این گونه طولانی باشد .

## ۴ ـ فلسفه وجود امام به هنگام غیبت

سؤال دیگری که درباره عقیده شیعه و ویژگی‌های آن ، پیرامون وجود مهدی علیه‌السلام پیش می‌آید این است که :

امام علیه‌السلام در هر حال رهبر و پیشوا است و وجود یک رهبر در صورتی می‌تواند مفیدباشدکه تماسّ مداوم باپیروان خود داشته‌باشد؛ امام غائب‌ازنظر و ناپیدا، چگونه نقش رهبری خود را ایفا کند !؟

به تعبیر دیگر ، زندگی امام علیه‌السلام در دوران غیبت یک زندگی خصوصی است نه

(۱۹)

یک زندگی اجتماعی در صورت یک پیشوا ، با این حال حقّ داریم بپرسیم این ذخیره الهی چه اثر عمومی برای مردم می‌تواند داشته باشد و چه نوع بهره‌ای مردم می‌توانند از وجود او ببرند ؟

او به چشمه آب زلال حیات می‌ماند که در ظلمات باشد و کسی را در دسترسی به وجود او باشد !

به‌علاوه، اصولاً آیا مفهوم غایب‌شدن امام علیه‌السلام این‌است که وجودش به یک روح نامرئی یا امواج‌ناپیدا و اثیری و امثال این‌ها تبدیل شده؟ آیااین‌با علم‌سازگار است؟

این سؤال ـ بدون شکّ ـ سؤال مهمّی است ؛ ولی اشتباه است که گمان کنیم بی‌جواب مانده ؛ امّا اجازه بدهید نخست به پاسخ جمله اخیر بپردازیم که مایه سوء تفاهم ناجوری برای گروهی گردیده است و پس از روشن شدن آن به سراغ بقیّه سؤال‌ها می‌رویم .

(۲۰)

صریحا باید گفت ، مفهوم غائب بودن امام علیه‌السلام ـ چنان‌که اشاره کرده‌ایم ـ هرگز این نیست که وجود امام علیه‌السلام در عصر غیبت یک وجود نامرئی و رؤیایی است که به یک وجود خیالی و پنداری شبیه‌تر از یک وجود عینی باشد .

بلکه ، او از نظر زندگی ، یک زندگی طبیعی عینی خارجی دارد ، منتها با عمری طولانی ؛ در میان مردم و دل جامعه‌ها رفت و آمد دارد ؛ و در نقاط مختلف زندگی می‌کند ؛ و اگر استثنایی در زندگی او هست همین است که او از یک عمر طولانی برخوردار است ؛ همین و بس .

او به طور ناشناس در جامعه انسانی زندگی می‌کند و هیچ‌کس درباره غیبت او جز این نگفته است ؛ و چقدر فرق است میان «ناشناس» و «نامرئی» !

(۲۱)

حال که این سوءتفاهم برطرف شد ، به سراغ این موضوع می‌رویم که :

بسیار خوب ، ولی این چنین زندگی ممکن است برای یک فرد عادی قابل توجیه باشد ، امّا آیا برای یک رهبر ـ آن هم یک رهبر بزرگ الهی ـ قابل قبول است ؟!

شاگردی که معلّم خود را نشناسد ، بیماری که به وجود طبیب و مطبّ او پی نبرد ، تشنه‌ای که‌ازچشمه آب‌بی‌خبرباشد ـ هرچند درنزدیکی‌او قرارداشته‌باشد ـ چه بهره‌ای می‌توانند ببرند ؟!

جالب این که :

این سؤال تنها امروز برای ما مطرح نیست ؛ از روایات اسلامی برمی‌آید که حتّی پیش از تولّد مهدی علیه‌السلام در عصر امامان پیشینش مطرح بوده و به هنگامی که آنها سخن

(۲۲)

از مهدی و طول غیبتش به میان می‌آوردند ، با چنین سؤال رو به رو می‌شدند و با آغوش باز به آن پاسخ می‌گفتند که نمونه‌ای از آنها را ذیلاً از نظر می‌گذرانیم :

## فایده وجود امام در دوران غیبت

در احادیث متعدّد و گوناگونی که در زمینه فلسفه و فایده وجود امام علیه‌السلام در دوران غیبت به ما رسیده ، تعبیر بسیار پرمعنی و جالبی در یک عبارت کوتاه دیده می‌شود که می‌تواند کلیدی باشد برای گشودن این رمزبزرگ و آن اینکه از پیامبر

صلی‌الله‌علیه‌وآله در پاسخ این پرسش که چه فایده‌ای وجود مهدی علیه‌السلام در عصر غیبتش دارد فرمود :

« ای وَالَّذی بَعَثَنی بِالنُّبُوَّةِ اِنَّهُمْ یَنْتَفِعُونَ بِه وَ یَسْتَضیئُونَ بِنُورِ وَلایَتِهِ

(۲۳) «

فی غَیْبَتِه کَانْتِفاعِ النّاسِ بِالشَّمْسِ وَ اِنْ جَلَّلَهَا السَّحابُ (۱)؛ آری سوگند به خدایی که مرا به نبوّت برگزیده ، مردم از نور رهبری او در دوران غیبتش بهره می‌گیرند همان‌گونه که از خورشید به هنگام قرار گرفتن پشت ابرها!» .

برای فهم این کلید رمز ، نخست باید نقش خورشید را به طور کلّی و به هنگامی که چهره تابناکش پشت ابرها پنهان می گردد ؛ دریابیم :

خورشید دارای دو نوع نورافشانی است :

## نورافشانی آشکار و نورافشانی مخفی

## نورافشانی آشکار و نورافشانی مخفی

یا به تعبیر دیگر ، نورافشانی «مستقیم» و نورافشانی غیر «مستقیم» .

۱- بحار الانوار ، جلد ۵۲ ، صفحه ۹۳.

(۲۴) «

در نورافشانی آشکار ، اشعّه آفتاب به خوبی دیده می‌شود ، هرچند قشر ضخیم هوا که اطراف کره زمین را پوشانیده همانند یک شیشه ضخیم کار می کند ؛ شیشه‌ای که هم از شدّت تابش آفتاب می کاهد و آن را قابل تحمّل می‌سازد ؛ و هم نور آفتاب را تصفیه می کند و شعاع‌های مرگبارش را خنثی و بی‌اثر می‌سازد ، ولی به هر حال مانع از تابش مستقیم آفتاب نیست .

ولی در تابش غیرمستقیم ، ابرها ، همانند یک شیشه مات ، نور مستقیم خورشید را گرفته و پخش می کنند .

نور آفتاب مهم‌ترین نقش را در دنیای حیات و موجودات زنده دارد :

نور و حرارتی که از خورشید به هر سو پاشیده می‌شود تنها انرژی خلّاق

(۲۵) «

موتورهای زندگی در گیاهان و حیوانات و انسان است :

رشد و نمو موجودات زنده ؛ تغذیه و تولیدمثل آنها ؛ حسّ و حرکت و جنبش ؛ آبیاری زمین‌های مرده ؛ غرّش امواج دریا ؛ وزش حیاتبخش بادها ؛ ریزش دانه‌های زندگی آفرین باران و برف ؛ صدای زمزمه آبشارها ؛ نغمه‌های مرغان ؛ زیبایی خیره‌کننده گل‌ها ؛ گردش خون در عروق انسان و طپش قلب‌ها ؛ عبور برق‌آسای اندیشه از لابه‌لای پرده‌های مغز ؛ و لبخند شیرینی که بر لب گلبرگ مانند یک کودک شیرخوار نقش می‌بندد و ... .

همه و همه به طور مستقیم یا غیرمستقیم به نور آفتاب بستگی دارد و بدون آن همه این‌ها به خاموشی خواهد گرائید و این موضوع را با کمی دقّت می‌توان دریافت .

خوب ، حالا این سؤال پیش می‌آید که آیا این برکات و آثار

(۲۶) «

زندگی‌بخش ، مخصوص زمانی نیست که نور به طور مستقیم می‌تابد ؟

پاسخ این سؤال روشن است : نه ، بسیاری از این آثار در نور مات خورشید از پشت ابرها نیز وجود دارد .

مثلاًـ در کشورها یا شهرهایی که چندین ماه از سال ابرها سراسر آسمان را پوشانیده‌اند آفتاب دیده نمی‌شود، ولی گرما؛ نمو و رویش گیاهان ؛ تولید انرژی لازم برای‌موتور حیات؛ رسیدن غلاّت و میوه‌ها؛ خندیدن گل‌ها و شکوفه‌ها وجود دارند.

بنابراین ، تابش خورشید از پشت پرده ابرها قسمت مهمّی از برکات خود را دربردارد ؛ و تنها قسمتی از آثار آن که نیاز به تابش مستقیم دارد موجود نیست ؛ مثلاً می‌دانیم تابش آفتاب اثر حیاتی خاصّی روی پوست و سایر جهاز بدن انسان و

(۲۷) «»

موجودات زنده دارد و به همین دلیل در کشورهایی که از این نظر در محرومیّت به سر می‌برند در روزهای آفتابی بسیاری از مردم حمّام آفتاب می‌گیرند ؛ و در برابر این نور حیات‌بخش برهنه می‌گردند و با تمام ذرّات وجود خود که تشنه این هدیه آسمانی است ذرّات این نور را می‌مکند .

و نیزتابش مستقیم آفتاب ، علاوه بر این که روشنایی و گرمای بیشتری می‌آفریند ، اثر خاصّی ـ به خاطر همان اشعّه ماورای بنفش ـ در کشتن انواع میکروب‌ها و سالم‌سازی محیط دارد که در نور غیرمستقیم دیده نمی‌شود .

از مجموع بحث بالا نتیجه می‌گیریم که هرچند پرده‌های ابر ، بعضی از آثار آفتاب را می‌گیرد ولی قسمت مهمّی از آن همچنان باقی می‌ماند .

این بود حال «مُشَبَّهٌ بِه» یعنی آفتاب ، اکنون بازگردیم به وضع «مُشَبَّهٌ»

(۲۸) «»

یعنی وجود رهبران الهی در حال غیبت .

اشعّه معنوی نامرئی وجود امام علیه‌السلام به هنگامی که در پشت ابرهای غیبت نهان است دارای آثار گوناگون قابل ملاحظه‌ای است که علی‌رغم تعطیل مسأله تعلیم و تربیت و رهبری مستقیم، فلسفه‌وجودی اورا آشکارنمی‌سازد.

این آثار به صورت زیر است :

## ۱ــ اثر امیدبخشی

در میدان‌های نبرد تمام کوشش گروهی از سربازان زبده و فداکار این است که پرچم ، در برابر حملات دشمن همچنان سر پا در اهتزاز باشد ؛ در حالی که سربازان دشمن‌دائما می‌کوشند پرچم‌مخالفان را سرنگون‌سازند، چراکه برقراربودن‌پرچم مایه دلگرمی‌سربازان و تلاش و کوشش مستمرّ آن‌هااست.

(۲۹) «»

همچنین وجود فرمانده لشکر در مقرّ فرماندهی ـ هرچند ظاهرا خاموش و ساکت باشد ـ خون گرم و پرحرارتی در عروق سربازان به حرکت درمی‌آورد و آنها را به تلاش بیشتر وامی‌دارد که فرمانده ما زنده است و پرچممان در اهتزاز !

امّا هرگاه خبر قتل فرمانده در میان سپاه پخش شود یک لشکر عظیم با کارائی فوق‌العاده یک مرتبه متلاشی می‌گردد ، گویی آب سردی بر سر همه ریخته‌اند ، نه ، بلکه روح از تنشان بیرون رفته !

رئیس یک جمعیّت یا یک کشور مادام که زنده است ، هرچند مثلاً در سفر یا فرضا در بستر بیماری باشد ، مایه حیات و حرکت و نظم و آرامش آن‌ها است ؛ ولی شنیدن خبر از دست رفتن او گرد و غبار یأس و نومیدی را بر همه می‌پاشد .

(۳۰) «»

جمعیّت شیعه طبق عقیده‌ای که به وجود امام زنده دارد ، هرچند او را در میان خود نمی‌بینند ، خود را

تنهـــــا نمـی‌دانـــــد . (دقّـــت کنیـــد)

او همواره انتظار بازگشت آن سفرکرده را که قافله‌های دل همراه اوست می‌کشد ، انتظـاری سـازنـده و اثـربخـش ، او هـر روز احتمـال ظهـور او را مـی‌دهـد .

اثر روانی این طرز فکر در زنـده نگهداشـتن امیـد در دل‌ها و وادار ساختن افراد به خودسازی و آمادگی برای آن انقلاب بزرگ که شرحش در بحث «انتظار» گذشت ، کاملاً قابل درک است .

امّا اگر این رهبر اصـلاً وجـود خـارجی نداشته بـاشـد و عـلاقمندان مکتبش در انتظـار تـولّـد و پـرورش او در آینـده باشنـد وضـع بسیـار فـرق مـی‌کنـد .

(۳۱) «»

و اگر یک نکته دیگر را به این موضوع بیفزائیم مسأله شکل جدّی‌تری به خود می‌گیـرد و آن اینکـه :

طبق اعتقاد عمومی شیعه که در روایات بسیار زیادی در منابع مذهبی آمده است ، امام به طور مداوم ، در دوران غیبت ، مراقب حال پیروان خویش است ؛ و طبق یک الهام الهی از وضع اعمـال آنها آگاه می‌گردد و به تعبیر روایات همه هفته برنامه اعمال آنها به نظر او می‌رسد و از چگونگـی رفتـار و کردار و گفتار آن‌ها آگاه می‌گردد .(۱)

۱- این روایات در تفسیر برهان، در ذیل آیه « قُلِ اعْمَلُوا فَسَیَرَی اللّهُ عَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ » (۱۰۵ / سوره توبه) آمده است ؛ و ما در جلد هشتم تفسیر نمونه بحثی جالب پیرامون آن داریم.

(۳۲) «»

این فکر سبب می‌شود که همه معتقدان در یک حال مراقبت دائمی فرو روند و به هنگام ورود در هر کار توجّه به آن «نظارت عالی» داشته باشند ؛ اثر تربیتی این طرز فکر نیز قابل انکار نیست .

## ۲ ـ پاسداری آئین خـدا

«علـی» آن ابرمـرد تاریخ بشـر در یکـی از سـخنـان کوتـاه خـود که در آن اشـاره بـه لـزوم وجـود رهبـران الهـی در هـر عصـر و زمـان مـی‌کنـد می‌گویـد :

(۳۳) «»

« اَللّهُمَّ بَلی لا تَخْلُو الاْرْضُ مِنْ قائِم لِلّهِ بِحُجَّة اِمّا ظاهِرا مَشْهُورا وَ اِمّا خائِفامَغْمُورا لِئَلاّ تَبْطُلَ حُجَجُاللّهِ وَ بَیِّناتِه (۱) آری‌هیچ‌گاه صفحه روی زمیـن، از قیام‌کننـده‌باحجّت و دلیل‌خـالی نمی‌مانـد؛ خواه‌ظـاهر و آشـکار باشـد، یـا مخفی و پنهـان ، تادلائل‌واسنادروشن‌الهی‌ضایع‌نگرددوبه‌فراموشی‌نگراید(ومسخ‌وتحریف‌نشود)».

اکنون به توضیح این سخن تـوجّه کنید :

بـا گـذشت زمـان و آمیختـن سـلیقه‌ها و افکـار شخصـی به مسائـل مـذهبی و گرایش‌هـای مختلـف به سـوی برنامه‌هـای ظـاهر فریب مکتب‌های انحرافی و درازشدن دست مفسده جویان به‌سوی مفاهیم آسمانی، اصالت پاره‌ای از این قوانین از دست

۱- نهج‌البلاغه ، کلمات قصار ، شماره ۱۴۷.

(۳۴) «»

می‌رود و دستخوش تغییرات زیانبخشی می‌گردد .

این آب زلال کـه از آسمـان وحی نازل شده با عبور از مغزهای این و آن تدریجـا تیـره و تـار گشتـه ، صفـای نخستیـن خـود را از دسـت مـی‌دهـد .

ایـن نـور پرفـروغ با عبـور از شیشه‌هـای ظلمـانـی افکـار تاریـك، کمرنـگ و کمــــرنــگ‌تــــر مــی گــــردد .
خلاـصه ، بـا آرایش‌هـا و پیرایش‌هـای کوته‌بینـانه افراد و افزون شاخ و برگ‌های تازه به آن ، چنـان می‌شـود که گاهـی بازشناسـی مســائل اصلی دچــار اشکــال می گــردد .
و به گفته آن شاعر ـ که البتّه همان‌گونه که روش و سنّـت شاعـران اســت در

» (۳۵)

شکـل مبـالغــه‌آمیـزی مطــرح شــــد ـ خطــاب بــه پیـامبــر کــرده می گویـــد :
شرع تو را در پی آرایشند دین تو را از پی پیرایشند
بس که فزودند بر آن برگ و بر گر تو ببینی نشناسی دگر
با این حال ، آیا ضـروری نیست که در میان جمع مسلمانان کسـی باشد که مفاهیم فناناپذیـر تعالیم اسـلامی را در شـکل اصلی‌اش حفظ و برای آیندگان نگهداری کند ؟
آیا مجدّدا وحی آسمانی بر کسی نازل می‌شود ؟ مسلّما نه ! باب وحی با مسأله خـاتمیّت بــرای همیشه بستـه شد .
پس چگونه بایـد آئین اصیل حفظ گردد و جلو تحریفات و تغییرات و خرافات گرفته شود و این آئین برای نسل‌های آینـده محفوظ بماند . آیا جز این است که باید

» (۳۶)

این رشـته به وسیله یک پیشوای معصوم ادامـه یابـد ، خـواه آشـکـار و مشـهـور باشد یـا پنهـان و نشنـاس ( لِئَــلّا تَبْطُــلَ حُجَــجُ اللّــهِ وَ بَیِّنــاتِــه ) .
می‌دانیم در هر مؤسـسه مهمّی «صـندوق آسیب‌ناپذیری» وجود دارد که اسـناد مهمّ آن مؤسـسه را در آن نگهـداری می کننـد ، تا از دسـتبرد دزدان محفوظ بمانـد ؛ به علاـوه ، هرگاه مثلًا آتش‌سوزی در آنجـا روی دهـد از خطـر حریـق مصــون باشــد کـه اعتبـار و حیثیّـت آن مؤسسه پیونـد نزدیکــی بــا حفـــظ آن اسنـــاد و مــدارك دارد .
سینه امام و روح بلنـدش صـندوق آسـیب‌ناپذیر حفظ اسـناد آئین الهی است که همه اصالت‌های نخستین و ویژگی‌های آسـمانی این تعلیمات را در خود نگاهداری می کند «تا دلائل الهی و نشانه‌هــای روشن پروردگــار باطل نگردد و به خاموشی نگراید» .
و این دیگر از آثار وجود او ـ گذشته از آثار دگر ـ است .

» (۳۷)

## ۳ ـ تربیت یک گروه انقلابی آگاه

برخلاف آنچه بعضـی فکر می کننـد ، رابطه امام در زمان غیبت به کلّی از مردم بریـده نیست ؛ بلکه آن گونه که از روایات اسـلامی برمی‌آید گروه کوچکی از آماده‌ترین افراد که سـری پرشور از عشق خدا و دلی پرایمان و اخلاصـی فوق‌العاده برای تحقّق بخشـیدن به آرمان اصلاح جهان دارند ، با او در ارتباطند و از طریق این پیوند تدریجا ساخته می‌شوند ؛ و روح انقلابی بیشتری کسب می کنند ؛ انقلابی سازنده و بــارور بــرای ریشــه کـن ساختـن هــرگونــه ظلــم و بیــدادگــری در جهــــان !
ممکن است آنهـا خودشـان پیش از این قیـام از دنیا برونـد ولی به هر حال آمادگی و تعلیمات انقلابی را به نسل‌های آینـده‌شان و به دیگران منتقل می‌سازند و در پرورش گـروه نهــایی سهیــم و شریکنــــد .

» (۳۸)

سابقا گفتیم معنی غیبت امام این نیست که او به شکل یك روح نامرئی و یا اشعّه‌ای ناپیدا درمی‌آید ، بلکه او از یک زندگی طبیعی

آرام برخوردار است ؛ و به طور ناشناخته در میان همین انسان‌ها رفت و آمد دارد و دل‌های بسیار آماده را برمی گزینـد ؛ و در اختیـار مـی گیـرد و بیش از پیش آماده می کنـد و می‌سـازد .

افراد مستعدّ بـه تفـاوت میزان اسـتعداد و شایسـتگی خـود ، توفیـق درک ایـن سـعادت را پیدامی‌کننـد؛ بعضـی چنـدلحظه؛ و بعضی‌چندساعت و چندروز؛ و بعضی‌سال‌ها با او درتماس‌نزدیک‌هستند!

به تعبیر روشن‌تر ، آنها کسانی هسـتند که آن‌چنان بر بال و پر دانش و تقوا قرار گرفته و بالا رفته‌اند که همچون مسافران هواپیماهای دور پرواز بر فراز ابرها قرار می گیرنـد ؛ آنجـا که هیچ گـاه حجـاب و مانعـی بر سر راه تابش جانبخش آفتاب

«(۳۹)

نیست ؛ در حالی که دیگران در زیر ابرها در تاریکـی و نور کمرنـگ به سر می‌برند .

حساب صحیح نیز همین است ؛ من نبایـد انتظـار داشـته بـاشم که آفتـاب را به پـایین ابرها بکشم تا چهره او را ببینم ؛ چنین انتظاری اشتباه بزرگ و خیـال خـام است ؛ ایـن منـم کـه بایـد بالاـتر از ابرهـا پرواز کنم تـا شـعاع جـاودانه آفتـاب را جرعه جرعه بنـوشم و سیـــــراب گـــــــردم .

به‌هر حال، تربیت این گروه یکی دیگراز فلسفه‌های وجود او در این دوران‌است.

## ۴ ـ نفوذ روحانی و ناآگاه

می‌دانیم خورشید یک سلسله اشعّه نامرئی دارد که از ترکیب آنها با هم ، هفت رنگ معروف ، پیدا می‌شود ؛ و یک سلسله اشعّه نامرئی که به نام «اشعّه فوق بنفش»

«(۴۰)

و «اشعّه مادون قرمز» نامیده شده است .

همچنین یـک رهبر بزرگ آسـمانی خواه پیـامبر باشـد یـا امـام ، علاوه بر تربیت تشـریعی که از طریق گفتار و رفتار و تعلیم و تربیت عـادی صورت می گیرد ، یـک نوع تربیت روحـانی و از راه نفوذ معنوی در دل‌ها و فکرها دارد که می‌توان آن را تربیت تکوینی نام گذارد ؛ در آنجا الفاظ و کلمات و گفتار و کردار کار نمی‌کند بلکه تنها جاذبـه و کشش درونـی کـــار می کنــد .

در حالاـت بسیاری از پیشوایان بزرگ الهی می‌خوانیم که گاه بعضـی از افراد منحرف و آلوده با یک تماس مختصـر با آنها به کلّی تغییر مسیر می‌دادنـد و سرنوشـتشان یک‌باره دگرگون می‌شـد و به قول معروف با ۱۸۰ درجه انحراف راه کاملاً ـ تـازه‌ای را انتخاب می کردند ؛ یک‌مرتبه فردی پاک و مؤمن و فداکار از آب

«(۴۱)

درمی‌آمدند که از بذل همه وجود خود نیز مضایقه نداشتند !

این دگرگونی‌های تنـد و سریع و همه جانبه ، این انقلاب‌های جهش‌آسا و فراگیر ، آن هم با یک نگاه یا یک تماس مختصـر (البتّه برای آنهـا کـه در عین آلـودگی یـک نـوع آمـادگی‌نیز دارنـد) نمی‌توانـدنتیجه تعلیم و تربیت‌عادی‌باشـد بلکه‌معلـول یـک‌اثر روانی نامرئی‌و یک‌جذبه‌ناخودآگاه‌است که گاهی‌از آن‌تعبیربه«نفوذشخصیّت»نیز می‌شود.

بسیار از کسـان این موضوع را در زنـدگی خود تجربه کرده‌انـد که به هنگـام برخورد بـا افرادی که روح‌هـای بزرگ و عالی دارند چنان بی‌اختیار و ناخودآگاه تحت تأثیر آنان قرار می گیرند که حتّی سخن گفتن در برابر آنها برایشان مشکل می‌شود ؛ و خود را در میـان هـالـه‌ای مـرمـوز و غیرقابـل توصیـف از عظمــت و بزرگــی می‌بیننــد .

البتّه ممکن است گاهی این گونه امور را با تلقین و امثال آن توجیه کرد ؛ ولی

« (۴۲)

مسلّما این تفسیر برای همه موارد صحیح نیست بلکه راهی جز این ندارد که بپذیریم که این آثار نتیجه شعاع اسرارآمیزی است که از درون ذات انسان‌های بزرگ برمی‌خیزد .

سرگذشت‌های فراوانی در تاریخ پیشوایان بزرگ می‌بینیم که جز از این راه نمی‌توان آنها را تفسیر کرد ؛ داستان آمدن جوان آلوده‌ای نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و انقلاب ناگهانی روحی او .

با برخورد اسعدبن زراره بت‌پرست به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در کنار خانه کعبه و تغییر جهش‌آسای طرز تفکّر او .

و یا آنچه دشمنان سرسخت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نام آن را سحر می‌گذاردند و مردم را به خاطر آن از نزدیک شدن به او بازمی‌داشتند ، همه حاکی از نفوذ شخصیّت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله

(۴۳) «

در افراد مختلف از این طریق است .

همچنین آنچه درباره تأثیر پیام امام حسین علیه‌السلام روی فکر «زهیر» در مسیر کربلا نقل شده تا آنجا که با شنیدن پیام امام حتّی نتوانست لقمه‌ای که در دست داشت به دهان بگذارد و آن را به زمین نهاد و حرکت کرد .

و یا کشش عجیب و فوق‌العاده که «حرّبن یزید ریاحی» در خود احساس می‌کرد و با تمام شجاعتش همچون بید می‌لرزید ؛ و همین کشش سرانجام او را به صف مجاهدان کربلا کشانید و به افتخار بزرگ شهادت نائل آمد .

و یا داستان جوانی که در همسایگی «ابوبصیر» زندگی داشت و با ثروت سرشار خود که از خودش خدمتی به دستگاه بنی‌امیّه فراهم ساخته بود به عیش و نوش و بی‌بند و باری پرداخته بود و سرانجام با یک پیام امام صادق علیه‌السلام به کلّی دگرگون شد

« (۴۴)

و همه کارهای خود را درهم پیچید و تمام اموالی را که از طریق نامشروع گرد آورده بود به صاحبانش داد ، یا در راه خدا انفاق کرد .

و یا سرگذشت کنیز خواننده و زیبا و عشوه‌گری که هارون به گمان خام خود برای منحرف‌ساختن‌ذهن‌امام‌کاظم علیه‌السلام به‌زندان‌اعزام‌داشته‌بود؛ و منقلب‌شدن روحیّه‌او در یک‌مدّت کوتاه، تا آنجاکه قیافه و طرزسخن و منطق‌او هارون را به حیرت و وحشت افکند ....

همه و همه نشانه و نمونه‌هایی از همین تأثیر ناخودآگاه است که می‌توان آن را به شعبه‌ای از «ولایت تکوینی» پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله یا امام علیه‌السلام دانست ، چراکه عامل تربیت و تکامل دراینجا الفاظ و جمله‌ها و راه‌های‌معمولی و عادی نیست، بلکه‌جذبه معنوی و نفوذ روحانی عامل اصلی محسوب می‌شود .

این برنامه ـ همان‌گونه که گفتیم ـ منحصر به پیامبران و امامان نیست ؛ بلکه رجال

(۴۵) «

راستین و شخصیّت‌های بزرگ نیز به تناسب میزان شخصیّت خود هاله‌ای از این نفوذ ناخودآگاه اطراف خود ترسیم می‌کنند ، منتها قلمرو گروه اوّل با گروه دوم از نظر ابعاد و گسترش قابل مقایسه نیست .

وجودامام علیه‌السلام در پشت‌ابرهای غیبت نیز این‌اثر را داردکه از طریق اشعّه نیرومند و پردامنه‌نفوذشخصیّت‌خود،دل‌های‌آماده‌رادرنزدیک‌ودورتحت‌تأثیرجذبه‌مخصوص قرار داده به تربیت و تکامل آنها می‌پردازد و از آنها انسان‌هایی کامل‌تر می‌سازد .

ما قطب‌های مغناطیسی زمین را با چشم خود نمی‌بینیم ، ولی اثر آنها روی عقربه‌های قطب‌نما ، در دریاها راهنمای کشتی‌هاست ؛ و

در صحراها و آسمان‌ها راهنمای هواپیماها و وسائل دیگر است . در سرتاسر کره زمین از برکت این امواج مغناطیسی ، میلیون‌ها مسافر راه خود را به سوی مقصد پیدا کرده ، یا وسائل نقلیّه

(۴۶) (۱)

بزرگ و کوچک به فرمان همین عقربه ظاهرا کوچک از سرگردانی رهایی می‌یابند .

آیا تعجّب دارد اگر وجود امام علیه‌السلام در زمان غیبت با امواج جاذبه معنوی خود افکار و جان‌های زیادی را که در دور یا نزدیک قرار دارند هدایت کند و از سرگردانی رهایی بخشد ؟

ولی نمی‌توان و نباید فراموش کرد که همان‌گونه که امواج مغناطیس زمین روی هر آهن پاره بی‌ارزشی اثر نمی‌گذارد بلکه روی عقربه‌های ظریف و حسّاسی که آب مغناطیس خورده‌اند و یک نوع سنخیّت و شباهت با قطب فرستنده امواج مغناطیسی پیدا کرده‌اند اثر می‌گذارند ، همین‌طور دل‌هایی که راهی با امام دارند و شباهتی را در خود ذخیره نموده‌اند تحت تأثیر آن جذبه غیرقابل توصیف روحانی قرار می‌گیرند .

با درنظر گرفتن آنچه در بالا گفتیم، یکی‌دیگراز آثار و فلسفه‌های‌وجودی امام علیه‌السلام

(۱) (۴۷)

در چنین دورانی آشکار می‌گردد .

## ۵ ـ ترسیم هدف آفرینش

هیچ عاقلی بی‌هدف گام برنمی‌دارد و هر حرکتی که در پرتو عقل و علم انجام گیرد در مسیر هدفی قرار خواهد داشت .

با این تفاوت که هدف در کار انسان‌ها معمولاً رفع نیازمندی خویش و برطرف ساختن کمبودهاست، ولی در کار خدا هدف متوجّه دیگران و رفع نیازهای آنهاست ؛ چراکه ذات او ازهرنظر بی‌پایان‌است و عاری‌ازهرگونه کمبود و بااین‌حال انجام دادن کاری به نفع خود ، درباره او مفهوم ندارد.

حالا به این مثال توجّه کنید :

(۴۸) (۱)

در زمینی مستعد و آماده ، باغی پرگل و میوه احداث می‌کنیم ؛ در لابه‌لای درختان و بوته‌های گل ، علف هرزه‌هایی می‌رویند ؛ هروقت به آبیاری آن درختان برومند می‌پردازیم علف هرزه‌ها نیز از پرتو آنها سیراب می‌شوند .

در اینجا ما دو هدف پیدا می‌کنیم :

هدف اصلی که آب دادن درختان میوه و بوته‌های گل است .

و هدف تبعی که آبیاری علف هرزه‌های بی‌مصرف می‌باشد .

بدون شک هدف تبعی نمی‌تواند انگیزه عمل گردد و یا حکیمانه بودن آن را توجیه کند ؛ مهم همان هدف اصلی است که جنبه منطقی دارد !

حال اگر فرض کنیم بیشتر درختان باغ خشک شوند و جز یک درخت باقی نماند ، امّا درختی که به تنهایی گل‌ها و میوه‌هایی را که از هزاران درخت انتظار داریم به ما

(۱) (۴۹)

می‌دهد بدون تردید برای آبیاری همان یک درخت هم که باشد برنامه آبیاری و باغبانی را ادامه خواهیم داد ؛ گو اینکه علف هرزه‌های زیادی نیز از آن بهره گیرند و اگر یک روز آن درخت نیز بخشکد آنجاست که دست از آبیاری باغ می‌کشیم هرچند

علف هرزه‌ها بمیرند .

جهان آفرینش بمانند همان باغ پرطراوت است و انسان‌ها درختان و بوته‌های این باغند .

آنها که در مسیر تکاملند درختان و شاخه‌های پربرند .

و آنها که به پستی گرائیده و منحرف و آلوده‌اند علف هرزه‌های این باغند .

مسلّما این آفتاب درخشان ، این مولکول‌های حیاتبخش هوا ، این همه برکات زمین و آسمان ، برای آن آفریده نشده است که مشتی فاسد و هرزه به جان یکدیگر بیفتند و به خوردن یکدیگر مشغول شوند و جز ظلم و ستم و جهل و فساد محصولی

« (۵۰)

برای اجتماع آنها نباشد ؛ نه ! هرگز هدف آفرینش نمی‌تواند این‌ها باشد !

این جهان و تمام مواهب آن ـ از دیدگاه یک فرد خداپرست که با مفاهیمی چون علم و حکمت خدا آشناست ـ برای صالحان و پاکان آفریده شده است ؛ همان‌گونه که سرانجام نیز به طور کامل از دست غاصبان درخواهد آمد و در اختیار آنان قرار خواهد گرفت ( اَنَّ الاَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحُونَ ) .

باغبان آفرینش (جهان پهناور هستی) به خاطر همین گروه فیض و مواهب خود را همچنان ادامه می‌دهد ؛ هرچند علف هرزه‌ها نیز به عنوان یک هدف تبعی سیراب گردند و بهره‌مند شوند ؛ ولی بی‌شک هدف اصلی آنها نیستند .

و اگر فرضا روزی فرا رسد که آخرین نسل گروه صالحان از روی زمین برچیده شوند ، آن روز دلیلی بر ادامه جریان این مواهب وجود نخواهد داشت .

« (۵۱)

آن روز آرامش زمین به هم می‌خورد و آسمان برکات خود را قطع می‌نماید و زمین از دادن بهره به انسان‌ها مضایقه خواهد کرد !

پیامبر یا امام ، سمبل گروه صالحان و نمونه بارز انسان کامل است ؛ یعنی ، همان گروهی که هدف اصلی آفرینش را تشکیل می‌دهند و به همین دلیل وجود او به تنهایی یا در رأس گروه صالحان ، توجیه کننده هدف آفرینش و مایه نزول هر خیر و برکت و ریزش باران فیض و رحمت خدا است ؛ اعم از اینکه در میان مردم آشکارا زندگی کند یا مخفی و ناشناس بماند .

درست است که افراد صالح دیگر نیز هرکدام هدفی هستند برای آفرینش و یا به تعبیر دیگر ، بخشی از آن هدف بزرگ ، ولی نمونه کامل این هدف همین انسان‌های نمونه و مردان آسمانی می‌باشند ، هرچند سهم دگران نیز محفوظ است .

« (۵۲)

و ازاینجا روشن می‌شود، آنچه در پاره‌ای از عبارات به این مضمون وارد شده که:

« بِیُمْنِهِ رُزِقَ الْوَری وَ بِوُجُودِهِ تَثْبُتُ الاَرْضُ وَ السَّماءُ ؛ از برکت وجود او (یعنی حجّت و نماینده الهی) مردم روزی می‌برند و به خاطر هستی او آسمان و زمین برپاست!» یک‌موضوع «اغراق‌آمیز» و «دور از منطق» و یا «شرک‌آلود» نمی‌باشد ؛ همچنین ، عبارتی که به عنوان یک حدیث قدسی خطاب به پیامبر از طرف خداوند در کتب مشهور نقل شده : « لَوْلاکَ لَما خَلَقْتُ الاَفْلاکَ ؛ اگر تو نبودی آسمان‌ها را نمی‌آفریدیم» بیان یک واقعیّت است نه مبالغه گوئی ، منتها او شاهکار هدف آفرینش است و صالحان دیگر هرکدام بخشی از این هدف بزرگ را تشکیل می‌دهند.

از مجموع آنچه در این فصل تحت پنج عنوان گفته شد ، چنین نتیجه می گیریم :

آنها که دور نشسته‌اند و وجود امام را در عصر غیبت یک وجود شخصی و بدون

« (۵۳)

بازده اجتماعی دانسته‌اند و به عقیده شیعه در این زمینه تاخت و تاز کرده‌اند که وجود چنین امامی چه نفعی در مقام رهبری و امامت خلق می‌تواند داشته باشد ، آن‌چنان کـه آنهـا گفتـه‌انـد نیسـت و آثـار وجـودی او در ایـن حـال نیـز فـراوان اسـت .

## چگونگی قیام حضرت مهدی علیه‌السلام

می‌دانیم شـرط مهمّ پیروزی بر دشـمن برتری نیروهاست ؛ این نیروها تنها شامل نیروهای نظامی نمی‌شود ؛ بلکه برتری از نظر قـدرت روحی و ایمان به هدف و استحکام‌پایه‌های‌اقتصادی‌واجتماعی،همه‌دراین‌برتری‌شکل‌می گیرندشکل‌می گیرند و نقش اساسی دارند . و اگر جامعه‌ای شکست خورده و در زنجیر اسارت باقیمانده ، دلیلی جز غفلت از

(۵۴) «»

تلاش و کوشش در زمینه فراهم ساختن این عوامل پیروزی و یا اشتباه در محاسبه نیروهـــا نـــدارد .

با در نظر گرفتن اصل اساسی بالا ، پرسش‌هایی پیرامون قیام مصلح بزرگ جهانی پیـــش می‌آیـــد :

۱ ـ برای تحقّق یافتن عدالت جهانی و پیروزی ارتش طرفداران حقّ و عدالت بر یغماگران و زورگویان و خودکامگان و جبّاران ، آیا رهبر این نهضت بزرگ از سـلاح‌های سنّتی اعصار پیشـین اسـتفاده می‌کند (از اسـلحه سـرد) ، در این صورت چگونـه می‌توانـد این روش پیکـار را بـه دیگـران بقبولانـد و چنیـن سـلاحی در بـرابر سـلاح‌هـای پیشـرفته و وحشـتناک عصـر مـا کـه بـه حکـم یـک بازیچـه کـوچـــک اســـت ، چگـونــه می‌توانـــد ضـامـــن پیـــروزی گـــردد ؟

(۵۵) «»

یا باسلاحی مدرن‌تراز آنچه امروز در اختیار پیشرفته‌ترین کشورهای صنعتی است دست‌به مبارزه‌می‌زند ؟

این سلاح چگونه و به چه وسیله در اختیار او و طرفدارانش قرار خواهد گرفت ؟

۲ ـ از ایـــن گـذشتـــه ، در روایـــات اســـلامـی مـی‌خـوانیـــم :

«او با شمشیر قیام می‌کند» و این تعبیر نشان می‌دهد که احتمال اوّل یعنی بهره‌گیری از سـلاح‌های سنّتی به حقیقت نزدیک‌تر است و با این حال اشکال گذشته بـازمی‌گـــردد کـــه :

چگونـــه می‌تـــوان سـلاح‌های مـدرن را بـه کلّی از کـار انداخـــت و به عصر سـلاح سرد بازگشت ؟

آیا دنیای امروز در یک جنگ اتمی ـ آن‌چنان که بعضی از دانشمندان پیش‌بینی

(۵۶) «»

کرده‌اند ـ احتمالاً طوری درهم کوبیده می‌شود که چاره‌ای جز بازگشت به گذشته نـدارد و سپـــس او قیـام خواهـد کـــرد ؟

## آیا این احتمـــال قابـــل قبـــول اســـــت ؟

۳ ـ باز سؤال دیگری پیش می‌آیـد که اصولاً ـ و به طور کلّی ، در عصـر برتری نور بر ظلمت و عـدالت بربیـدادگری ، آیـا ماشـینیزم مـدرن بـا این‌همـه وسائـل رفـاه و آسایشـی کـه برای بشـریّت فراهم‌سـاخته از میـان می‌رود و انسان‌هـا به‌چنـدین قرن پیش بازگشـت می‌کنند؟

این ارتجاع و عقب‌گرد باورکردنی است ؟

و یـا به عکس ، نه تنها می‌مانـد ، بلکه با سـرعت تکامل می‌یابـد ، تکاملی که توأم با پیشگیـری از جنبـه منفـی زنـدگـی ماشینـی و خطرنـاک ناشـی از آن خواهـد بود ؟ و بـه تعبیـر دیگـر ، ماشینیـزم هـم «تکامـل» می‌یابـد و هـم «تصفیـه» می‌شـود !

(۵۷) «»

برای یافتن پاسخ این سؤالها هم از منابع حدیث می‌توان کمک گرفت و هم از دلائل عقلی چراکه به هر دو ارتباط و پیوند دارد .

عقل می گوید :

بازگشت به عقب نه ممکن است و نه منطقی و این برخلاف سنّت آفرینش و اصل تکامل در زندگی انسانها است ؛ بنابراین ، هیچ دلیلی وجود ندارد که با جهش جامعه انسانی به سوی حقّ و عدالت ، ترقّی و پیشرفت جامعه متوقّف گردد و یا عقب‌نشینی کند ، عقب‌گرد و گذشته‌گرایی با چنان پیشرفت و جهشی متناسب نیست .

بنابراین ، قیام یک مصلح بزرگ برای استقرار عدل و آزادی در سراسر جهان هیچگاه سبب نمی‌شود که جنبش صنعتی و ماشینی در شکل سالم و مفیدش برچیده یا متوقّف شود .

(۵۸) «»

صنایع کنونی نه تنها بسیاری از گره‌ها را از زندگی انسانها گشوده‌اند ، بلکه یکی از پایه‌های استقرار حکومت واحد جهانی ، نزدیکی و به هم پیوستگی دنیا از نظر وسایل ارتباطی و پیوندهای اجتماعی است و این موضوع بدون تکامل صنعتی ممکن نیست .

ولی شک نیست این جنبش صنعتی و تکامل تکنولوژی الزاما باید از یک صافی دقیق بگذرد تا جنبه‌های ناسالم و زیانبخش آن حذف گردد و سرانجام در مسیر منافع انسانها و صلح و عدالت بسیج شود ؛ یک حکومت طرفدار حقّ و عدالت این کار را حتما خواهد کرد .

این در مورد اصل پیشرفت صنعت و تکنولوژی .

امّا در مورد سلاحها باید گفت :

«» (۵۹)

برای استقرار چنان حکومتی باید حکومتهای خودکامه و بیدادگر از صحنه جهان خارج شوند ؛ و برای خارج کردن آنها ، لااقل در شرایط کنونی یک «سلاح برتر» لازم است؛ سلاحی که شاید حتّی تصوّرش امروز برای ما ممکن‌نیست .

آیااین‌سلاح چیزی‌همانندیک«اشعّه‌مجهول و مرموز»است‌که کاربردش ماورای همه سلاحهای‌کنونی‌است و می‌تواند همه آنهارا خنثی‌کند و نقشه‌استفاده ابرقدرتها را از آن عقیم بگذارد ؟

یا یک نوع تأثیر مرموز روانی و از کار انداختن دستگاههای فکری آنها حتّی از راههای دور است که نتوانند هیچگونه فکری برای استفاده از سلاحهای مخرّب کنونی بکنند ؟

و یا چیزی از قبیل احساس یک نوع ترس و وحشت فوق‌العاده که مانع هرگونه

(۶۰) «»

تصمیم‌گیری در این زمینه شود ؟

و یا چیز دیگر ...

نمی‌دانیم و نمی‌توانیم نوع این سلاح را نه از نظر مادّی یا روانی بودن و نه از جهات دیگر تعیین کنیم ؛ همین اندازه اجمالاً می‌توانیم بگوئیم یک سلاح برتر خواهد بود .

و نیز می‌دانیم آن سلاح ، سلاحی نیست که گناهکار و بیگناه را با هم نابود کند و پایه‌های عدالت آینده ، بر ظلم و ستم امروز بگذارد .

این‌ازنظر‌تجزیه‌وتحلیل‌عقلی.

## و امّا از نظر منـــابع حـــــدیث

(۶۱) «

در منـابـع حـدیـث تعبیرات جالبی دیـده می‌شـود کـه بـه طـور ضـمنـی پاسـخ رسـا و روشنـی بـرای سـؤالات فـوق دربـردارد ؛ از جملــه :

۱ ـ از امـام صـادق علیه‌السلام چنین نقـل شده :

«اِنَّ قائِمَنـا اذا قـامَ اَشْـرَقَتِ الاْـرْضُ بِنُـورِ رَبِّهـا وَ اسْـتَغْنَى‌الْعِبادُ مِـنْ ضَـوْءِ الشَّمْسِ ؛(۱) هنگـامی که قـائم مـا قیـام کنـد ، زمین به نـور پروردگارش روشن می‌شود و بندگان خدا از نور آفتاب بی‌نیاز می‌شوند!» .

از این تعبیر چنین برمی‌آیـد که مسأله نور و انرژی آن‌چنان حل می‌شود که در روز و شب‌از پرقدرت‌ترین نورهاکه می‌تواند جانشین نور آفتاب گردد ، بهره‌گیری می‌کنند .

۱- بحار الانوار ، جلد ۱۳ ، چاپ قدیم ، صفحه ۱۷۶.

(۶۲) «

آیا باز بایـد به این موضوع شـکل اعجاز دهیم در حالی که برنامه زنـدگی روزمرّه ـ آن هم به طور مستمر ـ باید بر سـنن طبیعی دور بزند ، نه بر اعجاز ؛ که اعجاز یک امر اسـتثنایـی و بـرای مـوارد ضـروری و فـوق‌العـاده اسـت آن هـم در مسیـر اثبات حقّانیّت دعـوت نبـوّت یـا امامـت .

و به هر حـال ، در عصـر هیـچ پیـامبری زنـدگی عادی مردم بر اساس اعجاز جریان نداشـته است ؛ بنابراین ، تکامل علوم و صـنایع به حـدّی خواهد رسـید که مردم با رهبری آن رهبر بزرگ قادر به کشف منبع نور و انرژی فوق‌العاده‌ای که حتّی می‌تواند جانشـین نور خورشید گردد ، می‌شوند .

و آیـا در چنیـن اوضـاع و شـرایطی سـلاح مردم برای تـأمین صـلح و آزادی و عـدالت می‌توانـدازنوع سـلاح‌های‌قرون پیشین‌باشد و اصولاًتناسبی درمیان‌این‌دووجوددارد؟

(۶۳) «

۲ ـ در حدیـث دیگـری از ابـوبصیـر از امـام صـادق علیه‌السلام نقـل شـده :

« اِنَّهُ اذا تَنـاهَتِ الْاُمُورُ اِلى صـاحِبِ هـذَا الاْمْرِ رَفَعَ اللّهُ تَبارَکَ وَ تَعالى لَهُ کُلَّ مُنْخَفِضٍ مِنَ الاْرْضِ وَ خَفَّضَ لَهُ کُلَّ مُرْتَفِعٍ حَتّى تَکُونَ الـدُّنْیا عِنْـدَهُ بِمَنْزِلَـةِ راحَتِه ، فَاَیُّکُمْ لَوْ کانَتْ فى راحَتِه شَـعْرَةٌ لَمْ یَبْصُـرْها (۱) ؛ هنگـامی که کارهـا به صاحب اصـلی ولایت (مهـدی علیه‌السـلام ) برسـد خداونـد هر نقطه فرو رفته‌ای از زمین‌رابرای‌اومرتفـع و هرنقطه‌مرتفعی‌را پایین‌می‌بردآن‌چنـان‌که تمام‌دنیـانزداو به منزله کف‌دستش خواهدبود! کدامیک‌از شمااگر در کف دستش مویی‌باشد آن‌را نمی‌بیند!».

امروز بـا نصب وسائـل فرسـتنده بر فراز کوه‌هـا ، کمک به انتقال تصویرها به نقاط مختلفی از جهان می‌کننـد و حتّی از ماهواره‌ها نیز استفاده کرده مناطق وسیع‌تری را

۱- بحارالانوار ، جلد ۵۲ ، صفحه ۳۲۸.

(۶۴) «

زیر پوشش انتقال تصویر قرار می‌دهند ؛ تا همه کسانی که دستگاه‌های گیرنده در اختیار دارند بتوانند از آن استفاده کنند .

ولی عکس این موضوع لااقـل در حـال حاضـر عملی نیست ؛ یعنی ، تصویرهـا را از یـک نقطه به نقاط مختلف جهان می‌توان منتقل ساخت ولی از همه نقاط نمی‌توان به یک نقطه انتقال داد مگر اینکه در هر شهر بلکه در هر خانه و در هر بیابان و کوه و صحرا و در

هر گوشه‌ای از دنیا دستگاه‌های مجهّز فرستنده نصب گردد ، تا بتوان از همه جهان آگاه شد و چنین چیزی با وسائل کنونی غیرممکن است .

امّا از حدیث فوق چنین برمی‌آید که در عصر قیام مهدی علیه‌السلام یک سیستم نیرومند و مجهّز برای انتقال تصویرها به وجود می‌آید که شاید تصوّر آن هم امروز برای ما مشکل باشد ، آن‌چنان که تمام جهان به منزله کف دست خواهد بود ؛ نه موانع مرتفع و

(۶۵)

نه گودی زمین‌ها ؛ مانع از رؤیت موجودات روی زمین نخواهد شد !

بدیهی است بدون یک چنین سلطه اطّلاعاتی بر تمام کره زمین ، حکومت واحد جهانی و صلح و امنیّت و عدالت ، به گونه همه‌جانبه و سریع و جدّی ، امکان‌پذیر نخواهد بود؛ و خداوند این‌وسیله را در اختیار او و تشکیلات حکومتش قرار می‌دهد.

باز تکرار و تأکید می‌کنم که این گونه امور که با زندگی روزمرّه مردم سر و کار دارد بسیار بعید است که بر پایه اعجاز صورت گیرد بلکه باید از طرق اسباب عادی و طبعا بر اساس پیشرفت علم و صنعت باشد .

این نیز روشن است که این واحد اطلّاعاتی پیشرفته ، نمی‌تواند در یک جامعه ظاهرا عقب‌افتاده بود باشد بلکه به موازات آن باید سایر بخش‌های زندگی نیز به همان نسبت پیشرفته باشد ، در همه زمینه‌ها و در همه شؤون و حتّی نوع سلاح‌ها .

(۶۶)

۳ـ از امام باقر علیه‌السلام نقل شده که فرمود :

« ذُخِرَ لِصاحِبِکُمُ الصَّعْبُ !

قُلْتُ : وَ مَا الصَّعْبُ ؟

قالَ : ما کانَ مِنْ سَحابٍ فیهِ رَعْدٌ وَ صاعِقَةٌ اَوْ بَرْقٌ ، فَصاحِبُکُمْ یَرْکَبُهُ ، أَمّا اَنَّهُ سَیَرْکَبُ السَّحابَ وَ یَرْقی فِی الْاَسْبابِ ؛ اَسْبابِ السَّماواتِ السَّبْعِ وَالْاَرَضینَ ! (۱) برای صاحب و دوست شما (مهدی علیه‌السلام ) آن وسیله سرکش ذخیره شده است .

راوی این حدیث می‌گوید : گفتم منظور از وسیله سرکش چیست ؟

۱- بحارالانوار ، جلد ۱۲ ، صفحه ۱۸۲.

(۶۷)

امام علیه‌السلام فرمود :

ابری است که در آن غرش رعد و شدت صاعقه یا برق است ؛ او بر این وسیله سوار می‌شود ؛ آگاه باشید او به زودی بر ابرها سوار می‌گردد و صعود به آسمان‌ها و زمین‌های هفتگانه می‌کند» .

مسلما منظور از ابر ، این ابر معمولی نیست ؛ زیرا ابرهای معمولی وسیله‌ای نیستند که بتوان با آنها سفر فضایی کرد ؛ آنها در جوّ نزدیک زمین در حرکتند و با زمین فاصله ناچیزی دارند و نمی‌توانند از آن بالاتر بروند ؛ بلکه اشاره به وسیله فوق‌العاده سریع‌السّیری است که در آسمان به صورت توده‌ای فشرده از ابر به نظر می‌رسد ، غرّشی همانند رعد و قدرت و شدّتی همچون صاعقه و برق دارد ؛ و به هنگام حرکت ، دل آسمان را با نیروی فوق‌العاده خود می‌شکافد ؛ و همچنان به

(۶۸)

پیش می‌رود و می‌تواند به هر نقطه‌ای از آسمان حرکت کند .

و به ترتیب، یک‌وسیله مافوق مدرن است که شبیه آن‌را در وسایل کنونی نداریم ؛ تنها در میان بشقابهای پرنده و وسایل سریع و سر سام آور فضایی که امروز داستانهایی از آنها بر سر زبانهاست و نمی‌دانیم تا چه حد جنبه واقعی و علمی دارد ، شاید شباهت داشته

باشـد ؛ ولی به هر صورت بشـقاب پرنـده هم نیست . به هر حـال از حـدیث بالاـ بطور اجمال می‌توان دریافت که موضوع عقب گرد صنعتی در کـار نیست ، بلکه بعکس سـخن از پیشـرفت خـارق العاده‌ای در میان است که به موازات آن بایـد تکامل در همه زمینه‌ها صورت گیرد .

۴ - حدیث عجیب دیگری که از جابر از امام باقر علیه‌السلام نقل شده چنین می گوید : «اِنَّما سُمِّیَ الْمَهْدِیُّ لِاَنَّهُ یُهْدی اِلی اَمْرٍ خَفِیٍّ ؛ حَتّی اَنَّهُ یَبْعَثُ اِلی رَجُلٍ لا

(۶۹) «

یَعْلَمُ النّاسُ لَهُ ذَنْبا فَیَقْتُلُهُ حَتّی اَنَّ اَحِـدَکُمْ یَتَکَلَّمُ فی بَیْتِه فَیَخافُ اَنْ یَشْـهَدَ عَلَیْهِ الْجِدارُ ؛ به این جهت او مهدی نامیده شده است که به امور مخفی و پنهـان هـدایت می گردد ؛ تـا آنجـا کـه گـاه به سـراغ کسـی می‌فرسـتد که مردم او را بی گنـاه می‌داننـد و او را به‌قتل می‌رسانـد (زیرا از گناه نهایی او همانند قتل نفس که موجب قصاص می‌شود آگاه است !) و تا آنجا که بعضـی از مردم هنگامی که درون خانه خود سـخن می گوینـد می‌ترسـند دیوار بر ضـدّ آنها شـهادت دهد ( و از خلافکاریها و توطئه آنان ، حکومت مهدی را با خبر سازد !» این حـدیث نیز گواه بر ان است که در دوران حکومت او در حالی که نیکان و پاکان در نهایت آزادی به سـر می‌برند ، خلافکاران چنان تحت کنترل هستند که ممکن است با وسایل پیشرفته‌ای امواج صوتی آنها از دیوار خانه‌هایشان باز گرفته شود و به هنگام لزوم می‌توان فهمید که آنهادر درون

(۷۰) «

خانه چه گفته‌اند ! این سـخن شاید در یکصد سال پیش جز به عنوان یک معجزه قابل تصور نبود ، اما امروز که می‌بینیم در بسـیاری از کشورها چگونگی حرکت اتومبیلها را در جادّه‌ها با دستگاه رادار از راه دور و بدون حضور پلیس کنترل می کنند ؛ و یا می‌شنویم دانشمندان توانسته‌اند از امواجی که بر بدنه کوزه هایی که در پاره‌ای از کوزه‌های مصر وجود دارد صدای کوزه گران دو هزار سال پیش را زنـده کننـد و یا می‌شـنویم که دسـتگاه‌هایی وجود دارند که از طریق امواج حرارتی ( امواج مادون قرمز ) که از یک دزد یا یک قاتل در محلّی باقیمانده و خودش تازه از آن‌جا گریخته عکسبرداری کنند و او را از روی آن بشناسـند ؛زیاد شگفت‌آور نیست. ازمجموع آنچه‌در بالاآوردیم پاسخ‌سؤالات گذشـته‌روشن می گردد که‌در عصـرانقلاب جهانی مهدی علیه‌السلام نه فقط مسئله عقب گرد صنعتی وجود ندارد بلکه صنایع و تکنولوژی

(۷۱) «

به‌طرز بی‌سابقه‌ای گسترش می‌یابـد ولی تنها در مسـیر منافع انسانها و تحقّق بخشـیدن به آرمان حق‌طلبان و آزادی‌خواهان و تشـنگان حقّ و عدالت .

## مفهوم شمشیر

تنها این‌سؤال باقی می‌ماند‌که پس‌از این همه تعبیرات مربوط به « قیام به شمشیر» در مورد مهدی علیه‌السلام چه مفهومی دارد ؟ حتّی در دعـا هـایی که درس آمادگی برای شـرکت در این جهاد آزادی بخش بزرگ می‌دهـد انتظار آن روز را می کشـیم که با شمشـیر کشیده « شاهِرا سَیْفَهُ » در صفوف این مجاهدین قرار گیریم .

امّـا حقیقت این است که « شمشـیر» همیشه کنـایه از قـدرت و نیروی نظـامی بوده و هست همانگونه که «قلم» کنایه از علم و فرهنگ است . شک نیست که حتّی در

(۷۲) «

میـدان جنگهـای سـنّتی پیشـین سـلاحهای مختلفی جز شمشیر بـه کـار می‌رفتـه ، همچـون تیرونیزه و خنجر، ولی‌همواره‌می گـویند

اگردربرابر فلان‌موضوع سرتسلیم‌فرود نیارید « حواله شما با شمشیر است » یا گفته می‌شد « به زور شمشیر حقّ خود را می گیریم » . یا از قدیم معرف بوده « کشور با دو چیز اداره می‌شود ، قلم و شمشیر » و همه اینها جنبه سمبولیک دارد و مفهوم آن تکیه بر قدرت و استفاده‌از نیروی نظامی است. ضرب المثلهای زیادی امروز در این زمینه در دست است ؛ می گویند : « فلان کس شمشیر را از روی بسته ! یعنی ، آشکارا قدرت‌نمائی می کند .» « شمشیر میان ما و شما حکومت خواهد کرد !» اشاره به این که جز از راه جنگ مسأله حل نمی‌شود . «شمشیرها را غلاف نمی کنیم تا به هدفمان برسیم !» کنایه از اینکه مبارزه را تا آخر ادامه خواهیم داد .

(۷۳) «

« فلان کس شمشیرش را غلاف کرده !» یعنی ، از دو سو مبارزه می کند .» در تمام این‌تعبیرات شمشیر کنایه‌از قدرت و مبارزه است؛ در روایات اسلامی نیز می‌خوانیم : اَلْجَنَّةُ تَحْتَ ظِلالِ السُّیُوفِ ؛ بهشت در سایه شمشیرهاست .
اَلسُّیُوفُ مَقالیدُ الْجَنَّةِ ؛ شمشیرها کلیدهای بهشتند ! همه اینها اشاره از جهاد و جانبازی و استفاده از قدرت است ؛ و این تعبیرات سمبولیک از « شمشیر» یا « قلم » در زبانهای مختلف فراوان است .
از اینجا روشن می‌شود که منظور از قیام مهدی علیه‌السلام به سیف ، همان اتّکای بر قدرت است ؛ برای اینکه چنین گمان نشود که این مصلح بزرگ آسمانی به شکل یک معلم ، یا یک واعظ ، و یا راهنمای مسائل اجتماعی ظاهر می‌شود و رسالت او تنها اندرز دادن مردم است .

(۷۴) «

بلکه او یک رهبر دورنگر و دور اندیشی است که نخست حربه منطق بهره گیری می کند ، و آنجا که گفتار حق سودی نبخشد که در مورد بسیاری از زور گویان و جبّاران سودی هم نخواهد داد ، دست به شمشیر می کند ؛ یعنی ، متوسّل به قدرت می‌شود و ستمکاران را بر سر جای خودشان می‌نشاند ؛ یا در صورت لزوم ، وجود کثیفشان را از سر راه برمی‌دارد ؛ و شک نیست که برای اصلاح گروهی از مردم جز این راهی نیست که گفته‌اند :
« اَلنّاسُ لا یُقیمُهُمْ الاَّ السَّیْفَ ؛ کار مردم جز با شمشیر راست نشود !»
و به تعبیر دیگر ، او تنها وظیفه‌اش روشنگری و ارائه راه نیست بلکه وظیفه مهمترش - علاوه بر این - اجرای قوانین الهی و به ثمر رساندن انقلاب تکاملی اسلام و رساندن به مقصد و ایصال به مطلوب است .

(۷۵) «

گر چه از گفتار بالاـ این نکته نیز روشن شد ، ولی تصریح به آن لازم به نظر می‌رسد که بر خلاف پندار بعضی کوته فکران که چنین می‌پندارند او به هنگام قیامش بی‌مقدّمه دست به سلاح می‌برد و طبق آن افسانه دروغین « آنقدر خون می‌ریزد که خون به رکابش می‌رسد !» نخست از طریق رهبری فکری و روشنگری در همه زمینه‌ها ، می‌پردازد .
به تعبیر رسای مذهبی « اتمام حجّت » می کند آنچنان که هر کس کمترین آمادگی برای پذیرا شدن منطقی آئین حق داشته باشد روشن شود و تنها کسانی باقی بمانند که جز از طریق توسّل به زور و خشونت اصلاح‌پذیر نیستند .
از قرائن روشن بر این موضوع - گذشته از این که دلیلش با خود آن است - اینکه می‌دانیم روش او روش پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله است ؛ او سیزده سال تمام در مکّه به دعوت

(۷۶) «

پنهان و آشکار مشغول بود و آنها که پذیرای حق بودند گرد او را گرفتند ؛ ولی گردنکشان یاغی و زورمند که اکثریّت توده نادان را به دنبال خود می کشانیدند در برابرش بپا خاستند و او بناچار به مدینه آمد و با تشکیل حکومت اسلامی و فراهم ساختن قدرت ، در برابر آنها ایستاد و راه خود به سوی یک دعوت عمومی گشود . گرچه در زمینه دعوت اسلام نیز سمپاشی زیاد شده که آئین

شمشیر است ولی بهترین سندی که امروز در برابر آنها در دست است و خوشبختانه نتوانسته‌اند آن را بپوشانند یا از میان ببرند همین قرآن است . اگر چهره اسلام یک چهره توسّل به خشونت و زور بود در قرآن برای اثبات حقایق اینهمه استدلال نمی‌باشد ؛ اینهمه در موضوع خداشناسی و معاد دو اصل اساسی تکیه روی دلائل گوناگون نمی‌شد ؛ اینهمه متفکّران و صاحبان عقل و اندیشه را به داوری نمی‌طلبید ؛ اینهمه سخن از علم و

(۷۷) ((

دانش نمی‌گفت ؛ یک رژیم خشن نظامی استدلال نمی‌فهمد . وحتی به هنگام توسّل به زور نیز موضوع خود را با دلایل منطقی به عنوان یک ضرورت اجتناب ناپذیر مشخّص‌می‌سازد. به‌هرحال او در این روش همانند پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله عمل می‌کند ، به اضافه این‌در عصراو سطح افکار عمومی بالاتر آمده و توسّل به منطق ضرورت بیشتری دارد همان گونه که در برابر خشونت روز افزون گردنکشان زورگو ، خشونت لازم است .

مسلّما انقلاب او در پاره‌ای از قسمتها یک انقلاب خونین خواهد بود ، و خونهای کثیف کالبد جامعه بشری با تیغ او بیرون خواهد ریخت و در هیچ جامعه فاسدی جز از این راه اصلاحات بنیادی مایه نخواهد گرفت ؛ ولی مفهوم این سخن آن نیست که او بی حساب خون می‌ریزد و بی دلیل می‌کشد ؛ درست همانند طبیبی است که در خون گرفتن از کالبد بیمار نهایت دقّت را به عمل می‌آورد !

(۷۸) ((

## سه دوران

سه دوران مشخّص در مورد انقلابی بزرگ تاریخ بشر ، مهدی علیه‌السلام وجود دارد :

۱ - دوران آمادگی و انتظار و نشانه‌های ظهور

۲ - دوران تحقّق انقلاب و مبارزه با ظلم و فساد

۳ - دوران حکومت حقّ و عدالت

درباره دوران اوّل و دوّم تاکنون سخن بسیار گفته‌ایم ؛ و اکنون نوبت بحث پیرامون دوران سوّم است که نتیجه این انقلاب وسیع و همه جانبه است و علی‌رغم اهمّیّتی که این موضوع دارد کمتر روی آن بحث شده است .

به هر حال تصوّر این که :

(۷۹) ((

جهانی به وجود آید خالی از تبعیض‌ها و اختلاف‌های طبقاتی و صف‌بندی‌های مفسده‌آفرین ؛

خالی از جدائی‌ها و پراکندگی‌ها ؛

خالی از جنگ و خونریزی و تجاوز ؛

و خالی‌ازخنده‌های مستانه‌استعمارگران و ناله‌های محرومان‌به‌زنجیرکشیده‌شده ؛

راستی چه دل‌انگیز و آرامبخش و نشاط‌آفرین است !

ولی مسلّما همانقدر که ترسیم چنین جهانی در افق خیال آسان است ، از نظر عمل فوق‌العاده مشکل و طاقت فرساست ، ولی به هر صورت بشریّت ناگزیر است چنین راهی را بپیماید و به آن واقعیّت عینی دهد که در غیر این صورت راهی جز تباهی و نابودی ندارد . خطوط اصلی نظامات چنین جامعه‌ای در روایات اسلامی با اشاراتی

(۸۰) ((

کوتـاه و پر معنی ترسیـم شـده و بـا این که عبـاراتی است که از سیزده یا دوازده قرن پیش به دست ما رسیـد ، کامـلاً زنـده و تـازه است . و در ایـن‌جـا بـه چنـد قسمـت حسّـاس آن اشـاره می‌کنیـم :

## پیشرفت برق آسای علوم در عصر مهدی علیه‌السلام

هیـچ برنامه انقلابی بـدون یک جهش فکری و فرهنگی ، پایا و پویا نخواهـد بود و رشـد و تکامل لازم را نخواهد یافت ؛ لذا ، بدون شـک نخستین گـام در تحقّق بخشـیدن بـه چنیـن هـدفی ، اقدام بـه یـک انقـلاب فرهنگـی اســت کـه افکـار را از دو ســو بـه حـرکـــــــت در آورد :

ازطرفی در زمینه‌علوم و دانشهایی‌که موردنیاز یک جامعه آباد و آزاد و سالم است

(۸۱) «)

(این از نظر مادّی و رو بنائی) .

و از سوی دیگر ، در زمینه آگاهی به اصول یک زندگی صحیح انسانی آمیخته با ایمـان در جهت معنوی و زیر بنائی .

در حــدیثـــی از امـــام صـــــادق علیه‌السلام چنیـــن مـی‌خـوانیـــــم :

« اَلْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَ عِشْرُونَ حَرْفا فَجَمیعُ ما جائَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفانِ ، فَلَمْ یَعْرِفِ النّاسُ حَتَّی الْیَوْمَ غَیْرَ الْحَرْفَیْنِ ، فَاِذا قامَ قائِمُنا اَخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَ الْعِشْریـنَ حَرْفـا ؛ فَبَثَّهـا فِی النّـاسِ وَ ضَمَّ اِلَیْهَا الْحَرْفَیْنِ ، حَتّی یَبُثُّها سَبْعَـةً وَ عِشْریـــنَ حَرْفـا ؛

علم و دانش بیست و هفت حرف (بیست و هفت شـعبه و شـاخه) است ؛ تمام آنچه پیامبران الهی برای مردم آوردنـد دو حرف بیش نبود و مردم تاکنون جز آن دو حرف

«) (۸۲)

را نشـناخته‌اند ، امّا هنگامی که قائم ما قیام کنـد بیست و پنج حرف (بیست و پنج شاخه و شـعبه) دیگـر را آشـکـار می‌ســازد ؛ و در میـان مردم منتشـر می‌سـازد ؛ و دو حـرف را بــه آن ضمیمـــه می‌کنــد تـا بیســـت و هفـت حرف کامـل و منتشر گـــردد.»

این حدیث به روشـنی جهش فوق العاده علمی عصـر انقلاب مهدی علیه‌السـلام را مشـخص می‌سازد که تحوّلی به میزان بیش از ۱۲ برابر نسـبت به تمام علوم و دانشـهایی که در عصـر همه پیامبران راستین به بشـریّت اعطا شد ، پیش می‌آید ؛ و درهای همه رشته‌ها و همه شاخه‌هـای علوم مفیـد و سازنـده به روی انسانها گشوده می‌شود و راهی را که بشر طـیّ هـزاران ســال پیمـوده بــه میـزان ۱۲ بـرابـر در دوران کوتاهـی می‌پیمایـد ؛

## چه جهشی از این بالاتر و سریعتر !

حدیث دیگری کـه از امـام باقـر علیه‌السلام نقل شده، معنی حدیث فوق را تکمیل

(۸۳) «)

می‌کنـــد ، آنجـا کـــه می‌گویـــد :

« اذا قامَ قائِمُنا وَضَعَ یَدَهُ عَلی رُؤُوسِ الْعِبادِ ، فَجَمَعَ بِها عُقُولَهُمْ وَ کَمُلَتْ بِها اَحْلامُهُمْ؛ هنگامی که قائم ما قیام کند، دسـتش را بر سر بندگان می‌گذارد و عقـول آنهـا را بـا آن کامـل و افکارشـان را پـرورش داده تکمیــل می‌کنـــد» .

و به این گونه در پرتو ارشاد و هـدایت و مهـدی علیه‌السـلام و در زیر دست عنایت او مغزها در مسیر کمال به حرکت درمی‌آیند؛ و انـدیشه‌ها شـکوفان می‌گردنـد و تمـام کـوته‌بینی‌هـا و تنـگ نظری‌هـا و افکـار پســت و کوتـاه که سرچشـمه بسیاری از تضـادّهـا و تزاحمـها و برخوردهای خشونت‌آمیز اجتماعی اسـت برطـرف می‌گـردد .

مردمی بلندنظر ، با افکاری باز و سینه‌هایی گشاده و همّتی والا و بینشی وسیع ، پرورش می‌یابند که بسیاری از مشکلات اجتماعی را در روح خود حلّ می کنند و

« (۸۴)

جهانی از صلح و صفا می‌سازند .

و امروز نیز هر گونه اصلاح اجتماعی ، در هر مقیاسی ، بستگی به این دگرگونی فکـری و انقـلاب روحـــــــــی دارد .

پیشرفت خارق العاده صنایع در آن عصر

احادیث جالب و گویایی که تحت شماره‌های ۱ و ۲ و ۳ و ۴ در بحث گذشته تحت عنوان « راه پیروزی ...» آوردیم نشان می‌دهد که این جهش علمی ، صنایع و تکنولوژی را نیز در مقیاس وسیعی شامل می گردد. وسایل اطّلاعاتی آنقدر پیشرفته خواهد بود که دنیا را همچون کف دست آشکار می‌سازد ؛ و به حکومت مرکزی تسلّط کامل بر اوضاع جهان می‌بخشد تا به موقع و بـدون فوت وقت برای حلّ

« (۸۵)

مشکلات‌جهانی بکوشد؛ و هر گونه فسادی را (عمدی و غیر عمد) در نطفه خفه سازد.

مسأله انرژی و نور آنچنان حـل می‌شـــود که حتّــی نیـاز به انــرژی خورشیدی کــه بــازگشــت همــه انــرژی‌هــا (جــز انــرژی اتمــی) بـه آن اســت ، نیســت .

و این شایـد در پرتو یـک سیستم تکامل یافته انرژی اتمی - با تصـفیه کامل از تشعشـعـات زیـانبـار کنـونی کــه در حال حاضر بزرگترین مشکل استفاده از این انـرژی را تشکیــل می‌دهـد - خــــــواهد بــــــود .

وسایـل سـریع السّـیری که بـا وسایـل کنونی قابل مقایسه نیست ، نه فقط برای دورزدن کـره زمیـن در یک زمـان کوتـاه بلکـه بـرای مسافرتهای دور دسـت فضـایــی در اختیـــار آن حکومـــت قــرار می گیــــرد .

و این‌نیزکمک به‌اهداف‌اصلاحی این‌حکومت‌می کند .

« (۸۶)

در حدیث دیگری از امام صادق علیه‌السلام چنین آمده است :

«اِنَّ قائِمَنا اذا قامَ مَدَّاللّهُ بِشيعَتِنا فی اَسْماعِهِمْ وَ اَبْصارِهِمْ ، حَتّی لا یَکُونَ بَیْنَهُمْ وَ بَیْنَ الْقائِمِ بَریدٌ ، یُکَلِّمُهُمْ فَیَسْمَعُونَ وَ یَنْظُرُونَ اِلَیْهِ وَ هُوَ فی مَکانِهِ ؛ هنگامی که قائم ما قیام کنـد خداوند آنچنان گوش و چشم شیعیان ما را تقویـت می کنـد که میـان آنهـا و قائـم (رهبر و پیشوایشـان) نـامه رسـان نخواهـد بـود ؛ بـا آنهـا سـخــن می گـویـد و سخنــش را مـی‌شـنونـد و او را می‌بیننـد، در حـالـی کـه در مکـــان خـویـــش اســـت (و آنهـــا در نقـــاط دیگـــر جهــــان !)» .

یعنی وسائـل انتقـال «صـدا» و «تصویر» بطور همگـانی و سـاده و آسان در اختیار همه پیروان او قرار می گیرد آنچنان که چیزی به نام اداره‌پست در عصر حکومت او شیئی زائد محسوب می گردد ! و مسائل جاری این حکومت ، بدون نیاز به کاغذ بازی

« (۸۷)

- آنچنان که راه و رسم دنیای امروز است و شایـد نیمی از وقت و نیروی انسانی را تلف کرده و گردش همه کارها را کنـد می‌سازد و رسیدن حق را به حق داران به تأخیر می‌اندازد - حلّ و فصل می‌شود . همه دستورها و برنامه‌ها با سیستم «شهود و حضور» ابلاغ و اجرا می گردد . و چه عـالی است چنین طرحی برای اداره جامعه‌های انسانــی و حــذف بـرنامــه‌هــای زائــد و دســت و پــا گیــر و وقــت تلــف کــن !

حـدیث گویای دیگری که در این زمینه از امام صادق علیه‌السـلام نقل شـده این موضوع را به نحو بارزی تکمیل می کنـد ؛ آنجا که

فرمود :
«اِنَّ الْمُؤْمِنَ فی زَمانِ قائِمٍ وَ هُوَ بِالْمَشْرِقِ سَیَری اَخاهُ الَّذی فِی الْمَغْرِبِ ؛ وَ کَذَا الَّذی فِی الْمَغْرِبِ یَری اَخاهُ الَّذی بِالْمَشْرِقِ ؛ مؤمن در زمان قائم در حالی که در مشرق است برادر خود را در مغرب می‌بیند ؛ همچنین کسی که در غرب است برادرش را در شرق می‌بیند !» .
(۸۸) «

ارتباط مستقیم نه تنها در سطح حکومت بلکه در سطح عموم عملی می‌شود ؛ و پیوندهای‌ظاهری‌و جسمانی، پیوندهای معنوی‌دلها رااستحکام می‌بخشد؛ آن‌گونه که جهان‌را به‌راستی به‌شکل یک خانه و مردمش همچون اهل یک خانواده خواهند بود!
به این ترتیب ، علم و دانش و صنعت در اختیار بهسازی وضع جهان و تحکیم پایه‌های اخوّت و برادری - و نه در راه ویرانگری - قرار خواهد گرفت .

## پیشرفت عظیم اقتصادی و عدالت اجتماعی

زمینی که در آن زندگی می‌کنیم امکانات فراوانی برای زندگی ما و نسلهای آینده و جمعیّتهای بسیار زیادتر از جمعیّت کنونی ما دارد ؛ امّا عدم آگاهی کافی به منابع
» (۸۹)
موجود و منابع بالقوّه زمین از یک سو و عدم وجود یک نظام صحیح برای تقسیم ثروت زمین از سوی دیگر ، سبب احساس کمبود از جنبه‌های مختلف شده است ؛ تا آنجا که در عصر ما همه روزه گروهی از انسانهای مفلوک از گرسنگی می‌میرند . نظام حاکم بر اقتصاد جهان امروز که یک نظام استعماری است در کتاب خود یک نظام جنگی ظالمانه را پرورش می‌دهد که قسمت مهمّی از نیروهای فکری و انسانی را که می‌بایست بطور مداوم و پویا در جستجوی منابع جدید برای بهسازی زندگی انسانها به تلاش برخیزند ؛ می‌بلعد و نابود می‌کند . امّا به هنگامی که این نظام و نظام جنبی آن دگرگون شود ، نیروها برای استخراج منابع بی‌شمار زمین به کار می‌رود و علم و دانش پیشرو در اختیار این برنامه قرار می‌گیرد و بسرعت منابع تازه‌ای کشف می‌گردد و شکوفائی خاصّی به اقتصاد بشریّت می‌بخشد . لذا در روایات مربوط به حکومت آن
(۹۰) «
مصلح بزرگ اشارات پر معنائی به این توسعه اقتصادی دیده می‌شود که از هر گونه توضیح بی نیاز است . از جمله در حدیثی چنین می‌خوانیم : «اِنَّهُ یُبَلِّغُ سُلْطانَهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ ؛ وَ تَظْهَرُ لَهُ الْکُنُوزُ ؛ وَ لا یَبْقی فِی الاَرْضِ خَرابٌ اِلاّ یُعَمِّرُهُ ؛ حکومت او شرق و غرب جهان را فرا خواهد گرفت ؛ و گنجینه‌های زمین برای او ظاهر می‌گردد و در سرتاسر جهان جای ویرانی باقی نخواهد ماند مگر این که آن را آباد خواهد ساخت !» .
و به‌راستی باید چنین شود زیرا ویرانیهای زمین نه بخاطر کمبود نیروی انسانی است و نه کمبود مالی ، بلکه مولود ویرانگری انسانها و صرف بیهوده منابع مالی و انسانی و عدم احساس مسؤلیّت است ؛ و هنگامی که اینها در پناه یک نظام صحیح اجتماعی برطرف گردد ، این آبادی حتمی است ؛ بخصوص که از پشتوانه منابع جدید
» (۹۱)
فوق العاده‌ای نیز برخوردار خواهد بود . در حدیث جالب دیگری از امام صادق علیه‌السلام می‌خوانیم:
اذا قامَ الْقائِمُ : حَکَمَ بِالْعَدْلِ وَ ارْتَفَعَ الْجَوْرُ فی اَیّامِه وَ اَمِنَتْ بِهِ السُّبُلُ وَاَخْرَجَتِ الاَرْضُ بَرَکاتِها وَ رُدَّ کُلُّ حَقٍّ اِلی اَهْلِه ... وَ حَکَمَ بَیْنَ النّاسِ بِحُکْمِ داوُدَ علیه‌السلام وَ حُکْمِ مُحَمَّدٍ صلی‌الله‌علیه‌وآله فَحینَئِذٍ تَظْهَرُ الاَرْضُ کُنُوزَها

وَ تُبْدی بَرَکاتِها

وَلا یَجِدُ الرَّجُلُ مِنْکُمْ یَوْمَئِذٍ مَوْضِعا لِصَدَقَتِه وَلا لِبِرِّه لِشُمُولِ الْغِنی جَمیعَ الْمُؤْمِنینَ...؛

هنگامی که قائم قیام کند : حکومت را بر اساس عدالت قرار می‌دهد .

و ظلم و جور در دوران او برچیده می‌شود . و جادّه‌ها در پرتو وجودش

(۹۲) «

امن و امان می گردد .

زمین برکاتش را خارج می‌سازد .

و هر حقّی به صاحبش می‌رسد .

در میان مردم همانند داود علیه‌السلام و محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله داوری می کند .

در این هنگام زمین گنج‌های خود را آشکار می‌سازد .

و برکات خود را ظاهر می کند .

و کسی موردی را برای انفاق و صدقه و کمک مالی نمی‌یابد زیرا همه مؤمنان بی‌نیاز و غنی خواهند شد ...» !

تکیه روی ظاهر شدن برکات زمین و خارج شدن گنج‌ها نشان می‌دهد که هم مسأله زراعت و کشاورزی به اوج ترقی خود می‌رسد ؛ و هم تمام منابع زیرزمینی

(۹۳) «

کشف و مورداستفاده قرار می گیرد و درآمد سرانه افراد آن قدر بالا می‌رود که در هیچ جامعه‌ای فقیری پیدا نمی‌شود و همه به سر حدّ بی‌نیازی و خودکفایی می‌رسند .

و بی‌شک اجرای اصول‌عدل و داد و جذب نیروهای انسانی به مسیرهای سازنده، چنین اثری را خواهد داشت ؛ زیرا همان‌گونه که گرسنگی و فقر و نیازمندی بر اثر کمبودهانیست بلکه‌نتیجه مستقیم و غیرمستقیم‌مظالم‌و تبعیض‌هاو بیدادگری‌ها و تلف شدن‌نیروهاوهدردادن‌سرمایه‌هاست !

درحدیث‌دیگری که‌درمنابع‌اهل‌تسنّن آمده‌است،ازابوسعیدخُدْرِیّ‌چنین‌نقل شده:

قالَ رَسُولُ اللّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله :

«اُبَشِّرُکُمْ بِالْمَهْدِیِّ یَمْلَاءُالْاَرْضَ قِسْطا کَما مُلِئَتْ جَوْرا وَظُلْما ، یَرْضی عَنْهُ سُکّانُ السَّماءِ وَالْاَرْضِ ، یُقَسِّمُ الْمالَ صِحاحا ، فَقالَ رَجُلٌ ما مَعَنی

(۹۴) «

صِحاحا ، قالَ بِالسَّوِیَّةِ بَیْنَ النّاسِ ؛ وَیَمْلَاءُ قُلُوبَ اُمَّةِ مُحَمَّدٍ صلی‌الله‌علیه‌وآله غِنًی ؛ وَیَسَعُهُمْ عَدْلُهُ ، حَتّی یَأْمُرَ مُنادِیا یُنادی یَقُولُ مَنْ لَهُ بِالْمالِ حاجَةٌ فَلْیَقُمْ فَما یَقُومُ مِنَ النّاسِ اِلاّ رَجُلٌ واحِدٌ (ثُمَّ یَأْمُرُلَهُ بِالْمالِ فَیَأْخُذَ ثُمَّ یَنْدِمَ وَیَرُدُّهُ)»(۱)؛

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود :

«شما را به ظهور مهدی علیه‌السلام بشارت می‌دهم ؛ زمین را پر از عدالت می کند همان‌گونه که از جور و ستم پر شده است ؛ ساکنان آسمان‌ها و ساکنان زمین از او راضی می‌شوند و اموال و ثروت‌ها را به طور صحیح تقسیم می کند .

کسی‌پرسید: معنی تقسیم صحیح ثروت‌چیست؟

۱- نُورُالْاَبْصارِ فی مَناقِبِ آلِ بَیْتِ النَّبِیِّ الْمُخْتارِ ، صفحه ۱۵۶ و ۱۵۷ ، چاپ مصر.

(۹۵) «

فرمود : به‌طور مساوی در میان مردم !

(سپس فرمود:)

و دل‌های پیروان محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله را پر از بی‌نیازی می‌کند و عدالتش همه را فرامی‌گیرد ؛ تا آنجا که دستور می‌دهد کسی با صدای بلند صدا زند هرکس نیاز مالی دارد برخیزد ، هیچ‌کس ـ جز یک نفر برنمی‌خیزد . (سپس در ذیل حدیث می‌خوانیم که امام دستور می‌دهد مال قابل‌ملاحظه‌ای به او بدهند ، امّا او به زودی بازمی‌گردد و پشیمان‌می‌شود که چرا آزمند و حریص بوده است) .

در تفسیر این حدیث به چند نکته باید توجّه کرد :

۱ ـ منظورراز رضایت ساکنان آسماناز حکومت او ، یا اشاره به فرشتگان آسمان و ملائکه‌مقرّب‌پروردگاراست؛ویااشاره‌به‌گسترش‌حکومت‌او برکرات‌دیگر مسکونی

(۹۶)

و گشوده شدن راه آسمان‌ها و مسافرتهای فضایی به نقاط دوردست جهان است .

۲ ـ منظور از تقسیم عادلانه ثروت در شکل تقسیم مساوی ـ با توجّه به این که می‌دانیم در اسلام که مهدی علیه‌السلام حافظ و مروّج احکام آن است در برابر کار بیشتر و تلاش و لیاقت فزون‌تر ، سرمایه بیشتری پرداخته می‌شود ـ یا اشاره به اموال بیت‌المال و اموال عمومی به طور کلّی است که همگان در حکومت اسلامی در مقابل آن برابرند ـ چنانکه از سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و علی علیه‌السلام نقل شده ، به عکس چیزی که درباره دوران بسیاری از خلفا همانند عثمان خوانده‌ایم که انواع تبعیض‌ها را روا می‌داشتند ! و یا اشاره به این است که در شرایط مساوی ، امتیازات و پاداش‌ها و اجرت‌ها مساوی به افراد داده می‌شود ؛ به عکس آنچه در دنیای کنونی دیده می‌شود که یک کارگر در نقطه‌ای از جهان ممکن است ساعتی ده دلار مزد بگیرد امّا کارگر

(۹۷)

دیگر با همان شرایط و کیفیّت در مقابل کار ده ساعته خود حتّی یک دلار هم نگیرد و این نهایت ظلم است که مزد افراد در شرایط برابر ، کاملاً متفاوت باشد .

۳ ـ نکته دیگر این‌که ، از ذیل حدیث به خوبی استفاده می‌شود که در آن روز حتّی یک نفر محتاج و نیازمند وجود ندارد ، به دلیل این‌که آن یک نفر هم که برمی‌خیزد غنای روحی نداشته و گرفتار حرص و آز بوده والاّ از نظر مادّی بی‌نیاز بوده است ؛ و مهم این است که او تحت رهبری صحیح خود دل‌ها را مملو از غنای معنوی و روانی می‌کند ؛ و این خلق و خوی زشت «حرص» را از سرزمین دل‌ها ریشه‌کن می‌سازد ؛ همان حرصی که سرچشمه بسیاری از تلاش‌های بیهوده ثروت‌اندوزان تهی‌مغز است که با داشتن هزاران برابر سرمایه موردنیاز زندگی خود و فرزندان خویش ، باز هم دست و پا بر جمع ثروت فزون‌تر می‌کند ؛ گویی به بیماری استسقا گرفتارند که هرچه می‌نوشند بازهم سیراب نمی‌شوند .

(۹۸)

یکی دیگر از عوامل ، یا صحیح‌تر ، از بهانه‌های جمع ثروت ، که عدم اطمینان به وضع آینده است ، در پرتو عدالت اجتماعی او به کلّی از بین می‌رود و هیچ‌کس نیازی در خود به ثروت‌اندوزی نمی‌بینند ؛ زیرا هم امروز و هم آینده او تأمین شده است .

باز در حدیث دیگری از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌خوانیم :

« ... حَتّی تَمْلَاءُ الاْرْضُ جَوْرا فَلا یَقْدِرَ اَحِدٌ یَقُولَ اللّهِ ! ثُمَّ یَبْعَثُ اللّهُ عَزَّوَجَلَّ رَجُلًا مِنّی وَ مِنْ عِتْرَتی فَیَمْلَاءُ الاْرْضَ عَدْلاً کَما مَلَاءَها مَنْ کانَ قَبْلَهُ جَوْرا وَ یُخْرِجُ لَهُ الاْرْضُ اَفْلاذَکَبِدِها وَ یَحْثُوالْمالَ حَثْوا وَ لایَعُدُّهُ عَدّا» (۱)

۱– امالی شیخ (طبق نقل منتخب الاثر ، صفحه ۱۶۸).

(۹۹)

زمانی فرامی‌رسد که زمین پر از ستم می‌شود و کسی نمی‌تواند (آشکارا) نام خدا را ببرد (و دم از حقّ و عدالت بزند) ؛ سپس خداوند عزّ و جل مردی را از من و خاندان من ، برمی‌انگیزد که زمین را پر از عدل می‌کند آن گونه که پیش از او ، پر از ستمش کرده‌اند و زمین قطعات کبد خود را برای او بیرون می‌فرستد و ثروت را بدون شماره و محاسبه در میان مردم پخش می‌کند (و هرکس به قدر نیازش از آن برمی‌گیرد...)» .

«اَفْلاذ» جمع فِلْذَ: به معنی قطعه و شعبه است ؛ و اَفْلاذ کَبِد به اشیاء گران‌بها اطلاق می‌شود و در اینجا اشاره به منابع گران‌قیمت و پرارزش درون زمین است.

این احتمال نیز وجود دارد که تعبیر فوق اشاره به این باشد که انسان دسترسی به هسته درونی گداخته زمین می‌یابد که یک پارچه آتش و حرارت است ؛ و ممکن

« (۱۰۰)

است از آن به عنوان یک منبع مهمّ انرژی استفاده کرد ؛ و نیز ممکن است منابع گران‌بهایی از انواع فلزّات از آن بتوان استخراج نمود ؛ و با توجّه به این که پوسته جامد زمین پوسته نسبتا نازکی است و درون دل زمین جهانی از موادّ گداخته و منابع گوناگون وجود دارد ، دسترسی به چنین منبع عظیم و وسیعی می‌تواند فکر انسان را از جهات فراوانی راحت سازد .

رشد اخلاقی و تأمین نیازهای آینده به طور اطمینان‌بخش و فراوانی منابع درآمد و خلاصه‌جمع‌شدن غنای‌روحی و جسمی سبب‌می‌شود که حتّی نیاز به شمارش اموال پیدانشود و هرنیازمندی نیازخود رااز بیت‌المال‌حکومتش بدون‌تشریفات زایدبگیرد.

این‌ها همه از یک سو و از سوی دیگر :

اشاراتی در اخبار دیده می‌شود که نشان می‌دهد در عصر حکومت او شهرهای

« (۱۰۱)

بسیار وسیع و آباد ، جاده‌های وسیع ، مساجد بزرگ امّا ساده و بدون زرق و برق و زینت ساخته خواهد شد ؛ و نظارت کاملی بر طرز ساختمان خانه‌ها ، به گونه‌ای که کمترین مزاحمتی برای مردم دیگر نداشته باشد ، می‌کند :

۱ ـ در حدیثی از امام صادق علیه‌السلام می‌خوانیم :

« وَ یَبْنی فی ظَهْرِ الْکُوفَةِ مَسْجِدا لَهُ اَلْفُ بابٍ وَ یَتَّصِلُ بُیُوتُ الْکُوفَةِ بِنَهْرِ کَرْبَلا وَ بِالْحیرَةِ (۱) ؛ در پشت کوفه مسجدی بنا می‌کند که یک‌هزار در دارد و خانه‌های کوفه به نهر کربلا و حیره می‌رسد !

و می‌دانیم فاصله میان این دو شهر هم‌اکنون بیش از ۷۰ کیلومتر است .

۲ ـ از امام باقر علیه‌السلام می‌خوانیم :

۱- بحارالانوار ، جلد ۵۲ ، صفحه ۳۳۰.

« (۱۰۲)

«اذا قامَ الْقائِمُ ... یَکُونُ الْمَساجِدُ کُلُّها جَمّاءَ لا شَرَفَ لَها کَما کانَ عَلی عَهْدِ رَسُولِ اللّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله وَ یُوَسَّعُ الطَّریقُ الاَعْظَمُ فَیَصیرَ سِتّینَ ذِراعا وَ یُهْدَمُ کُلُّ مَسْجِدٍ عَلَی الطَّریقِ وَ یُسَدُّ کُلُّ کُوَّةٍ اِلَی الطَّریقِ وَ کُلُّ جَناحٍ وَ کَنیفٍ وَ میزابٍ اِلَی الطَّریقِ(۱)؛ هنگامی که قائم قیام‌کند...مساجد درعصراو همگی دارای دیوارهای‌کوتاه و بدون‌کنگره خواهدشد همان‌گونه که در عصر رسول‌اللّه صلی‌الله‌علیه‌وآله بود».

جادّه‌های بزرگ و اصلی را توسعه می‌دهد و به ۶۰ ذراع می‌رسد ! و تمام مساجدی‌را که در مسیر قرار دارند (و مزاحم مردم هستند به‌فرمان او) خراب می‌شود!

و تمام دریچه‌ها و روزنه‌هایی که به راه‌ها گشوده می‌شود (و مزاحم عبور و مرور

۱- بحارالانوار ، جلد ۵۲ ، صفحه ۳۳۳.

(۱۰۳) «

مردم است) ویران می‌سازد .

و بالکن‌ها(ی مزاحم) و فاضلاب‌ها و ناودان‌هایی که در راه (عبور مردم) باز می‌شود می‌بندد !» .

۳ـ و نیز در حدیثی طولانی از امام صادق علیه‌السلام نقل شده که فرمود :

«... وَ لَیَصیرَنَّ الْکُوفَةُ اَرْبَعَةَ وَ خَمْسینَ میلاً وَ لَیُجاوِرُنَّ قُصُورُها کَرْبَلا وَ لَیُصَیِّرَنَّ اللّهُ کَرْبَلا مَعْقِلاً وَ مُقاما ... (۱) ؛ او کوفه را پنجاه و چهار میل توسعه می‌دهد تا آنجا که عمارات آن به کربلا می‌رسد و کربلا (کوی شهیدان و قهرمانان و جانبازان راه خدا) مرکز و کانون بسیاری از فعالیّت‌ها می گردد ...)» .

۱- بحارالانوار ، جلد ۵۳ ، صفحه ۱۲.

(۱۰۴) «

۴ـ روایات در زمینه پیشرفت کشاورزی و فزونی فراورده‌های زراعی و فزونی آب‌ها و دام‌ها و عمران و آبادی در تمام زمینه‌ها فراوان است (۱).

## پیشرفت‌های قضایی

برای مبارزه با فساد و تجاوز و ستم ، از یک سو تقویت پایه‌های ایمان و اخلاق لازم است ؛ و از سوی دیگر به وجود آمدن یک سیستم صحیح و نیرومند قضایی با هوشیاری کامل و احاطه وسیع .

مسلّما پیشرفت کامل صنایع ، وسایلی را در اختیار بشر می گذارد که با آن به خوبی می‌توان ـ در مورد لزوم ـ حرکات همه مردم را تحت کنترل قرار داد و هر حرکت

۱- منتخب‌الاثر ، صفحات ۴۷۲ و ۴۷۳ و ۴۷۴.

(۱۰۵) «

ناموزون و نابجایی را که منتهی به فساد و تجاوز و ستمی می‌شود ، زیر نظر گرفت ؛ و با علائم و آثاری که مجرمان در محلّ جرم باقی می گذارند ، از آنها عکسبرداری کرد ؛ صدای آنها را ضبط نمود و آنها را به خوبی شناخت . قرارگرفتن چنین وسایلی در اختیار یک حکومت صالح ، عامل مؤثّری برای پیشگیری از فساد و ستم و در صورت وقوع چنین موضوعی ، رساندن حق به صاحب حق است .

شک نیست که در عصر آن مصلح بزرگ جهان ، آموزش‌های اخلاقی با وسایل ارتباط جمعی فوق‌العاده پیشرفته ، آن‌چنان وسعت می گیرد که اکثریّت قاطع مردم جهان‌رابرای‌یک‌زندگی صحیح‌انسانی وآمیخته‌باپاکی و عدالت‌اجتماعی‌آماده سازد.

ولی از آنجا که بالاخره انسان آزاد آفریده شده و در اعمال خویش از اصل جبر پیروی نمی‌کند ؛ خواه ناخواه افرادی ـ هرچند در اقلّیت باشند ـ در هر اجتماع صالحی

(۱۰۶) «

ممکن است پیدا شوند که از آزادی خود سوء استفاده کنند و از آن برای وصول به مقاصد شومی بهره گیرند .

لذا باید یک دستگاه قضایی سالم و کاملاً آگاه و مسلّط باشد که حقوق مردم را به آنها برساند و ستمگر را بر سر جای خود بنشاند .

با مطالعه و دقّت روی جرائم و جنایات و مفاسد اجتماعی و طرق پیشگیری از آنها ، روشن می‌شود که :

اولاً ، با اجرای عدالت اجتماعی و تقسیم عادلانه ثروت ، ریشه بسیاری از مفاسد اجتماعی که از تنازع و کشمکش بر سر انداختن ثروت‌ها و استثمار طبقات ضعیف و حیله و تزویر و انواع تقلّب‌ها و دروغ و خیانت و جنایت به خاطر درآمد بیشتر از هر راه با هر وسیله ، سرچشمه می گیرد ، برچیده می‌شود ؛ و شاید رقم بزرگ فساد و ظلم

« (۱۰۷)

در هر جامعه‌ای از همین رهگذر است ؛ با از میان رفتن ریشه اصلی ، شاخ و برگ‌ها خود به خود می‌خشکد .

ثانیا ، آموزش و تربیت صحیح اثر عمیقی در مبارزه با فساد و تجاوز و انحرافات اجتماعی و اخلاقی دارد ؛ و یکی از علل مهمّ توسعه فساد در جوامع امروز این است که نه تنها از وسایل ارتباط جمعی آن ، استفاده برای آموزش صحیح نمی‌شود ، بلکه همه آنها غالبا در خدمت کثیف‌ترین و زشت‌ترین برنامه‌های استعماری فساد است ؛ و شب و روز بطور مداوم از طریق ارائه فیلم‌های بدآموز و داستان‌ها و برنامه‌های گمراه‌کننده و حتّی اخباردروغ و نادرستی که در خدمت مصالح استعمار جهانی است ، به ظلم و تبعیض و فساد خدمت می کنند .

البتّه این‌ها نیز از جهتی ریشه اقتصادی دارد و در جهت تخدیر مغزها و به ابتذال

« (۱۰۸)

کشیدن مفاهیم سازنده و نابودکردن نیروهای فعّال و بیدار هر جامعه ، برای بهره‌گیری بیشترِ غول‌های‌استعمار اقتصادی حرکت‌می کند بی‌آن‌که به مانع مهمّی روبه‌رو شوند .

هرگاه این وضع دگرگون گردد ، در مدّت کوتاهی بطور قطع قسمت مهمّی از مفاسد اجتماعی فرو خواهد نشست ؛ و این کار جز از یک حکومت صالح و سالم جهانی که در مسیر منافع توده‌های جهان ـ و نه استثمارگران ـ برای ساختن جهانی آباد و آزاد و مملوّ از صلح و عدالت و ایمان ، ساخته نیست .

ثالثا ، وجود یک دستگاه قضایی بیدار و آگاه با وسیله مراقبت دقیق که نه مجرمان از چنگ آن فرار کنند و نه از عدالت سرباز زنند ، نیز عامل مؤثّری در کاهش از میزان فساد و گناه و تخلّف از قانون است .

واگر این‌سه جنبه دست‌به‌دست هم بدهد، ابعادتأثیر آن‌فوق‌العاده‌زیادخواهدبود.

« (۱۰۹)

از مجموع احادیث مربوط به دوران حکومت مهدی علیه‌السلام استفاده می‌شود که او از تمام این‌سه عامل بازدارنده ، در عصر انقلاب‌ش بهره می گیرد آن‌چنان که جمله معروفی که حکم ضرب‌المثل را دارد جامه عمل به خود می‌پوشد ؛ همان جمله که می گوید :

«زمانی فرا می‌رسد که گرگ و میش در کنار هم آب می‌خورند!» .

مسلّما گرگان بیابان تغییر ماهیّت نمی‌دهند ، لزومی هم ندارد که که چنین شود و نه میش‌ها از حالت کنونی درمی‌آیند ؛ این اشاره به برقراری عدالت در جهان و تغییر روش گرگ‌صفتان خونخوار که با سازش با حکومت جبّار قرن‌ها به خوردن خون قشرهای مستضعف جامعه انسانی ادامه می‌دادند ، می‌باشد .

آن‌ها در پناه نظام جدید یا به کلّی تغییر روحیّه می‌دهند ، چراکه گرگ صفتی هرگز جزء سرشت بشر نبوده و نیست و از نهادهای عَرَضی و قابل تغییر است و یا حدّاقلّ بر

« (۱۱۰)

سرجای خودمی‌نشینندو به‌جای خوردن منافع‌دگران درکنار آنهااز مواهب‌الهی‌به‌طور عادلانه بهره می گیرند ، همان‌گونه که «گرگ» در کنار «میش» و بر سر «چشمه» !

درغیر این‌دو صورت مشمول تصفیه‌شده و وجودشان‌از میان برداشته خواهدشد!

ازجمله اشارات قابل توجّه در این زمینه، همان‌است‌که در مورد تقسیم صحیح مال در حدیثی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده که آن قدر مردم غنای جسمی و روحی پیدا می‌کنند که اموال اضافی می‌ماند و طالبی ندارد ؛ یعنی مردم در یک نظام صحیح حکومت آن‌چنان تربیت می‌شوند که اموال زائد بر نیاز خود را دردسری برای خویش می‌بینند ! و تمام شور و شرها و قال و غوغایی که از این رهگذر پیدا می‌شود ، فرومی‌نشیند !

زندگی همه تأمین و از آینده نیز هیچ‌گونه نگرانی نخواهند داشت تا به خاطر تأمین آن تن به آلودگی‌ها و مسابقه جمع ثروت بدهنـــد .

(۱۱۱)

و نیز در حدیث دیگری خواندیم که سطح افکار مردم در عصر حکومت او چنان بالا می‌رود که به هیچ وجه با امروز قابل قیاس نیست و طبعا تضادها و کشمکش‌هایی که مولود کوته‌نظری‌ها و تنگ چشمی‌ها و پایین بودن سطح افکار و خلاصه کردن شخصیّت در میزان مال و ثروت است ؛ برچیده خواهد شد .

به خاطر مراقبت شدیدی که در عصر حکومت او طبق روایاتی که گذشت ، اعمال می‌گردد ؛ حتّی مجرمان در محیط خانه خود در امان نیستند ، چراکه ممکن است‌باوسائل پیشرفته‌ای تحت‌کنترل‌باشند و حتّی‌مثلاً امواج‌صوتی‌آنها برروی دیوار قابل‌کنترل گردد؛ این‌خود اشاره‌دیگری به‌وسعت ابعادمبارزه‌بافساددرعصر حکومت او است .

داوری کردن او بر طبق قانون دادرسی محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله و قانون دادرسی داوود علیه‌السلام

(۱۱۲)

گویا اشاره به این نکته لطیف است که او هم به موازین ظاهری دادرسی اسلامی همچون اقرار و گواهی گواهان و مانند آن استفاده می‌کند ؛ و هم از طرق روانی و علمی برای کشف مجرمان اصلی ، آن چنان که پاره‌ای از نمونه‌های آن از عصر داوود علیه‌السلام نقـل شـده اسـت .

به علاوه ، در عصر او به موازات پیشرفت علوم و دانش‌ها و تکنیک و صنعت ، آن قدر وسائل کشف جرم تکامل می‌یابد که کمتر مجرمی می‌تواند ردّپایی که با آن شناخته شود از خود به جا نگذارد .

در یکی از مطبوعات خبری پیرامون شگفتی‌های مغز آدمی خواندم که مغز انسان امواجی برابر با اعتقادات درونی بیرون می‌فرستد که با اندازه‌گیری آن می‌توان بـه راسـت‌گویـی و دروغ‌گـویـی افـراد در اظهـاراتشـان پـی بـرد !

(۱۱۳)

مسلّما این وسایل تکامل می‌یابد و وسایل دیگری نیز اختراع می‌گردد . و با استفاده از روش‌های پیشرفته روانی ، مجرمان کاملاً مهار می‌شوند ، هرچند مجرم در چنیـن جامعه‌ای اصـولاً کـم است (ولی همـان کـم نیـز کامـلاً مهـم اسـت) .

برای چندمین بار تکرار می‌کنیم :

این اشتباه است اگر ما تصوّر کنیم که در عصر حکومت او همه این مسائل از طریق اعجاز حلّ می‌شود ، چراکه اعجاز حکم یک استثناء را دارد و برای مواقع ضروری و مخصوصا اثبات حقّانیّت دعوت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله یا امام علیه‌السلام است ، نه برای تنظیم زندگی روزمرّه و جریان عادی زندگی ؛ که هیچ پیامبری برای این مقصد از معجـزه استفـاده نکـرده اسـت .

بنابراین ، مسیر حکومت جهانی او از همان نمونه است که اشاره کردیم نه از نمونه اعجاز !

(۱۱۴)

به هر حال ، آن‌چنان امنیّتی در سایه حکومت او جهان را فرامی‌گیرد که طبق روایتی یک زن تنها می‌تواند از شرق جهان به

غرب عالـم برود بدون این‌که کسـی مزاحـم او شـود !
اگر مسأله سادگی زندگی مهدی علیه‌السلام را ـ طبق آنچه در روایات آمده به آن بیفزائیم باز مسأله از این هم روشنتر می‌شود ؛ چراکه عمل او سرمشق و الگویی است برای مردمی که تحت پوشش حکومت او قرار دارند ، یعنی برای همه مردم جهان .
و با در نظر گرفتن این موضوع که قسمت مهمّی از جرائم و جنایات و مفاسد اجتماعی از تجمّل‌پرستی و پرزرق و برق شدن زندگی و تشریفات بیهوده و پرخرج و کمرشکن سرچشمه می‌گیرد ، یکی دیگر از دلائل برچیده شدن مفاسد در دوران حکومت او روشن می‌گردد .
(۱۱۵) «»
در حدیثی از امام علیّ‌بن‌موسی الرّضا علیه‌السلام چنین آمده است :
«وَما لِباسُ الْقائِمِ علیه‌السلام اِلاَّ الْغَلیظُ وَ ما طَعامُهُ اِلاَّالْجَشِبُ (۱)؛ لباس‌قائم علیه‌السلام چیزی جز پارچه خشن نیست و غذای او نیز تنها غذای ساده و کم‌اهمیّت است!» .(۲)
آینده جهان (۳)
اصل اندیشه مهدویّت و وجود موعودی برای اصلاح جهان تنها توسط آیین
۱- منتخب‌الاثر ، صفحه ۳۰۷.
۲- این مطالب از کتاب حکومت جهانی مهدی (عج)، تألیف حضرت آیة اللّه مکارم شیرازی، استفاده شده است .
۳- این مطالب از کتاب آینده جهان، تألیف جلال برنجیان، استفاده شده است .
(۱۱۶) «»
اسلام طرح نشده است ؛ بلکه این بشارتی است که خدای متعال به همه انبیاء داده و تمامی ادیان توحید منادی این اندیشه بوده‌اند و آینده جهان را از آنِ صالحان خوانده‌اند و حاکمیّت عدالت را بر سراسر گیتی حتمی قلمداد کرده‌اند و این اندیشه آن‌قدر در ادیان توحیدی مهمّ و پر رونق بوده که به ادیان غیر توحیدی نیز رنگ داده‌اند و ادیانی که به ظاهر منشأالهی نداشته‌اند، آنان نیز اعتراف به وجود مصلح جهانی کرده‌اند.

### ۱ ـ آیین یهودیّت

«تورات»، سِفْر پیدایش، باب هفدهم:
۱۸ ـ و ابراهیم به خدا گفت کاش که اسماعیل در حضور تو زیست کند...
(۱۱۷) «»
۲۰ ـ و امّا در خصوص اسماعیل ترا اجابت فرمودم اینک او را برکت داده، بارور گردانم و او را بسیار کثیر گردانم، دوازده رئیس از وی پدید آیند و امتّی عظیم از وی به‌وجود آورم .
در این بیان، اشاره به ۱۲ امام از نسل اسماعیل علیه‌السلام دارد که امتّی عظیم از او به وجود می‌آید.
و این همان بشارتی است که خداوند در قرآن می‌فرماید؛ و با تمام تحریف‌ها و تغییرهایی که در تورات راه‌یافته، اما هنوز این بشارت باقی است. خداوند می‌فرماید:
«وَ لَقَدْ کَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ أَنَّ الاْرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحُونَ»(۱)
(۱۱۸) «»
و به تحقیق در زبور پس از ذکر (در کتب پیشین) نوشتیم که همانان زمین را بندگان صالح من به ارث خواهند برد.

## ۲ ـ آییـــــــن مسیحیّـــت

«انجیل مرقس»، باب ۱۳:

۳۰ ـ هر آینه به شما می‌گویم تا جمیع این حوادث واقع نشود این فرقه نخواهند گذشت. ۳۱ ـ آسمان و زمین زایل می‌شود لیکن کلمات من هرگز زایل نشود. ۳۲ ـ ولی از آن روز و ساعت غیر از پدر هیچ‌کس اطلاع ندارد نه فرشتگان در آسمان و

۱- قرآن کریم، ۱۰۵ / انبیاء .

« (۱۱۹)

نه پس هم. ۳۳ ـ پس برحذر و بیدار شده دعا کنید زیرا نمی‌دانید که آن وقت کی می‌شود. ۳۴ ـ مثل کسی که عازم سفر شده خانه خود را واگذارد و خادمان خود را قدرت داده هریکی را به شغلی خاص مقرّر نماید و دربان را امر فرماید که بیدار بماند. ۳۵ ـ پس بیدار باشید زیرا نمی‌دانید که در چه وقت صاحب خانه می‌آید در شام یا نصف شب یا بانگ خروس یا صبح. ۳۶ ـ مبادا ناگهان آمده شما را خفته یابد. ۳۷ ـ اما آنچه به شما می‌گویم به همه می‌گویم بیدار باشید.

در این بشارت به سان مطالب پیشین اشاراتی بر ظهور موعود دارد. تنها در این‌جا چند فراز اضافه دارد: یکی امر بر دعای فرج است که حضرت عیسی علیه‌السلام هم نمی‌دانند. در روایات اسلامی وارد شده که زمان ظهور را جز خدای متعال کسی نمی‌داند و امر ظهور در یک شب اصلاح می‌شود.

« (۱۲۰)

«انجیل لُوقا» باب ۱۲:

۳۵ ـ کمرهای خود را بسته، چراغ‌های خود را افروخته بدارید. ۳۶ ـ و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می‌کشند که چه وقت از عروسی مراجعت کند تا هر وقت آید و در را بکوبد بی‌درنگ برای او باز کنند. ۳۷ ـ خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید ایشان را بیدار یابد هر آینه به شما می‌گویم که کمر خود را بسته ایشان را خواهد نشانید و پیش آمده ایشان را خدمت خواهد کرد. ۳۸ ـ و اگر در پاس دوم یا سیّم از شب بیاید و ایشان را چنین یابد خوشا به حال آن غلامان. ۳۹ـ اما این را بدانید که اگر صاحب خانه می‌دانست که دزد در چه ساعت می‌آید بیدار می‌ماند و نمی‌گذاشت که به خانه‌اش نقب زنند. ۴۰ ـ پس شما نیز مستعدّ باشید زیرا در ساعتی که گمان نمی‌برید پسر انسان می‌آید. ۴۱ ـ پطرس به وی گفت ای خداوند آیا

« (۱۲۱)

این مَثَل را برای ما زدی یا به جهت همه. ۴۲ ـ خداوند گفت پس کیست آن ناظر امین و دانا که مولای او وی را بر سایر خدّام خود گماشته باشد تا آذوقه را در وقتش به ایشان تقسیم کند. ۴۳ ـ خوشا به‌حال آن‌غلام که‌آقایش چون‌آید اورادرچنین کارمشغول یابد. ۴۴ ـ هر آینه به شما می‌گویم که او را برهمه مایَمْلَک خود خواهد گماشت. ۴۵ ـ لیکن اگر آن غلام در خاطر خودگوید آمدن آقایم به طول می‌انجامد و به زدن غلامان و کنیزان و به خوردن و نوشیدن و میگساریدن شروع کند. ۴۶ ـ هر آینه مولای آن غلام آید در روزی که منتظر او نباشد و درساعتی که او نداند و او را دوپاره کرده نصیبش را با خیانتکاران قرار دهد. ۴۷ ـ اما آن غلامی که اراده مولای خویش را دانست و خود را مهیّا نساخت تا به اراده او عمل نماید تازیانه بسیار خواهد خورد. ۴۸ ـ اما آن که نادانسته کارهای شایسته‌ای ضرب کند، تازیانه کم خواهد خورد و به هر کسی که عطا

« (۱۲۲)

زیاده شود از وی مطالبه زیادتر گردد و نزد هر که امانت بیشتر نهند از او بازخواست زیادتر خواهند کرد.

اینجا نیز بسان فرازهای پیشین بشاراتی بر حضرتش دارد و مطلب افزون در اینجا دوگونه بودن کارگزاران حضرتش می‌باشند که

برخی از دوران غیبت ایشـان سوءاسـتفاده کرده و به جان و مال دیگران می‌تازنـد و با این گمان که نه شایـد که حضـرتش به زودی نیایـد به کارهای ناشایست دست می‌یازند که در بشارات اسـلامی رسـیده است: حضـرتش چون ظاهر شوند هزار فقیه را در مسـجد مـدینه که جملگی با حضـرتش مخالفت می‌کننـد، نابود می‌نمایـد. و گروهی به پاسـداری از مرزهای دین می‌پردازند و خود را مهیّا برای دوران قیام سـرور بخش آن حضرت می‌کنند و در ایّام غیبت به اهداف و آرمان‌های حضرتش جامه عمل می‌پوشانند و در این راه مرتکب

(۱۲۳) «»

کوچک‌ترین کوتاهی و خطا نمی‌شونـد که «به هرکسـی که عطا زیاده شود از وی مطالبه زیادتر گردد و نزد هر که امانت بیشتر نهند از او بازخواست زیادتر گردد و نزد هر که امانت بیشتر نهند از او بازخواست زیادتر خواهند کرد» .

## ۳ ـ آیین زرتشت

### آیین زرتشت

در آســمانی بـودن آییـن زرتشـت اختلاـف وجـود دارد، ولی گروهی از محقّقیـن اسـلامی آن آییـن را در زمره ادیـان آسـمانی، بر شمرده‌اند .(۱) در آن آیین نیز موضوع

۱- ولی حتّی اگر آن آییـن آسـمانی هـم باشـد، مسـلما کتـاب «اوسـتا» دسـتخوش تحریـف قرارگرفتـه است و امروزه این کتـاب را نمی‌توان در زمره کتاب‌هـای آسـمانی دعوتگر به یکتـاپرستی دانست و برخی محقّقین بیـان می‌کننـد که این آیین از دسـتبرد فلسـفه میترانی (دوگانه‌پرستی) که در آن روزگار رواج داشـته در امان نمانده است و حقایق توحیدی آن آیین توسط فلسـفه میترانی که در ایران زمین رواج داشته است دستخوش تحریف شده است.

(۱۲۴) «»

منجی جهان طرح شده است و افراد زرتشتی را به آمدن او بشارت داده‌اند. ما به یک مورد اشاره می‌کنیم:

در آیین زرتشت «سُوشِیانْت» به عنوان منجی جهان یاد شده است. کلمه سوشیانت که در کتاب «اَوِسْتا» از او یاد شده است به معنای «سود رسانـنده» و «سودبخش» است. سوشـیانت‌ها یاوران و نگاهبانان آیین مَزْدِیَسْنا هسـتند که هـدفشان رسـتگاری و نجات مردم از جهل و نادانی و ظلم و ستم است و سوشیانت بـزرگ بــه عنـوان منجــی کــلّ جهـان می‌باشـد. در متون زرتشتـی آمــده اســت:

(۱۲۵) «»

کی ای مزداد! سپیـده‌دم درآیـد و جنبش بشـر به سوی راستی روی کند. کی نجات دهنده (سوشـیانت) بزرگ با گفتار پر از حکمت خویش به مراد رسد. کدامند کسانی که «وهـومـن» بــه یــاری آنــان آیــــد .(۱)

اصل مهـدویّت از جمله مباحثی است که تمامی فِرَق اسـلامی بر آن اتفاق‌نظر دارند و از اصول مسـلّم در آیین اسـلام می‌باشد. ما در این‌جا به عنوان نگرشی بسیار گذرا ابتـدا به کتب عامّــه نگاه می‌کنیـم و سپس اشارتی اجمالی به منابع شیعی می‌نماییم .

### الف ـ آرمــان مهدویّت در کتــب عامّــــه

۱- «سوشـیانت یا سـیراندیشه ایرانیان درباره‌موعود آخرالزمان»، علی‌اصغر مصطفوی / ۵۴ و ۵۵ نقل از «سـیمای انسان کامل»، عبداللّه نصری / ۱۸ .

(۱۲۶) «»

عبدالرحمن سیوطی عالم بزرگ اهل سنّت در کتاب «عَرْفُ الوَرْدیّ فی اخبارِ الْمَهْدیّ» از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل می کند که فرمودند:

هرکه خروج مهدی را انکارکند، کافرشده‌است. (۱)

و نیز حَموَیْنی در کتاب «فَرائِد السِّمْطَیْن» به نقل از ابن‌عباس بیان می کند که گوید : پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند:

همانا علی‌بن ابیطالب پیشوای امّت من و جانشین پس از من بر ایشان است، و از فرزندان او قائم منتظر می‌باشد که خداوند به او زمین را از داد آکنده می کند همان‌گونه که از ستم پر شده باشد و سوگند به آن کسی که مرا به حقّ به پیامبری

۱- «مَنْ اَنْکَرَ خُرُوجَ الْمَهْدِیِّ فَقَدْ کَفَرَ» .

(۱۲۷) «»

برانگیخت ثابت پیمانان بر امانتش در دوران غیبت او نایاب‌تر از گوگرد سرخ می‌باشند. (۱)

و نیز ابو داود، ابن ماجه، طبرانی و حاکم که از بزرگان اهل سنّت هستند از امّ‌سلمه نقل کرده‌اند که گوید: رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند :

مهدی از خاندان من است و او از فرزندان دخترم فاطمه علیهاالسلام خواهد بود.(۲)

۱- «فرائد السمطین»، حافظ حموینی، انتهای ج ۲، نقل از کتاب «اَلْمَهْدِیُّ الْمَوْعُودُ الْمُنْتَظَرُ عِنْدَ عُلَماءِ اَهْلِ السُّنَّةِ»، شیخ نجم‌الدین عسکری، ج ۲ / ۲۹۷ .

۲- «الْمَهْدِیُّ مِنْ عِتْرَتی مِنْ وُلْدِ فاطِمَةَ»، کتاب «الحاوی للفتاوی» جزء دوم ۳۵۵، نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه آقای لطیف راشدی .

(۱۲۸) «»

شیخ محی‌الدین عربی:

بدانید که قیام مهدی علیه‌السلام حتما رخ می‌دهد. امّا او قیام نمی‌کند تا آن که زمین از ستم آکنده گردد و او آن را از داد و برابری انباشته می کند و اگر از عمر دنیا جز یک روز بیشتر باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را آن‌قدر طولانی می کند تا این خلیفه الهی به حکومت برسد. او از خاندان رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله و از فرزندان فاطمه رضی اللّه عنها می‌باشد و جدّش حسین‌بن‌علی‌بن ابیطالب علیهم‌السلام و پدرش حسن عسکری فرزند امام علی نقی فرزند امام محمد تقی فرزند امام علی‌الرضا فرزند امام زین‌العابدین علی فرزند امام حسین‌بن علی فرزند امام علی‌بن‌ابیطالب رضی اللّه عنه می‌باشد... اسلام را پس از خواریش عزّت می‌بخشد و پس از مردنش زنده می‌نماید... هرکه با او بستیزد خوارمی‌گردد. ازآیین آنچه واقعی است، آشکار می‌سازد به‌طوری که اگر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله

(۱۲۹) «»

زنده می‌بود، بدان فرمان می‌داد. در دورانش چیزی جز آیین خالص و پاکِ از رأی و پندارها باقی نخواهد ماند. در احکامی که آشکار می‌نماید با اکثر فتواهای علمای مذاهب که نسبت به احکام دینی حُکم می کنند، مخالفت خواهد داشت، زیرا آنان گمان می‌کنند که خداوند پس از پیشوایان پیشین آنان مجتهدی را آشکار نخواهد ساخت. (۱)

### ب ــ آرمان مهدویّت در آیینه کتب شیعی

ترسیم مهدویّت در میان شیعیان روشن‌تر از آن است که بخواهیم دلایل زیادی

۱- «فتوحات مکّیهٔ»، محی‌الدین، فصل ۳۶۶ نقل از ترجمه «کشف الاستار» اثر محدّث نوری ترجمه جلال برنجیان، مخطوط .

«» (۱۳۰)

اقامه کنیم و این موضوع آن‌قدر قطعی بوده است که دانشمندان شیعی کتاب‌هایی در غیبت حضرتش قبل از ولادت ایشان نوشته‌اند که از آن جمله کتاب «اَلْغَیْبَهْ» اثر فضل‌بن‌شاذان نیشابوری از اصحاب امام هادی و حضرت عسکری علیهم‌السلام را می‌توان نام برد و از عصر ولادت آن حضرت تاکنون، قرن به قرن محدّثان بزرگوار شیعه در کنار آثار مهمّ خود کتابی نیز در پیرامون حضرت مهدی علیه‌السلام نگاشته‌اند که از آن جمله است «کمال‌الدین و تمام النعمهٔ» اثر شیخ صدوق (متوفی سال ۳۸۰ ه.)، کتاب «الغیبهٔ» اثر ابن‌ابی‌زینب نُعْمانی (متوفی سال ۴۰۰ ه.).

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند:

هرکس قائم از اولاد من را در دوران غیبتش انکار کند، به مرگ دوران جاهلیت مرده است. (۱)

«» (۱۳۱)

و نیز امیر مؤمنان علیه‌السلام فرمودند: پس از حسین نُه تن از صلب او خلیفه خدا در روی‌زمین هستند و حجّت‌خدابر بندگان و امین‌خدابر وحی‌اومی‌باشند. آن‌ها پیشوای مسلمین و رهبر مؤمنین و سرور پرهیزگاران می‌باشند و نهمیِ آن‌ها قائم است.(۱)

خدای عزّ و جلّ دین را رها و یله قرارنداده است و در هر زمان نگاهبانی معصوم را قرارداده تا با دیده نافذ خود نظاره‌گر جوامع شیعی باشد و دین را از گزند روزگار و

۱- «مَنْ أَنْکَرَ الْقائِمُ مِنْ وُلْدی اثْناءَ غَیْبَتِهِ، ماتَ مِیْتَهً جاهِلِیَّهً».«الاختصاص»، شیخ مفید / ۲۶۸، نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه آقای لطیف راشدی .

۲- «وَ مِنْ بَعْدِ الْحُسَیْنِ تِسْعَهٌ مِنْ صُلْبِهِ خُلَفاءُ اللّهِ فی أَرْضِهِ وَ حُجَجُهُ عَلی عِبادِهِ وَ أُمَناؤُهُ عَلی وَحْیِهِ وَ هُمْ أَئِمَّهُ‌الْمُسْلِمینَ وَ قادَهُ الْمُؤْمِنینَ وَ سادَهُ الْمُتَّقِینَ وَ تاسِعُهُمْ الْقائِمُ»، کتاب «اعلام الوری»، اثر طبرسی / ۳۷۸، نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه آقای لطیف راشدی .

«» (۱۳۲)

انحراف آفرینی منحرفان حفظ کند و این چند سده عصر غیبت در فراز و نشیب‌های خطرناک و طوفان‌های هولناک حضرت بقیهٔ‌اللّه امام زمان علیه‌السلام مذهب شیعه را پاس داشته‌اند و شیعیان را از چپاولگری چپاولگران اعتقادی حفظ فرموده‌اند. حضرتش‌در فرازی‌از توقیع‌صادره به‌شیخ مفیدفرمودند:

ما در رعایت حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و یاد شما را به فراموشی نمی‌سپاریم که اگر این چنین نبود بلاها بر شما بارش می‌رفت و دشمنان شما را خورد می‌کردند. (۱)

تمدن آینده جهان در لوای حکومت مهدی علیه‌السلام

۱ ـ وارستگی‌ها و صلاحیّت‌های رهبری:

۱- «بحارالانوار»، علامه مجلسی، ج ۵۳ باب توقیعات .

«» (۱۳۳)

رهبریِ حکومت واحد جهانی را خدای متعال بر عهده بنده صالح خود حضرت حجهٔ‌بن‌الحسن علیهم‌السلام قرارداده است و او یگانه انسان است که امروز خدای متعال، معصوم بودن او را امضاء فرموده است و اوست که از هر پستی و آلودگی، اشتباه‌کاری و خطا برکنار است و هیچ پلیدی و ناپاکی در او یافت نمی‌شود. خدای متعال درباره او و پدران گرامی‌اش و ناموس کبریا، صدّیقه کبری، فاطمه زهرا علیهاالسلام فرموده است:

«اِنَّما یُرِیدُ اللّه لِیُذْهِبَ عَنْکَمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهیرا»(۱)

همانا خدای چنین خواسته است که تمامی ناپاکی‌ها را از شما اهل بیت بزداید و شما را از همه پلیدی‌های پاک نماید.

۱- قرآن کریم، ۳۳ / احزاب .

(۱۳۴)

۲ ـ نیروهای کارآزموده و بی‌آلایش :

یاران حضرت مهدی علیه‌السلام ـ همانانی که حکومت جهانی حضرتش را به دوش خواهد کشید ـ بزرگوارانی هستند که بسان آنان در تاریخ بشر کم پیدا شده است. آنان افراد والاگهری می‌باشد که از همه ویژگی‌های نیکو بهره‌ای دارند .

امیر مؤمنان علیه‌السلام درباره یاران امام زمان علیه‌السلام می‌فرماید:

آن‌ها قومی هستند که با صبر و شکیباییِ خود بر خدا منّت نمی‌نهند و جانبازیِ خود را در راه حقّ بزرگ نمی‌شمارند، هنگامی که حادثه‌ای روی دهد و زمینه یأس پیش آید دیده‌هایشان را از برق شمشیر جلوه می‌دهند و به فرمان امامشان به‌پروردگارخودتقرّب‌می‌جویند.آن‌هاهمگی‌شیرهای‌ژیانی‌هستندکه‌ازجنگل‌های خود بیرون آمده‌اند. اگر اراده کنند که کوه‌ها را از جای خود برکنند، بی‌تردید انجام

(۱۳۵)

می‌دهند. آن‌ها به حقیقتِ توحید خدا راه‌یافته‌اند. برای آن‌ها در دل شب از ترس خدا ناله‌هایی است چون ناله مادران داغ پسر دیده، شب زنده‌داران در دل شب و روزه‌داران در طول روز هستند. گویی اخلاق و آداب آن‌ها یکی است. دل‌های آن‌ها بر محبّت و شفقت و خیرخواهی گرد آمده است .(۱)

حضرت صادق علیه‌السلام در توصیف ایشان می‌فرماید:

...مردانی هستند که دل‌های آن‌ها چون قطعه‌های آهن است که هرگز شک و تردید در آن‌ها راه ندارد. آن‌ها در اعتقاد خود نسبت به خدا از سنگ سخت‌تر هستند. اگر به کوه‌ها هجوم ببرند. آن‌ها را از پای درمی‌آورند، با پرچم‌های خود به هیچ

۱- «ترجمه یَوْمُ الْخَلاصِ»، کامل سلیمان، ج ۱ / ۴۱۴ .

(۱۳۶)

کشوری روی نمی‌آورند، مگر این که آن را فتح می‌کنند. بر فراز اسب‌های نجیب خود دست بر زین امام علیه‌السلام می‌کشند و تبرّک می‌جویند. آن‌ها به هنگام نبرد پروانه‌وار شمع وجود امام علیه‌السلام را در میان گرفته، محافظت می‌کنند و هرچه حضرتش اراده کند آن را برمی‌آورند. مردان شب زنده‌داری هستند که شب‌ها نمی‌خوابند و زمزمه نمازشان چون نغمه زنبوران از کندو به گوش می‌رسد. شب‌ها را با شب‌زنده‌داری سپری می‌کنند و بر فراز اسب‌ها خدا را تسبیح می‌گویند. آن‌ها در برابر فرمان امامشان، از بنده مطیع نسبت به مولایش، مطیع‌تر هستند. گویی دل‌های آن‌ها مشعلی نورانی است و آن‌ها از ترس پروردگار خود نگران هستند...

شعار آن‌ها «یا لَثاراتِ الْحُسَیْنِ» (ای خونخواهان حسینی است). رعب و وحشت آن‌هامسافت یک‌ماه جلوتراز خودشان پیش‌می‌رود و آن‌ها فوج‌فوج به سوی مولای

(۱۳۷)

(خود) حرکت می‌کنند. خداوند به وسیله آن‌ها امام حقّ را یاری می‌فرماید. (۱)

و نیز امیر مؤمنان علیه‌السلام در ضمن حدیث طولانی در وصف بیعت یاران حضرت مهدی علیه‌السلام چنین می‌فرماید :

...با او بیعت می‌کنند که هرگز :

دزدی نکننــــــــــد،

زنـــا نکننـــــــــد،

مسلمانــی را دشنام ندهنـــد،

خون کسی را به ناحـقّ نریزند،

۱- «ترجمه يَوْمُ الْخَلاصِ»، کامل سلیمان، ج ۱ / ۴۲۸ .

(۱۳۸) (()

به آبـروی کســی لطمـه نزنند،

به خـانـه کســـی هجـوم نبرند،

کسـی را بـه نـاحــقّ نزننــد،

طـلا، نقــره، گنـــدم و جــو ذخیــره نکنند،

مــــال یتیـــــم را نخـورنــــــد،

در مـورد چیزی که یقین ندارند، گواهی ندهند ،

مسجـــــــدی را خــــراب نکنـــــد ،

مشــروب (الکلـــی) نخورنـــــــد،

حـریـــــر و خـــــــز نپـوشنـــــد ،

در بـرابر سیـم و زر سر فـرود نیــاورنــــد،

(()) (۱۳۹)

راه را بــــر کســــی نبنـــدنــــــد،

راه را نـــاامـــــــن نکننـــــــد،

گـــرد همجنــس‌بـــازی نگـردنـــــد،

خوراکی را از گندم و جو انبار نکنند،

بـه کـــم قناعـــت کننـــد،

طرفـدار پاکــــی باشنـــــد ،

از پلیــدی گریـــزان باشنـــد،

بـه نیکـــی فرمــان دهنــــد،

از زشتـــی هـــا بـــازدارنـــــد،

جامه‌هـای خشـــن بپوشنـــد،

(۱۴۰) (()

خـاک را متکـــای خـــود سازنـد ،

در راه‌خـدا حـقِّ جهـاد را ادا کنند و...

امــام مهـــدی علیه‌السلام نیـــز در حـــقّ خــــود تعهّـــد می‌کنـــد کـــه:

از راه آن‌هـــا بـــــــــرود ،

جامـه‌ای مثـل جامـه آن‌هـــا بپوشـــد،

مرکبـی هماننـد مرکب آن‌ها سوار شود،

آن‌چنـــان که آن‌هـــا می‌خواهنـــد باشد،

بــه کــم راضـــی و قانـــع شــــــود،

زمیـن را بـه یـاری خـدا پـر از عدالـت کنـد آن‌چنـان که از پر از ستم شده است،

خدا را آن‌چنان که شایسته است بپرستد،

(۱۴۱) «»

برای‌خوددربان و نگهبان‌اختیارنکندو...(۱)

## ویژگی‌های انحصاری نهضت امام زمان علیه‌السلام

برای پیشبرد اهـداف معنوی و تحقّق بخشـی حکومت عدل الهی دست غیبی لازم است. تمام انبیا در کنار همه واجدیّت‌های انسانی، قـدرت‌های الهی نیز داشـته‌اند و بـابرخورداری از آن قـدرت‌ها بر اهریمنیـان پیروز شده‌انـد. چیرگی حضـرت نـوح بر کـافران، غلبه حضـرت ابراهیم بر آتش نمرودیان، نجات بنی‌اسـرائیل به دست حضـرت موســی از سـتـم فرعونیان و... جملگی به مـددهای غیبی و توانایی‌های الهی آنان

۱- «منتخب الاثر»، لطف اللّه صافی / ۴۶۹ نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه آقای لطیف راشدی .

(۱۴۲) «»

بوده است.

امام مهدی علیه‌السلام نیز واجد تمام توانایی‌ها و معجزات و بیّنات انبیا است. دامنه توانایی او به گستره همه تاریخ است. زیرا کار آن حضـرت نیز بـه بزرگی همـه تاریـخ بشـریّت می‌باشـد و آنچه را که انبیـای الهی در دوران عمر خـویش برپـایی آن موفّق نشده‌انـد، حضرتش یک تنه باید بپادارد. لذا تمامی نیروهای غیبی در اختیار حضرتش می‌باشد.

در این مورد تنها به دو روایت اشاره می‌کنیم :

امــــام صـــــادق علیه‌السلام فرمودنـــــــد :

هیـچ‌معجزه‌ای ازمعجزات انبیـا و اوصـیانیست، مگر این که خداونـد تبـارک و تعـالی مـاننـد آن را به دســت قائـم علیه‌السـلام ظاهـر می‌گردانـد تا بر دشمنان اتمام حجّت کند .(۱)

۱- «اثبات الهداة»، شـیخ حرّ عاملی، ج ۷ / ۳۵۷ نقل از «ترجمه مکیال المکارم» محمـد تقی اصـفهانی، ترجمه حائری قزوینی، ج ۱ / ۱۹۴ .

(۱۴۳) «»

و نیــز حضــرت صــادق علیه‌السلام در ترسیــم زمــان ظهـور حضرتـش می‌فرماینـد:

در آن هنگــام آقـای ما قائــم علیه‌السلام بـه خانـه خـدا تکیـه می‌کنـد و می‌فرمایـد:

ای‌مردم! هرکه‌می‌خواهد «آدم» و «شِیْث» (۱) راببینند، بداندمن«آدم»و «شِیْث» هستم (و تجسّم آنان می‌باشم).

و هر که می‌خواهد «نوح» و فرزندش «سام» را ببینـد، بدانـد من همـان «نـوح» و «ســـــام» هستـــــــــم.

و هر که می‌خواهد «ابراهیم» و «اسماعیل» را ببینند، بداند من همان «ابراهیم» و

۱- «شِیْث» وصـیّ حضـرت «آدم» است و «سام» وصـیّ حضـرت «نوح» می‌باشد و «یُوشَع» وصـیّ حضـرت «موسـی» است و «شَمْعُون»

وصیّ حضرت «عیسی» می‌باشد.

(۱۴۴) «

«اسمـاعیـــــل» هستـــــم.

و هر که می‌خواهد «موسی» و «یُوشَع» را ببیند، بداند من همان «موسی» و «یُوشَـــع» هستـم.

و هر که می‌خواهد «عیسی» و «شَمْعُون» را ببیند، بداند من همان «عیسی» و «شَمْعُـــون» هستـــم .

و هـر کـه می‌خـــواهـد «محمّـد» صـــلی‌الله‌علیه‌وآله و «امیرالمـــؤمنیـن» علیه‌السّـــلام را ببینـــد، بدانـــد مـــن همـــــان «محمّـــــد» صلی‌الله‌علیه‌وآله و «امیــــرالمؤمنیــــن» علیه‌السلام هستـــــم.

و هرکه می‌خواهد «حسن» و «حسین» علیهم‌السلام راببینند، بداند من همان «حسـن» و «حسین» علیهم‌السلام هستم.

و هـرکه می‌خواهـد امامـان از ذریّـه حسیـن علیهم‌السلام را ببینند، بداند که من همان

(۱۴۵) «

ائمـــه اطهـــار هستم.

دعوتم را بپذیرید و نزد من جمع شوید و هرچه (آنان) گفته و هرچه را نگفته‌اند، به شما خبر می‌دهم .(۱)

## برتری مالی و اقتصادی امام زمان علیه‌السلام

یکی از مشـکلات مهمّ هر نظـام اجتمـاعی ناتوانی‌های مالی آن است. امّا خـدای متعال گنجینه‌های‌پنهانی خویش را در اختیار حجّت خود حضرت بقیهٔ‌اللّه‌الاعظم علیه‌السلام

۱- «بحارالانوار»، علامه مجلسـی، جلد ۵۳ / ۹ نقـل از «ترجمه مکیال المکارم»، محمـدتقی اصـفهانی، ترجمه حائری قزوینی، ج ۱ / ۱۹۵ .

(۱۴۶) «

قرار می‌دهد و در دوران آن حکومت این امام علیه‌السلام مشکلی به نام مشکل اقتصادی مطرح نخواهد بود. ما در این جا اجمالی را در این مورد بیان می‌کنیم و گسترده آن را در بخش تصویر جهان پس از ظهور خواهیم آورد.

امـام صـادق علیه‌السلام در ترسیم اوضاع مالی آن دوران در ضمن حدیثی می‌فرمایند:

چون قائم ما به‌پاخیزد... زمین گنـج‌های خود را آشـکار می‌سازد، به‌گونه‌ای که بر سـطح آن دیده می‌شود. چون فردی از شـما برای ادای زکات خود درصدد یافتن شخصـی (نیازمنـد) برمی‌آیـد، کســی را نمی‌یابـد که آن (مـال) را بپذیـرد. مـردم بـه فضــل الهـی از آنچـه بـه ایشـان روزی می‌فرمایــد، بی‌نیــاز می‌شونـــد .(۱)

۱- «ترجمه اعیان الشیعه» (آشنایی با امام زمان علیه‌السلام )، سید محسن امین / ۳۴۹.

(۱۴۷) «

## جهان در عصر پس از ظهور امام زمان (عج)

آنچه از دانش در عصر همه پیامبران حتّی در عصر اسلام توسط پیغمبر اسلام و اوصیای گرامی‌اش علیهم‌السلام آشکار شده، تنها دو حرف از دانش است و در دوران حکومت حضـرت مهـدی علیه‌السـلام ۲۵ حرف دیگر از دانش آشـکار خواهـد شـد که اصـلاً در گذشـته همه جهان سابقه نداشته است و حضرتش از نوامیس طبیعی چیزهایی را ظـاهـر می‌فرمایـد کـه اصـلاً در اندیشـه بشـر امـروز جـای نـدارد. چنـان کـه معصـوم می‌فرماید:

(۱۴۸) «»

علم ۲۷ حرف است، آنچه پیامبران آوردند و برای مردم آشکار ساختند تنها دو حرف بوده است و مردم تا به امروز جز آن دو حرف رانشناخته‌اند. هنگامی که قائم ما علیه‌السلام قیام کند ۲۵ حرف دیگر را آشکار می‌کند و آن‌ها را در میان مردم بسط می‌دهد و آن دو حرف گذشته را هم به آن می‌افزاید تا ۲۷ حرف (دانش را در میان مردمان) می‌پراکند.(۱)

فن‌آوری ارتباطات در عصر مهدی علیه‌السلام

۱- «الزام الناصب»، ج ۲ / ۳۰۷ نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه آقای لطیف راشدی.

(۱۴۹) «»

ارتباطات در دوران حکومت حضرت مهدی علیه‌السلام به شکوفایی فاحش خود می‌رسد، امّا آن شکوفایی که در کنارش مشکلی برای دیگران مطرح نباشد. مسافت‌های طولانی در مدتی اندك طی می‌شود، امّا نه به همراه رنج صدای مهیب جت‌ها برای مردمان مسیر پرواز. راه‌ها به سرعت درنوردیده می‌شود، امّا نه همراه مشکل برای مردمان کنار «خط آهن». وسایل مسافرت فراوان می‌شود، امّا نه همراه دود و آلودگی محیط زیست برای جانوران دریایی و ساحل‌نشینان. امّا از کیفیّت این مسافرت‌ها آگاهی کافی نداریم. در برخی روایات حتی به مسافرت‌های بدون وسایل ظاهری اشاره شده است. در برخی روایات به مسافرت‌هایی چون سفرهای سلیمان گوشزد شده است و به برخی وسایل بالاتر از وسایل سفرهای فضایی در دوران ذوالقرنین اشاره دارد.

(۱۵۰) «»

ولی آنچه مسلم است آن وسایل هرچه باشد، مشکل و ستم و ناراحتی را برای دیگران به همراه نخواهد داشت که دوران ظهور آن حضرت دوران اتمام همه ستم‌ها و آزارها است .

امّا از نظر ارتباطات صوتی و تصویری جهانی، دوران حضرتش باز ویژگی‌های خاصی دارد. در برخی روایات چنین می‌خوانیم : در هنگام ظهور آن حضرت، تنها یک چشم او را نمی‌بینند، بلکه در یک آنِ واحد همگان همزمان آن حضرت را خواهند دید .(۱)

و نیز روایات دیگر بدین مطلب اشاره می‌کنند که ارتباطات خواهد بود، امّا بدون نیاز به وسایل خارجی. چنان که امام علیه‌السلام می‌فرماید :

۱- نقل‌از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه آقای لطیف راشدی .

(۱۵۱) «»

هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند به گوش‌ها و چشم‌های شیعیان ما نیرویی عنایت می‌فرماید که میان آنان و حضرت قائم علیه‌السلام پیک و پست نخواهد بود که ارتباط برقرارکند. پس آن حضرت هرجا که باشد با ایشان سخن می‌گوید و آنان سخن حضرتش‌را می‌شنوند و اورا می‌بینند درحالی‌که حضرتش در مکان خود می‌باشد. (۱)

این حدیث اشاره به ارتباطاتی ورای ارتباطات از راه تلویزیون، تلفن، رادیو، بی‌سیم و رادار دارد. ارتباطی از راه دیدن و شنیدن مستقیم.

خداوند تمامی وسایل این جهان را در تسخیر حضرتش قرار خواهد داد و حتّی این مطلب منحصر در ارتباطات بین قاره‌ای نخواهد بود، بلکه در دوران آن حضرت

۱- «بحارالانوار»، علامه مجلسی، ج ۵۲ / ۳۳۶ .

(۱۵۲) «»

مسافرت‌ها کیهانی بر همگان ممکن می‌شود و حتّی در روایات ما اشاره‌ای به مسافرت هشت ساعتی به کره خورشید دارد.

امّا آن حضرت برابرها سوار خواهد شد و به وسیله وسایلی، وسایل آسمان‌های هفتگانه بالا خواهد رفت (وبه آن آسمان‌ها دست خواهدیافت).(۱)

باید گفت که عصر امام مهدی علیه‌السلام ، تنها عصر اتّحاد و یکپارچگی ملّت‌های زمینی نیست، بلکه عصر هماهنگی و یکپارچگی همه عوالم هستی با یکدیگر است و مهدی علیه‌السلام نه تنها دستی بر زمین خواهد داشت که همه گیتی با همه موجوداتش در

۱- «بحارالانوار»، ج ۵۲ / ۳۳۵: «أَما أَنَّهُ سَيَرْكَبُ السَّحابَ وَ يَرْقى فِي الْاَسْبابِ أَسْبابَ السَّمواتِ السَّبْعِ» .

(۱۵۳) «»

تحت فرمان نافذ او قرارخواهد گرفت و او تمامی اقالیم هفت‌گانه وجود را تسخیر خواهد کرد. نه تنها هفت قاره زمین که همه سراپرده‌های گیتی و همه کرات آسمانی در زیر فرمان او سرتسلیم فرود خواهند آورد.

## سلامتی و بهداشت همگانی در زمان حضور حضرت مهدی علیه‌السلام

یکی از آرزوی دانشمندان کنونی، افزایش عمر طبیعی انسان است و حتّی در آمال همه انسان‌های جهان عمری در حدود یکصد سال به عنوان یک آرزوی قلبی است. مراکز تحقیقاتی فراوانی در سرتاسر جهان به این مهمّ پرداخته‌اند که با ایجاد وسایل، داروها و... عمر طبیعی انسان را بالا ـ برند، امّا هنوز به نتیجه‌ای مطلوب نرسیده‌اند و هرچه تمدّن فسادزای امروزی پیش می‌رود و صنایع شیمیایی گسترش می‌یابد، ضایعات ناشی از آن‌ها بر محیط زیست، سایه مرگبار خود را می‌گستراند و حتی

(۱۵۴) «»

حیاتِ اندكِ انسان و جهان جانوران را تهدید می‌کند. پیدایش بیماری‌های نو به نو، گسترش آلودگی‌های محیط زیست،تقلیل اکسیژن و گازهای ضروری زندگی موجودات، باقی‌ماندن ضایعات رادیو اکتیو و تشعشعات مضرّ زباله‌های اورانیوم و فضولات مضرّ حیات حتّی حیاتِ محدود را برای انسان‌ها در معرض جدّی قرار داده است .

امّا دوران حکومت حضرت مهدی علیه‌السلام دوران زدوده شدن همه آلودگی‌ها و فسادها است، چه فسادهای شخصی، چه تباهی‌های اجتماعی و چه آلودگی‌های محیط زیست. خدای متعال به برکت آن حضرت و دم مسیحایی او بیماران را شفا می‌بخشد و مرض‌های صعب العلاج را درمان می‌کند.

خدای متعال در شب معراج به پیامبرش فرمود:

همانا من به وسیله او (مهدی حجۀبن الحسن) نابینایان را شفا می‌بخشم و

(۱۵۵) «»

به وسیله او مریض‌ها را درمان می‌کنم. (۱)

آن حضرت نه تنها مرض‌های ساده را شفا می‌دهد، بلکه معلول‌هایی را که امروزه بشر از درمان آن‌ها عاجز هستند، بهبودی می‌بخشد، که او را دمی مسیحایی است.

امام سجاد علیه‌السلام در ترسیم آن دوران می‌فرمایند :

آن‌گاه که قائم ما قیام کند، خداوند تمام بیماری‌ها را از شیعیان ما دور می‌کند و ایشان را توان می‌بخشد .(۲)

حضرت باقر علیه‌السلام فرمودند :

۱- «بحارالانوار»، علامه مجلسی، ج ۵۱ / ۷۰ به نقل از «کمال‌الدین».

۲- «الغیبۀ»، ابن‌ابی زینب نعمانی / ۱۷۱ و «الزام الناصب» / ۱۳۹ و ۲۳۰ نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه لطیف راشدی .

« (۱۵۶)

هر کس قائم اهل‌بیت مرا درک کند، اگر بیمار باشد بهبود می‌یابد و اگر ناتوان باشـد، نیرومنـد می‌شـود. (۱)

عمر مردان در عصرحضرتش چندین‌برابرعمرکنونی‌خواهدشد.امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

در دوران حکومت او آن‌قدر مردمان عمر می‌کنند که برای هریک از ایشان هزارفرزند پسر به‌دنیا خواهدآمد. (۲)

۱- «مَنْ أدْرَکَ قائِمَ أَهْلِ بَیْتِی مِنْ ذِی عاهَةٍ بَرَیءَ وَ مِنْ ذِی ضَعْفٍ قَوِیَ» کتاب «المهدی» / ۱۹۷، «بشارةالاسلام» / ۲۴۳ و «بحارالانوار»، علامه مجلسی، ج ۵۲ / ۳۳۵ نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه آقای لطیف راشدی .

۲- «الغیبة»،شیخ‌طوسی / ۲۸۰ نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه آقای لطیف راشدی .

« (۱۵۷)

حتّی در روایات اسلامی اشاره به تغییرات کیهانی دارد که طول سال از یک سال به مدت ۱۰ سال افزایش می‌یابد، یعنی هر سال در دوران حکومت حضرت مهدی علیه‌السلام به اندازه ۱۰ سال در دوران قبل از ظهور است.

امام باقر علیه‌السلام در روایتی می‌فرمایند:

هر سال در آن دوران برابر ۱۰ سال شماست.

ابوسعید از حضرتش می‌پرسد:

سال‌ها چگونه طولانی می‌شود؟

حضرتش فرمود:

خداوند به فلک دستور می‌دهد که آرام‌تر بچرخد و بدین‌گونه روزها و

« (۱۵۸)

سال‌ها طولانی می‌شود. (۱)

از این روایت برمی آید که حتّی در وضعیت کهکشان‌ها نیز تغییراتی رخ خواهد داد و زمان در گیتی طولانی‌تر خواهد شد. در عصر حکومت حضرت مهدی علیه‌السلام دانش به اوج خود خواهد رسید و مشکل ارتباطات به کلّی حل می‌شود، عمر طبیعی انسان‌ها چندین برابر می‌گردد، به بیماری‌ها و معلولیّت‌ها خاتمه داده خواهد شد، به سوی دیگر سیّاره‌ها همگان سفر خواهند کرد. آیا این سعادت حقیقی نیست ؟

۱- «بحارالانوار»، علامه مجلسی، ج ۵۲ / ۳۳۹ نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه آقای لطیف راشدی.

« (۱۵۹)

## امنیّت جهان در سایه تمدّن حضرت مهدی علیه‌السلام

اگر بخواهیم درباره امنیّت سخن گوییم باید بیان کنیم که در یک جامعه چندگونه امنیّت را می‌توان تصور کرد :

۱ـ امنیّت فردی

۲ـ امنیّت اجتماعی

۳ـ امنیّت منطقه‌ای

قطعا برای تأمین سعادت و آسایش انسان در این جهان به همه‌گونه امنیّت نیاز است و به مجرّد از بین رفتن یکی از آن‌ها حیات انسان در معرض خطر جدّی می‌افتد.

تحقّق امنیّت آرمان همه امّت‌هایی است که خواستار پی‌ریزی یک تمدّن انسانی می‌باشند و اگر امنیّت و آسایش سیاسی یک کشور

دچار مشکل شود برپایی هر نوع

(۱۶۰)

تمدّن و بدست آمدن هـر گـونـه پیشرفت اگـر نگوییم محـال است لااقل بسیـــار دشـــوار خـواهـد شـد.

## امنیّت جهانی در عصر طلایی ظهور



## امنیّت جهانی در عصر طلایی ظهور



قیام حضرت مهدی علیه‌السلام یعنی اتمام حیات همه فرعونان و فاسدان تاریخ. قیامت بقیهٔ‌اللّه‌الاعظم علیه‌السلام یعنی پایان زندگی همه بیدادگران و ستم پیشه‌گان جهان و قیام حجهٔ‌بن‌الحسن علیه‌السلام یعنی برچیده شدن تمام کاخ‌های بیداد در سراسر گیتی .

امــام علیه‌السلام فـرمـــودنـــد :

بر هر ستمگر و ستمگرزاده‌ای پیروز می‌شود و آن‌قدر عدالت در جهان آشکار می‌سازد که مردگـان‌شـان آرزوی زنـدگـی ـ مجـدّد در دنیـا ـ می‌نمایـد. (۱)

(۱۶۱)

حتّی در کتب اهل سنّت نیز تصویر آن دوره به روشنی بیان شده است. مثلاً در کتاب «عِقْدُ الدُّرَر» می‌خوانیم :

حضرت‌مهدی علیه‌السلام امیرانش را به تمام کشورها می‌فرستد تا عدالت را پیاده کنند.

گـــرگ و گـوسفنـد در یــک مکـان بـــه چـرا مشغـــول می‌شونـــــد.

کودکان با مـارهـا و عقرب‌هـا بـازی می‌کننـد و هیـچ آسیبی بـه آن‌هـا نمی‌رسـد.

شـــرّ و بــــدی برداشتـــــه می‌شــــود و خیـــر باقـــی مـی‌مـانـــد.

انسان یک مُدّ (۱) (بذر) می‌کارد و ۷۰۰ مُدّ حاصل برداشت می‌کند. چنان‌که

۱- «الحاوی للفتاوی»، ج ۲ / ۶۱ نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه آقای لطیف راشدی .

۲- هر مُدّ در حدودد ۷۵۰ گرم می‌باشد.

(۱۶۲)

قرآن کریم می‌فرماید: «کَمَثَلِ حَبَّهٍٔ اَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنابِلَ فی کُلِّ سُنْبُلَهٍٔ مِأَهُٔ حَبَّهٍٔ وَ اللّه یُضاعِفُ لِمَنْ یَشاءُ» (۱) (همانند یک دانه که از آن هفت سنبل بروید و هر سنبلی صد دانه باشد و خداوند برای هرکس بخواهد بیشتر هم عطا می‌فرماید).

ربـــا بـرداشتـــــه می‌شـــــود.

زنــــا بـرداشتـــــه می‌شــــــود.

شُـــرب خمـــــــر از بیـــن می‌رود.

مردم به اطاعت و عبادت روی می‌آورند.

دیـــن رونـــق می‌یابـــــــد .

۱- قرآن کریم، ۲۶۱ / بقره .

(۱۶۳)

نمازها به جماعت خوانـــده می‌شـود.

عمـــرهـــا طـــولانـــی می گـــــردد.

امانت‌هـــا رعــایـــت می‌شـــود .

درختـــان پرثمـــر می گـــردنـــــد.

برکـــت‌هـا بسیـار افـزون می‌شـــود .

بــدها و شـــروران هــلاک می‌شونـد.

نیکـان می‌ماننـد و از دشمنـان اهـل بیـت پیامبـر کسـی باقـی نمی‌ماند .(۱)

۱- «عِقْدُالدُّرَر»، یوسف‌بن‌یحیی‌مقدسی‌شافعی/۱۵۹ نقل‌ازکتاب‌مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه آقای لطیف راشدی .

(۱۶۴)

اگر بخواهیم براساس آنچه از روایات بدست می‌آید آن دوران را از بُعد اقتصادی تـرسیم کنیـم بـاید بگـــوییـم :

## الف ـ نابودی نظام فقرمداری

در دوران حکومت مهـدی علیه‌السـلام از فقر نشـانه‌ای نخواهـد بود، نه که عـدّه‌ای سیر بخوابنـد و در کنارشان انسان‌هایی فراوان به گرسـنگی شب و روز را سپری کننـد و پایه‌های اقتصادی را عـدّه‌ای محـدود در اختیار خویش گیرنـد و با تمام ترفندهای حیله‌گرانه تازه‌کاران را به زمین زننـد و از قـدرت خویش بهره گیرنـد و تولید کالاهایی را در انحصار خویش قراردهند. بلکه در دوران طلاییِ حضرت مهدی علیه‌السلام هرکه

(۱۶۵)

بخواهـد تلاـش کنـد به آزادی زمینه تلاـش برایش فراهم خواهـد شـد. نه زورگـوییِ اقتصـادی خواهـد بود و نه انحصـار تولیـد که همگان در بهره‌وری از نعم الهی برابرند.

چون حکومت آل محمد صـلی‌الله‌علیه‌وآله آشـکار شود مهدی علیه‌السلام ـ به عنوان فرمانروای آن حکومت ـ در حدّ پایین‌ترین فرد جامعه اسلامی از نعمت‌های مادّی بهره‌ور خواهد شــد و تمـامی یـاران حضـــرتش نیـــز در ایـــن کـــار بـا او همـــراه خواهنـد بـود.

مُعَلّـی بـن خُنَیْـس گویـــد: بـــه امـــام صــــادق علیه‌السلام عرضـــه داشتیـــم:

اگر حکومــت به دســت شما افتــد ما در کنــار شمـا در عیش و رفاه خواهیم بود.

حضـــرتـش فـــرمـــــود :

به خدا سوگند اگر این امر به دست ما افتد جز نان سبوسین نخواهیم خورد و جز لباس خشن به تن نخواهیم کرد.(۱)

(۱۶۶)

## ب ـ رفــــاه اقتصـــادی

در دوران حاکمیّت حضـرت مهدی علیه‌السلام رفاه، همگانی می‌شود و تمام آحاد مردم در زیر چتر حکومت آن حضرت از مواهب طبیعی یکسان بهره‌مند خواهد شد. پیامبر اکـــــرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودنـــــد:

امّت من در دوران مهـدی علیه‌السـلام چنان متنعّم شود که بسان آن بهره‌وری را (درتمام زمان‌ها) ندیده باشد. آسـمان پیوسـته باران (رحمت) خود را بر ایشان فرومی‌فرستد و زمین چیزی از روییدنی‌اش باقی نمی‌ماند مگر آن که برویاند. ثروت در آن روز بر

۱- «بحارالانوار»، علامه مجلسی، ج ۵۲ / ۳۴۰ نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه آقای لطیف راشدی .

(۱۶۷)

روی هـم انباشته می‌شـود. (چون) مـردی به پاخیزد و بگویـد: ای مهـدی بر من عطـــا فرمـــا. گویـد: بگیـــــر. (۱)

در جای دیگر حضرتش فرمودند:

در پایان امّت من مهدی علیه‌السلام خروج خواهد کرد. خداوند با باران رحمتش او را سیراب می کند. زمین گیاهش را می‌رویاند. او ثروت را به مساوات تقسیم می کند. دام (چهارپایان بهره ده) در جهان فراوان می‌شوند و امّت (اسلامی) بسیار بلندی خواهند گرفت .(۲)

۱- «عقدالدرر» یوسف‌بن‌یحیی‌مقدسی‌شافعی/ ۱۷۰ نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه آقای لطیف راشدی .

(۱۶۸)

و نیز پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند:

زمین بار محصول خویش را می‌دهد و در دل خود چیزی برجای نمی گذارد. در آن روزگار مال‌و ثروت خرمن‌شود.هرکس دربرابرمهدی‌بایستدوبگوید: ای‌مهدی به من مالی بده! مهدی بی‌درنگ گوید: بگیر .(۱)

امام باقر علیه‌السلام فرمودند:

هر گاه قائم ما قیام کند (دارایی‌ها) را به مساوات تقسیم می کند و در میان آفریدگان خدای رحمان به عدالت رفتار می کند، خواه نیکوکاران باشند و خواه

۱- «تاریخ ما بعدالظهور»، محمد صدر / ۷۷۴ نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه آقای لطیف راشدی .

۲- «بحارالانوار»، علامه مجلسی، ج ۵۱ / ۸۸ نقل از «در فجر ساحل» محمد حکیمی / ۴۰ .

(۱۶۹)

زشت کرداران...و تمام اموال دنیا آنچه در روی زمین است و آنچه در درون آن، برای او گرد هم می‌آید. پس به مردمان می گوید: بیایید آنچه را که به خاطرش با ارحام خود قطع رابطه کردید و به خاطر آن خون‌ها ریختید و به خاطرش مرتکب حرام‌های الهی شدید، (آن‌ها را بر گیرید) پس به گونه‌ای(ازاموال)ارزانی‌می کندکه‌پیش‌ازاواحدی‌چنین‌عطاوبخشش‌نکرده‌است .(۱)

امام موسی کاظم علیه‌السلام در اوصاف حضرت مهدی علیه‌السلام می‌فرمایند :

او دوازدهمین ماست، خداوند هر سختی را برایش آسان و هر امر مشکلی را سهل می گرداند. برایش گنج‌های زمین را آشکار و هر مقصد دور را نزدیک می‌نماید.

۱- «عِلَلُ الشّرایع»، شیخ صدوق نقل از «منتخب الاثر»، لطف‌اللّه صافی / ۳۱۰.

(۱۷۰)

طومار زندگی ظالمان را توسط او درهم می‌پیچد و بالاخره هر شیطان پلید را به دست او نابود می‌سازد. (۱)

در بیانات امامان علیهم‌السلام چنین رسیده است:

اگر مردی از مهدی درخواست مال و مکنت کند، به او خطاب می کند که از خزانه‌دار حضرتش مقدار موردنیاز را بگیرد و خزانه‌دار آن حضرت بدان فرد می گوید به مقداری که توان حمل آن را داری از این مال‌ها بردار .

و یا در جای دیگر امام مهدی علیه‌السلام در خطاب به مردمان می‌فرماید:

این‌ها اموالی است که به خاطر آن برهم ستم می کردید. پس هرچه می‌خواهید از

۱- «کمال الدّین»، شیخ صدوق، ج ۲ / ۳۶۸ و ۳۶۹ .

(۱۷۱)

این‌اموال بر گیرد .

در منابع عامّه به نقل از کتاب «بِشارةالمصطفی» آمده است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند:

مهدی علیه‌السلام نسبت به اموال، بخشنده‌ای جواد است و نسبت به مستمندان با مهر و عطوفت و نسبت به کارگزاران خویش بسیار با شدّت می‌باشد.(۱)

شکوفایی اقتصادی در دوران حکومت امام مهدی علیه‌السلام به گونه‌ای است که در گذشته تاریخ بی‌سابقه بوده است. گویی تمام قوای زمینی و آسمانی دست بردست هم داده‌اند تا تمامی ذخایر هستی را آشکار کنند و قدرت لایزال الهی را در گستردگی

۱- «منتخب الاثر»، لطف‌اللّه صافی / ۳۱۱ .

(۱۷۲)

نعمت و بخشش بر همگان بنمایاند، تا بشر به زبان فطرت در بارگاه قدس او اعتراف کند که مُلک هستی از آن اوست و هرچه فرمان دهد وقوعش قطعی است، که خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

«أَفَرَئیْتُمْ ما تَحْرُثُونَ ءَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزّارِعُونَ» (۱)

آیا ندیدید آنچه را که در زمین کشتید آیا شما آن (دانه) را رویانیدید یا این که ما آن را رویاندیم؟!

و خداوند چنین مقدّر داشته است که آن بهشت زمینی را در دوران مسرّت‌آفرین آخرین خلیفه‌اش حضرت مهدی علیه‌السلام آشکار فرماید تا بویِ گل و سنبل تمام فضا را عطرآگین کند و درختان سربر فلک کشیده سایه خویش را بر زمین بگسترانند و آهوان

۱- قرآن کریم، ۶۳ و ۶۴ / واقعه .

(۱۷۳)

و پرندگان در بیشه‌زارانش به جست و خیز و پرواز پردازند، تا همگان توان خلیفه الهی را در زمین مشاهده کنند. (۱)

در ذکر اعمال و آداب مخصوص، جهت ملاقات آن حضرت علیه‌السلام (۲)

آدابی که به برکت آن‌ها می‌توان حضرت را زیارت کرد:

در ذکر اعمال و آدابی که شاید بتوان به برکت آن‌ها به سعادت ملاقات حضرت حجّت علیه‌السلام رسید؛ شناسد یا نشناسد؛ در خواب یا بیداری و بردن بهره و فیضی از آن

۱- این مطالب از کتاب آینده جهان، تألیف جلال برنجیان، استفاده شده است .

۲- این مطالب از کتاب خورشید غایب مختصر نجم‌الثاقب، تألیف رضا استادی، استفاده شده است .

(۱۷۴)

حضرت ؛ هرچند که نباشد مگر زیادتی نور یقین و معرفت وجدانی به آن وجود معظّم، که از اهمّ مقاصد است.

رسیدن به این مقصود و بلوغ این مرام، در غیبت کبری ممکن و میسور (است)، بلکه مکشوف می‌شود که می‌توان به وسیله علم و عمل و تقوای تام و معرفت و تضرّع و انابت و تهذیب نفس از هر غِلّ و غِشّ و ریبَهٔ و شکّ و شُبهه و صفات مذمومه، قابل تلقّی اسرار و دخول در سلک خاصان و خواصّ، شد و از کلمات علمای اعلام، در باب یازدهم، شواهدی ذکر می‌شود.

مقصود در این جا، نه بیان دست آوردن راه آن است ؛ که زیاده برای ادای تمام فرایض و سنن و آداب و ترک تمام محرّمات و مکروهات و مبغوضات، به نحوی که از او خواسته‌اند، سایر مقدّمات آن، مستور و مخفی است (است) و جز بر اهلش

(۱۷۵)

مکشوف و مبیّن ندارند؛ بلکه غرض، به دست آوردن راهی است که شاید به وسیله آن، در عمر خویش، نوبتی به این نعمت برسد؛ هرچند در خواب باشد.

از تأمّل در برخی از قصص و حکایات معلوم می‌شود که مداومت بر عمل نیک و عبادتی مشروعه و کوشش در انابه و تضرّع، در مدت چهل روز، به جهت این مقصد، از اسباب قریبه و وسیله‌های عظیمه است ؛ چنان که رفتن چهل شب چهارشنبه در مسجد سهله، یا چهل شب جمعه در کوفه، با اشتغال به عبادت، از عمل‌های متداوله معروفه است که بسیار از علما و صلحا دعوای تجربه کرده‌اند.

و نیز زیارت سیّد الشهداء علیه‌السلام ، در چهل شب جمعه و امثال آن .

و ظاهرا مستندی مخصوص در دست ایشان نباشد ـ نه برای عدد مذکور و نه برای عمل ـ جز آن‌چه از کتاب و سنّت ظاهر می‌شود؛ که مداومت بر دعا

(۱۷۶) ((

در چهل روز، در اجابت و قبول، مؤثّر است.

در کافی روایت است که محمّد بن مسلم گفت: گفتم به جناب باقر، یا صادق علیه‌السلام که: «ما می‌بینیم مرد را که برای اوست عبادت و کوشش و خشوع، و لکِن قائل نیست بـه حـقّ ـ یعنی بـه امامت ائمه علیهم‌السلام ـ پس آیا او را هیچ منفعت می‌دهد ؟

فرمود: ای محمّد! به درستی که مَثَل کسانی که به امامت ائمه قائل نیستند و عبادت می کنند. مَثَل اهل‌بیتی بود که در بنی‌اسرائیل بودند، که هیچ‌کدام از ایشان، چهل شب کوشش نمی‌کرد، مگر آن که چون دعا می کرد، به اجابت می‌رسید. مردی از ایشان، چهل شب سعی و کوشش کرد، آن‌گاه دعا کرد، پس مستجاب نشد.

دعاهایی که به‌واسطه خواندن آن‌می‌توان حضرت‌حجّت علیه‌السلام رادر خواب یا بیداری دید

(۱۷۷) ((

و اما اعمال مخصوصه برای حاجت مذکوره؛ چه‌آن که مختصّ به امام زمان علیه‌السلام باشد، یا به مشارکت سایر ائمّه، بلکه انبیاء علیهم‌السلام ؛ پس چند چیز از آن‌ها مذکور می‌شود:

اول: سیّد جلیل، ابن باقی در «اختیار مصباح» روایت کرده از حضرت صادق علیه‌السلام که فرمود: «هرکس بخواند بعد از هر نماز فریضه این دعا را، پس به درستی که او خواهد دید امام م ح م د بن‌الحسن علیه‌السلام را در بیداری یا در خواب:

بسم اللّه الرحمن الرحیم

(۱۷۸) ((

اَللّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلانا صاحِبَ الزَّمانِ أَيْنَما كانَ وَ حَيْثُما كانَ مَشارِقَ الاْرْضِ وَ مَغارِبَها سَـهْلَها وَجَبَلَها عَنِّى وَ عَنْ والِدَىَّ وَ اِخْوانِى التَّحِيَّةَ وَالسَّلامَ عَدَدَ خَلْقِ اللّهِ، وَزِنَةَ عَرْشِ اللّهِ وَ ما أَحْصاهُ كِتابُهُ وَ أَحاطَ بِهِ عِلْمُهُ

اَللّهُمَّ اِنِّى أُجَدِّدُ لَهُ فِى صَبِيحَةِ هذَا الْيَوْمِ وَ ما عِشْتُ فِيهِ مِنْ أَيّامِ حَياتِى عَهْدا وَ عَقْدا وَ بَيْعَةً لَهُ فِى عُنُقِى لا أَحُولُ عَنْها وَ لا أَزُولُ أَبَدا .

اَللّهُمَّ اجْعَلْنِى مِنْ أَنْصارِهِ وَ أَعْوانِهِ وَ الذّابِّينَ عَنْهُ وَ الْمُمْتَثِلِينَ لاِوامِرِهِ وَ نَواهِيهِ فِى أَيّامِهِ وَ الْمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ.

اَللّهُمَّ فَاِنَّ حالَ بَيْنِى وَ بَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِى جَعَلْتَهُ عَلى عِبادِكَ حَتْما مَقْضِيّا فَأَخْرِجْنِى مِنْ قَبْرِى مُؤْتَزِرا كَفَنِى شاهِرا سَيْفِى مُجَرَّدا قَناتِى مُلَبِّيا دَعْوَةَ الدّاعِى فِى الحاضِرِ وَ البادِى .

(۱۷۹) ((

اَللّهُمَّ أَرِنِى الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَ الْغُرَّةَ الحَمِيدَةَ وَ اكْحُلْ بَصَرِى بِنَظْرَةٍ مِنِّى اِلَيْهِ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ .

اَللّهُمَّ اشْدُدْ أَزْرَهُ وَ قَوِّ ظَهْرَهُ وَ طَوِّلْ عُمْرَهُ اللّهُمَّ عَمِّرْ بِهِ بِلادَکَ وَ أَحْیِ بِهِ عِبادَکَ فَإِنَّکَ قُلْتَ وَ قَوْلُکَ الحَقُّ ظَهَرَ الفَسادُ فِی البَرِّ وَ البَحْرِ بِما کَسَبَتْ أَیْدِی النّاسِ فَأَظْهِرِ اللّهُمَّ لَنا وَلِیَّکَ وَابْنَ بِنْتِ نَبِیِّکَ المُسَمّی بِاسْمِ رَسُولِکَ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ حَتّی لا یَظْفَرَ بِشَیْءٍ مِنَ الباطِلِ اِلّا مَزَّقَهُ وَ یُحِقُّ اللّهُ الحَقَّ بِکَلِماتِهِ وَ یُحَقِّقُهُ .

اللّهُمَ اکْشِفْ هذِهِ الغُمَّةَ عَنْ هذِهِ الاُمَّةِ بِظُهُورِهِ اِنَّهُمْ یَرَوْنَهُ بَعِیدا وَنَریهُ قَرِیبا وَ صَلَّی اللّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ » .(۱)

۱- بحارالانوار، ج ۸۶، ص ۶۱ .

(۱۸۰) «

«بار خدایا برسان به صاحب‌الزمان هرجا که باشد و هر زمان که باشد در مشارق زمین و مغارب زمین، هموار زمین و کوهستانی زمین، از من و از پدر و مادرم و برادران من درود و سلام را به شمارش. بارخدایا قرار ده من را از یاران او و کمک‌های او و پاسداران او و از کسانی که فرمان‌های او را جامه عمل می‌پوشانند و به نواهی او تارک هستم در تمامی روزهای زندگیم و از کسانی مرا قرار ده که جلوی روی ایشان شهید شوم. بارخدایا اگر بین من و او مرگ فاصله شود آن مرگی که برای بندگانت حتم و فرمان داده شده قرار داده‌ای پس مرا از قبرم بیرون آور در حالی که کفنم را به دوش اندازم شمشیرم را بکشم نیزه‌ام را بیرون آورم لبیک گویان جواب کسی از طرف او ندا می کند بدهم چه در شهرها و چه در بیابان‌ها. بارخدایا به من

(۱۸۱) «

نشان ده آن شکوفای رشید و آن نورانی ستوده شده و چشم من را سرمه بکش به نگاه او و فرجش را تعجیل فرما و محل بیرون آمدن او را آسان فرما. با آفرینش خدا و به وزن عرش خدا و به آن مقدار که کتاب خدا آن را می‌شمارد و علم خدا به آن احاطه دارد. خداوندا به درستی که من تجدید می کنم برای او در بامداد امروز و هرچه من زندگی کنم از ایام زندگیم عهد را و قرارداد را برای او در گردنم که از آن برنگردم و به آن پایان ندهم هرگز و پسر دختر پیامبرت را آن کسی که نامگذاری شده به اسم رسول تو. درود تو بر او و آل او تا اینکه به هر باطلی دست پیدا کند آن را درهم ریزد و آنچه حق است برپا کند به واسطه کلماتی که می‌فرماید و حقایقی که روشن می کند. بارخدایا برطرف ساز این گرفتاری را از این امّت به ظهور او به درستی که آنها (دشمنان تو) آنرا دور می‌پندارند و ما آن را نزدیک می‌دانیم و درود فرست بر محمّد

(۱۸۲) «

و آل او. بارخدایا توانش را زیاد کن و پشت او را قوی کن و عمرش را طولانی فرما. بارخدایا شهرهایت را به وجود او آبادان فرما و بندگانت را با او احیاء فرما. به درستی که تو گفته‌ای و گفتارت حق است که معلوم شده تباهی در خشکی و دریا به سبب آنچه دست‌های مردمان تحصیل کرده. پس ظاهرساز بارخدایا ولیّت را» .

دوم: شیخ ابراهیم کفعمی در «الجُنةُ الواقیه» فرموده که: «دیدم در بعضی از کتب اصحاب خود که هرکس اراده کرده دیدن یکی از انبیاء و ائمّه علیهم‌السلام را یا سایر مردم یا فرزندان خود را در خواب، پس بخواند سوره شمس، قدر، کافرون، توحید و معوَّذتین (۱)، آن‌گاه‌بخواند سوره‌توحیدرا صدمرتبه‌و صلوات‌بفرستد برپیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله

۱- یعنی سوره ناس و فلق .

(۱۸۳) «

صد مرتبه و بخوابد بر طرف راست ؛ پس به درستی که خواهد دید آن را که قصد کرده ـ ان‌شاءاللّه‌تعالی ـ و سخن خواهد گفت با آن‌ها به آن‌چه می‌خواهد از سؤال و جواب.

و دیدم در نسخه دیگر، همین را به عینه، جز آن که گفته: به جامی‌آورد این را هفت شب، بعد از دعایی که اولش این است: «اَللّهُمَّ أَنْتَ الحَیُّ الَّذِی...».

مخفی نماند که این دعا را سیّد علی بن طاووس روایت کرده در کتاب «فلاح السائل» به اسناد خود از بعضی از ائمه علیهم‌السلام که فرمود: «هرگاه اراده کردی که ببینی میّت خود را، پس بخواب با طهارت و بخواب بر طرف راست خود، و بخوان تسبیح فاطمه زهرا علیهاالسلام را و بگو: «اَللّهُمَّ أَنْتَ الحَيُّ...» .

شیخ طوسی در مصباح خود فرموده: کسی که اراده کرده دیدن میّتی را در

(۱۸۴) ((

خواب خود، پس بگوید در وقت خواب:

«اَللّهُمَّ أَنْتَ الحَيُّ الَّذِي لا ـ يُوصَفُ وَ الاِيمانُ يُعْرَفُ مِنْهُ مِنْكَ بَدَأَتِ الاَشْياءُ وَ اِلَيْكَ تَعُودُ فَما أَقْبَلَ مِنْها كُنْتَ مَلْجَأَهُ وَ مَنْجاهُ وَ ما أَدْبَرَ مِنْها يَكُنْ لَهُ مَلْجا وَ لا ـ مَنْجا مِنْكَ اِلاّ ـ اِلَيْكَ وَ أَسْئَلُكَ بِلا ـ اِلهَ اِلاّ أَنْتَ وَ أَسْئَلُكَ بِبِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ وَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صلی‌الله‌علیه‌وآله سَيِّدِالنَّبِيِّينَ وَ بِحَقِّ عَلِيٍّ خَيْرِ الوَصِيِّينَ وَ بِحَقِّ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِساءِ العالَمِينَ وَ بِحَقِّ الحَسَنِ وَ الحُسَيْنِ الَّذِينَ جَعَلْتَهُما سَيِّدَيْ شَبابِ أَهْلِ الجَنَّةِ أَجْمَعِينَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَنْ تُرِيَنِي مَيِّتِي فِي الحالِ الَّتِي هُوَ فِيها».(۱)

۱- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۲۹. بار خدایا تویی زنده‌ای که به وصف درنیاید و ایمان شناخته می‌شود وجودش از توت. ابتداء کردی به خلق اشیاء و به سوی تو است بازگشت آن‌ها پس هرچه از اشیاء که آفریده شده تو پناه آن و محل نجات آن هستی و آنچه از آن‌ها رفته است پس پناهی و محل نجاتی از تو جز سوی تو نیست و از تو می‌خواهم به لااله اَنْتَ (این که نیست معبودی جز تو) و از تو می‌خواهم به بسم‌اللّه الرحمن الرحیم (به نام خداوند بخشاینده مهربان) و به حقّ حبیب تو محمّدصلی اللّه علیه و اله سید انبیاء و به حقّ علی بهترین اوصیاء و به حقّ فاطمه سیده زنان جهانیان و به حقّ حسن و حسین، آن دو نفری که قرارشان دادی دو آقای جوانان بهشت همگی این که درود بفرستی بر محمّد و آل او و اهل بیتش و این که به من نشان دهی میّت مرا در این شب که در آن هستم .

(۱۸۵) ((

پس، به‌درستی که تو خواهی‌دید اورا ـ ان‌شاءاللّه‌تعالی ـ و مقتضای‌عموم‌اول خبر، این‌دعارا برای میّت، حتی انبیاء و ائمه علیهم‌السلام ـ چه زنده و چه متوفّی ـ می‌شود خواند.

باید آن کسی که عامل به این نسخه می‌کند، تبدیل کند آخر دعا را به آنچه مناسب مقام امام زنده و پیغمبر زنده است! بلکه ظاهر آن است که اگر برای نبیّ یا امام ـ چه

(۱۸۶) ((

زنده و چه متوفّی ـ باشد، باید تغییر دهد.

و مؤید این مطلب آن که در کتاب «تَسْهِيلُ‌الدَّواء» بعد از ذکر دعای مذکور، گفته که: ذکر کرده بعضی از مشایخ ما رحمهٔ‌اللّه که هرکس اراده کرده که ببیند یکی از انبیا یا ائمه هدی علیهم‌السلام را، پس بخواند دعای مذکور را تا آن جا که «أَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ»، آن گاه بگوید: «أَنْ تُرِيَنِي فُلانا» (۱)یعنی نام آن را که خواسته، ببرد و بخواند بعد از آن، سوره شمس، لیل، قدر، کافرون، توحید و معوّذتین را، آن‌گاه صدمرتبه سوره توحید را بخواند، پس، هر که را اراده کرده، خواهد دید و سؤال می‌کند از او، آنچه را قصد کرده و جواب خواهد داد او را ـ ان شاءاللّه تعالی ـ

۱- یعنی در این نقل به جای «میّتی»، «فلانا» گفته شده که مخصوص به میّت نباشد.

(۱۸۷) ((

سوم: شیخ مفید رحمهٔ‌اللّه در کتاب اختصاص روایت کرده از یکی از راویان، از حضرت موسی‌بن‌جعفر علیه‌السلام که گفت: شنیدم از آن حضرت که می‌فرماید: «هرکسی که برای او حاجتی است به سوی خداوند تبارک و تعالی و اراده کرده که ما را ببیند و مقام

و مرتبه خود را بداند، پس غسل نماید سرشب و مناجات کند به ما (یعنی ـ واللّه العالم ـ که که با خدای تعالی مناجات کند به توسطّ ما، به این که قسم دهد او را به حقّ ما و متوسّل شود به حضرت او و به وسیله ما، که ما را به او بنمایاند و مقام او را در نزد ما به او نشان دهد) پس به درستی که او خواهد دید ما را و می‌آمرزد او را خداوند به سبب ما و پوشیده نمی‌شود بر او موضع و محلّ او (یعنی مقام او)» .

و بعضی گفته‌اند: مراداز «مناجات‌کردن به‌ما»، این [است] که‌دیدن«ما»رااز همّ خودقراردهد و دیدن و محبّت «ما» را ذکرنفس خود گرداند، که خواهد دید ایشان را.

«» (۱۸۸)

## استغاثه به حضرت علیه‌السلام

سیّد فضل‌اللّه راوندی در کتاب «دَعَوات» و علامه مجلسی در «بِحار» از کتاب «مجموع الدَّعَوات» تلعکبری و سید علی خان در «کَلِم الطّیّب» از «قبس المصباح» روایت کرده‌اند از ابوالوفای شیرازی که گفت: «من اسیر بودم در حبس الیاس، با ضیق حال؛ پس چنین معلوم شد بر من که او قصد قتل من کرده ؛ پس شکایت کردم به سوی خداوند تبارک و تعالی و شفیع قراردادم مولای خود، ابی‌محمّد، علی بن الحسین، زین‌العابدین علیه‌السلام را؛ پس خواب مرا ربود .(۱)

۱- و به روایت «قبس»: ـ پس موکّلین به من گفتند که:«قصد بدی به تو کرده». پس من مضطرب شدم و بناکردم به مناجات کردن با خداوند به توسّل پیغمبر و ائمه علیهم‌السلام و چون شب جمعه شد و فارغ شدم از نماز، خوابیدم.

«» (۱۸۹)

در خواب دیدم رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله [را] که آن جناب می‌فرماید که: متوسّل نشو به من و نه به دختر من و نه به دو پسر من از برای چیزی از متاع دنیا، بلکه از برای آخرت و آنچه را آرزو داری از فضل خدای تعالی.

و اما برادرم، ابوالحسن علیه‌السلام ، پس او انتقام می‌کشد از کسی که ظلم کرده تو را. پس گفتم: یا رسول اللّه آیا نبود که فاطمه علیهاالسلام را ظلم کردند، پس صبر کرد و میراث تو را غصب کردند، صبر نمود؛ پس چگونه انتقام می‌کشد از کسی که مرا ظلم نموده؟

پس حضرت نظر کرد به من از روی تعجّب و فرمود: آن عهدی بود که به او کرده

«» (۱۹۰)

بودم و امری بود که به ا و، امر نموده بودم و جایز نبود برای او مگر به پاداشتن آن و به تحقیق که ادا کرد حقّ را. و الان، پس وای بر کسی که متعرّض شود موالی او را.

اما علیّ بن الحسین علیه‌السلام ، پس، از برای نجات از سلاطین و از شرور شیاطین.

و اما محمّدبن علی و جعفر بن محمّد علیه‌السلام ، پس، از برای آخرت و ـ به روایتی ـ آنچه بخواهی از طاعت خداوند و رضوان او.

و اما موسی بن جعفر علیه‌السلام ، پس بخواه به او عافیت. و اما علی بن موسی علیه‌السلام ، از برای نجات و ـ به روایتی ـ بطلب از او سلامتی را در سفرها در بحر و برّ .

و اما محمّدبن علی علیه‌السلام ، بطلب به سبب او نزول رزق را از خدای تعالی.

و اما علی بن محمّد علیه‌السلام ، از برای قضای نوافل و نیکی اخوان و آنچه بخواهی از طاعت خداوند عزّ و جلّ. و اما حسن بن علی علیه‌السلام ، از برای آخرت.

«» (۱۹۱)

و اما حجّت علیه‌السلام ، پس هر گاه رسید شمشیر به محل ذبح تو ـ و حضرت اشاره فرمود به دست خود به سوی حلق ـ پس استغاثه بکن به او!؛ به درستی که درمی‌یابد تو را و او فریادرس است و پناه است از برای هرکس که استغاثه کند ؛ بگو: «یا مَوْلایَ یا صاحِبَ الزَّمانِ! أَنَا مُسْتَغِیثٌ بِکَ» .

در جمع بین حکایات و قصه‌های گذشته و بین روایتی که در تکذیب مدّعی مشاهده آن‌جناب علیه‌السلام ، در غیبت کبری رسیده است

شیخ صدوق رحمهٔ‌اللّه در «کمال‌الدین» و شیخ طبرسی رحمهٔ‌اللّه در «احتجاج» روایت کرده‌اند که: بیرون آمد توقیع به سوی ابی‌الحسن سمری که:

«ای علی بن محمّد سَمُریّ! بشنو! خداوند، اجر برادران تو را در تو بزرگ گرداند،

(۱۹۲) «

پس به درستی که تو فوت خواهی شد، از حال تا شش روز؛ پس جمع کن امر خود را و وصیّت مکن به احدی که قائم مقام تو باشد بعد از وفات تو ؛ پس به تحقیق که واقع شد غیبت تامّه؛ پس ظهوری نیست مگر بعد از اذن خدای تعالی و این بعد از طول زمان و قساوت قلوب و پرشدن زمین است از جور و زود است که می‌آید از شیعه من کسی که مدّعی مشاهده است ؛ آگاه باشید که هر کس مدّعی شود مشاهده را پیش از خروج سفیانی و صیحه (۱)، پس او کذّاب و مُفْتَری است ؛ «وَ لا ـ حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلاّ بِاللّهِ العَلِیِّ العَظِیم».

و نیز در چند خبر دیگر اشاره به این مطلب فرموده‌اند.

۱- خروج سفیانی و صیحه و صدای آسمانی از علامات‌های ظهور امام عصر علیه‌السلام است.

» (۱۹۳)

و جواب از این خبر به چند وجه است:

جواب اول آن که: این خبر که سندش ضعیف است و غیر آن، خبر واحد است که جز ظن و گمان از حاصل نشود و موجب جزم و یقین نباشد؛ پس قابلیت ندارد که معارضه‌کند با وجدان قطعی، که از مجموع قصص و حکایات مربوط به کرامات امام زمان «عَجَّلَ اللّه تَعالی فَرَجَهُ الشَّریف» نقل شده است. بلکه برخی از آن حکایات دارابود کرامات و خارق‌عاداتی‌را که ممکن‌نباشد صدور آن‌ها از غیر آن جناب علیه‌السلام .

و علمای اعلام ـ از قدیم تا حال ـ امثال آن حکایات را قبول دارند و در کتب ضبط فرموده‌اند و به آن استدلال کرده‌اند و از یکدیگر گرفته‌اند و از هرکس که اطمینان به صدق کلام او داشته‌اند، تصدیق کرده‌اند.

جواب دوم آن که: شاید مراد از این خبر، تکذیب کسانی باشد که مدّعی

(۱۹۴) «

مشاهده‌اند با ادّعای نیابت و رساندن اخبار از جانب آن جناب علیه‌السلام به سوی شیعه؛ چنان که سفرای خاص آن حضرت در غیبت صغری داشتند و این جواب از علّامه مجلسی در کتاب «بحار» است.

جواب سوم آن که: زین‌الدّین علی بن فاضل، به سیّد الدین عرض کرد که: «ای سیّدمن! ما روایت کردیم احادیثی از مشایخ خود، از صاحب‌الامر علیه‌السلام که آن حضرت فرمود: هر که در غیبت کبری گوید که مرا دیده، به تحقیق که دروغ گفته، پس چگونه در میان شما کسی است که می‌گوید من آن حضرت را دیده‌ام ؟

سید شمس‌الدین گفت: راست می گویی ؛ آن حضرت این سخن را فرمود در آن زمان، به سبب بسیاری دشمنان، از اهل‌بیت خود و غیر ایشان از فراعنه زمان از خلفای بنی‌عبّاس ؛ حتی آن که شیعیان در آن زمان، یکدیگر را منع می‌کردند از ذکر کردن

(۱۹۵) «»

احوال آن جناب و اکنون زمان طول کشیده و دشمنان از او مأیوس گردیدند.

و سید مرتضی در «تنزیه الانبیاء» در جواب آن کسی که گفته: «هرگاه امام غایب باشد به‌نحوی که نرسد به‌خدمت او احدی‌از خلق و منتفع نشود به او، پس چه فرق است میان وجود او و عدم او؟» فرموده: «اول چیزی که در جواب او می گوییم، این که: ما قطع نداریم که نمی‌رسد خدمت او احدی و ملاقات نمی‌کند او را بشری و این امری است که معلوم نشده و راهی نیست به سوی یقین کردن به آن...» .(۱)

۱- این‌مطالب‌از کتاب خورشیدغایب مختصرنجم‌الثاقب، تألیف‌رضااستادی، استفاده‌شده‌است.

(۱۹۶) «»

**«کتابنامه»**


۱ ـ بیستونی، محمد، تفسیر جوان (۵ جلدی)، اوّل، قم، انتشارات بیان جوان .

۲ ـ بیستونی،محمد، فهرستواره‌موضوعی‌تفسیرجوان،اوّل،قم،انتشارات‌بیان‌جوان .

۳ ـ بیستونی، محمد، تفسیر بیان (۳۰ جلدی)، اوّل، تهران، انتشارات فراهانی .

۴ ـ بیستونی،محمد، فهرستواره‌موضوعی‌تفسیربیان،اوّل،تهران،انتشارات فراهانی .

۵ ـ نوری، میرزا حسین ، خورشید غائب (مختصر نجم‌الثاقب) ، اوّل ، قم ، انتشارات مسجد مقدس جمکران .

۶ ـ برنجیان، جلال ، آینده جهان ، سوم ، تهران ، انتشاراتی طور تهران .

۷ ـ بحارالانوار، ج ۸۶ .

(۱۹۷) «»

۸ ـ بحارالانوار، ج ۵۳ .

۹ ـ مصطفوی، علی‌اصغر ، «سوشیانت‌یا سیر اندیشه‌ایرانیان درباره موعود آخرالزمان»، نقل از نصری، عبداللّه «سیمای انسان کامل».

۱۰ ـ حموینی، حافظ ، «فرائد السِمْطَیْن»، نقل از کتاب «اَلْمَهْدِیُّ الْمَوْعُودُ الْمُنْتَظَرُ عِنْدَ عُلَماءِ اَهْلِ السُّنَّةِ»، شیخ نجم‌الدین عسکری، ج ۲ .

۱۱ ـ راشدی، لطیف ، «الحاوی للفتاوی» جزء دوم، نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام .

۱۲ ـ محی الدین، «فتوحات مکّیة»، نقل از ترجمه «کشف الاَسْتار» اثر محدّث نوری ترجمه جلال برنجیان، مخطوط .

۱۳ ـ شیخ مفید، «الاختصاص»، نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام

(۱۹۸) «»

ترجمه لطیف راشدی .

۱۴ ـ طبرسی، «اعلام‌الوری»، نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه لطیف راشدی.

۱۵ ـ علامه مجلسی، «بحارالانوار»، ج ۵۳ باب توقیعات .

۱۶ ـ سلیمان، کامل، «ترجمه یوم‌الخلاص»، ج ۱ .

۱۷ ـ سلیمان، کامل، «ترجمه یوم‌الخلاص»، ج ۱ .

۱۸ ـ صافی، لطف‌اللّه «منتخب الاثر»، نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه لطیف راشدی .

۱۹ ـ عاملی، شیخ حرّ، «اثبات الهداة»، ج ۷ نقل از «ترجمه مکیال المکارم» محمد تقی اصفهانی، ترجمه حائری قزوینی، ج ۱ .

(۱۹۹) «»

۲۰ ـ علامه مجلسی، «بحارالانوار»، ج ۵۳ نقل از اصفهانی، محمد تقی، «ترجمه مکیال‌المکارم»، ترجمه حائری قزوینی، ج ۱ .

۲۱ ـ امین، سید محسن، «ترجمه اعیان الشیعه» (آشنایی با امام زمان علیه‌السلام ).

۲۲ ـ «الزام‌الناصب»، ج ۲، نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه لطیف راشدی.

۲۳ ـ نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه لطیف راشدی .

۲۴ ـ علامه مجلسی، «بحارالانوار»، ج ۵۲ .

۲۵ ـ «بحارالانوار»، ج ۵۲ .

۲۶ ـ علامه مجلسی، «بحارالانوار»، ج ۵۱ به نقل از «کمال‌الدین».

۲۷ ـ نعمانی،ابن‌ابی زینب، «الغیبة»، «الزام‌الناصب» نقل از کتاب مخطوط

(۲۰۰) «»

درباره امام‌زمان علیه‌السلام ترجمه لطیف راشدی .

۲۸ ـ «المهدی» ، «بشارةالاسلام» و علامه مجلسی، «بحارالانوار»، ج ۵۲ نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه لطیف راشدی .

۲۹ ـ شیخ طوسی، «الغیبة»، نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه لطیف راشدی .

۳۰ ـ «الحاوی للفتاوی»، ج ۲ نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه لطیف راشدی.

۳۱ ـ مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، «عِقْدُالدُّرَر»،نقل‌ازکتاب مخطوط درباره امام‌زمان علیه‌السلام ترجمه لطیف راشدی .

۳۲ ـ علامه‌مجلسی، «بحارالانوار»، ج۵۲، نقل‌ازکتاب‌مخطوط‌درباره امام زمان علیه‌السلام

(۲۰۱) «»

ترجمه لطیف راشدی .

۳۳ ـ مقدّسی شافعی، یوسف بن یحیی، «عِقْدُالدُّرَر»، نقل از کتاب مخطوط درباره امام‌زمان علیه‌السلام ترجمه لطیف راشدی .

۳۴ ـ صدر،محمد،«تاریخ‌مابعدالظهور»، نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه لطیف راشدی .

۳۵ ـ علامه مجلسی، «بحارالانوار»، ج ۵۱، نقل‌ازحکیمی، محمد، «درفجرساحل» .

۳۶ ـ شیخ صدوق، «علل‌الشرایع»، نقل از صافی، لطف‌اللّه «منتخب‌الاثر» .

۳۷ ـ شیخ صدوق، «کمال الدین»، ج ۲ .

۳۸ ـ صافی، لطف اللّه «منتخب الاثر» .

۳۹ ـ مکارم شیرازی، ناصر،حکومت جهانی مهدی «عج»، یازدهم، قم، انتشارات

(۲۰۲) «»

نسل جوان

۴۰ ـ آیات اعظام صافی گلپایگانی ، سبحانی ، کورانی ، در جستجوی نور ، دوم ، قم، انتشارات مسجد مقدّس جمکران

۴۱ ـ امینی ، ابراهیم ـ دادگستر جهان ـ ۲۵ ـ قم ـ انتشارات شفق

۴۲ ـ مجمع‌البیان ، ذیل آیه ۹ ، تفسیر سوره صف.

۴۳ ـ بحارالانوار ، جلد ۵۲.

۴۴ ـ صحیح ترمذی ، باب ما جاء فی الدّجال.

۴۵ ـ «هدیة الاحباب».

۴۶ ـ تفسیر برهان.

۴۷ ـ نهج‌البلاغه ، کلمات قصار.

(۲۰۳)

۴۸ ـ بحار الانوار ، جلد ۱۳ ، چاپ قدیم.

۴۹ ـ بحارالانوار ، جلد ۱۲.

۵۰ ـ نورالابصار فی مناقب آل بیت النّبی المختار.

۵۱ ـ منتخب الاثر.

۵۲ ـ مولوی نیا، محمد جواد، سیمای مهدویت در قرآن، چاپ اول، قم، انتشارات امام عصر علیه‌السلام .

۵۳ ـ طباطبایی ، سیّد محمّد ، ملاقات علماء بزرگ اسلام با امام زمان علیه‌السلام ، دوم ، قم ، انتشارات شمیم گل نرگس .

۵۴ ـ علی‌پور، حسین، جلوه‌های پنهانی امام عصر علیه‌السلام ، اول، قم، انتشارات مسجد مقدّس جمکران.

(۲۰۴)

۵۵ ـ رجالی تهرانی، علیرضا، یکصدپرسش و پاسخ پیرامون‌امام زمان علیه‌السلام ، دهم ، قم، انتشارات نبوغ.

۵۶ ـ موسی‌الصّفّار،حسن،امام‌مهدی علیه‌السلام امیدملّت‌ها،پنجم،تهران،انتشارات آفاق.

۵۷ ـ علاّمه مُهری ، سیّد مصطفی ، مهدی موعود علیه‌السلام یارانی این‌گونه دارد ، اول ، قم، انتشارات علامه بحرانی.

۵۸ ـ فلسفی ، محمّدتقی ، حکومت جهانی امام عصر علیه‌السلام ، اول ، تهران ، انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه‌السلام .

۵۹ ـ حسینی ، سیّدحسین ، یاد محبوب ، دوم ، تهران ، انتشارات نشر آفاق .

۶۰ ـ حکیمی، مهدی، منتظر، چشم به راهی فریادگر !!!! ـ اول ـ مشهد ـ انتشارات به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی).

(۲۰۵)

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در

دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف ) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی

جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹